



نظام آموزشی تایلند

- ۶ ملاحظات تاریخی
- ۷ ملاحظات جغرافیایی
- ۷ ملاحظات سیاسی
- ۸ ملاحظات اقتصادی
- ۹ اشتغال
- ۹ جمعیت
- ۱۰ ارتباطات
- ۱۰ ملاحظات علمی
- ۱۱ تاریخچه آموزشی
- ۱۱ دوره سوختای (A. D. ۱۲۳۸ - ۱۳۷۸)
- ۱۲ دوره آیوتاهایا (A. D. ۱۳۵۰ - ۱۷۶۷)
- ۱۲ دوره بانگ کوک (A. D. ۱۷۸۲ به بعد)
- ۱۴ ظهور وزارت آموزش و پرورش
- ۱۸ ساختار آموزشی
- ۲۱ سطوح آموزشی
- ۲۱ اهداف کلی



۲۲	سیاستهای آموزشی
۲۲	سیاست‌های آتی
۲۵	آموزش پیش دبستانی
۲۵	ساختار آموزشی
۲۵	آموزش پایه
۲۵	سیاستهای آموزشی
۲۸	محدودیت‌ها
۲۹	آموزش همگانی
۲۹	چارچوب کلی
۳۱	سیاستهای آموزشی
۳۳	اهداف کلی
۳۵	استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها
۳۶	استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های دراز مدت
۳۹	نظارت بر عملی کردن خط‌مشی‌ها و استراتژی‌ها
۳۹	موفقیت‌ها و دستاوردهای اخیر
۴۱	ضعفها و قوتها
۴۲	اقدامات آموزشی
۴۲	آموزش ابتدایی
۴۲	ساختار آموزشی
۴۳	اهداف آموزشی
۴۳	برنامه‌های آموزشی
۴۳	برنامه‌های آموزشی بنا به پایه تحصیلی
۴۴	تعداد ساعات درس آموزشی بنا به پایه‌های تحصیلی
۴۴	آموزش متوسطه
۴۴	سیاستهای آموزشی
۴۴	ارزیابی تحصیلی
۴۴	سیستم نمره دهی
۴۵	مقطع مقدماتی متوسطه



۴۵.....	اهداف آموزشی
۴۵.....	ارزیابی تحصیلی
۴۶.....	برنامه های آموزشی
۴۶.....	توسعه آموزشی
۴۷.....	نرخ حضور دانش آموزان در مدارس مقدماتی متوسطه
۴۸.....	مقطع تکمیلی متوسطه
۴۸.....	ساختار آموزشی
۴۸.....	اهداف آموزشی
۴۸.....	نرخ حضور دانش آموزان در مدارس تکمیلی متوسطه
۴۹.....	آموزش عالی
۴۹.....	دانشگاه ها
۵۰.....	نهادهای مرکزی
۵۱.....	سال تحصیلی
۵۱.....	زبان آموزشی
۵۱.....	مقاطع آموزشی
۵۱.....	مقطع کارشناسی
۵۱.....	مقطع کارشناسی ارشد
۵۲.....	مقطع دکتری
۵۲.....	پذیرش تحصیلی
۵۲.....	ورود به مراکز آموزش عالی غیردانشگاهی
۵۲.....	ورود به دانشگاه ها
۵۲.....	ورود به مراکز عالی حرفه ای
۵۳.....	پذیرش دانشجویان خارجی
۵۴.....	ارزیابی تحصیلی
۵۴.....	سیستم نمره دهی
۵۴.....	نهادهای ارزیابی
۵۵.....	آموزش عالی آزاد
۵۵.....	سیستم نمره دهی
۵۵.....	خدمات دانشجویی در سطح ملی
۵۵.....	نهادهای اصلی



- ۵۶..... همکاری‌ها و تبادلات بین‌المللی دانشگاهی
- ۵۶..... نهادهای مرکزی
- ۵۶..... برنامه‌های مبادلاتی
- ۵۶..... آموزش عالی غیر دانشگاهی
- ۵۶..... آموزش معلمان
- ۵۷..... مدرک مورد نیاز برای تدریس در سطوح مختلف آموزشی
- ۵۷..... آموزش معلمان مقدماتی و تکمیلی متوسطه
- ۵۷..... حقوق و مزایا
- ۵۹..... آموزش فنی و حرفه‌ای
- ۵۹..... سیاستهای آموزشی
- ۶۰..... توسعه آموزشی
- ۶۱..... توسعه آموزشی در قالب برنامه هفتم توسعه
- ۶۱..... آموزش غیر رسمی
- ۶۲..... آموزش عالی غیر حضوری
- ۶۲..... آموزش از راه دور
- ۶۲..... سیاستهای آموزشی
- ۶۳..... ساختار کلی
- ۶۳..... بهره‌گیری از ابزاراطلاعات آموزش از راه دور
- ۶۴..... برنامه‌های دانشگاه آزاد
- ۶۶..... آموزش بزرگسالان
- ۶۷..... سیاستهای آموزشی
- ۶۸..... نرخ سوادآموزی طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸
- ۶۹..... آموزش ویژه محرومین
- ۶۹..... نهادهای مرکزی
- ۷۱..... آموزش زنان
- ۷۱..... تاریخچه
- ۸۶..... آموزش اخلاق
- ۸۶..... پیشرفت اخلاق و پرهیزگاری دانش‌آموزان



۸۷.....	دوره های آموزش اخلاق و پرهیزگاری
۸۷.....	نهادهای مرکزی
۸۸.....	معضلات آموزشی
۹۲.....	توسعه آموزشی
۹۲.....	توسعه کمی و کیفی
۹۷.....	اصول و اهداف آموزشی
۹۷.....	اولویتها و علایق آموزشی
۹۸.....	قوانین آموزشی
۹۹.....	قوانین اصلاحی
۹۹.....	قوانین آموزش عالی
۹۹.....	برنامه ریزی و ارزیابی تحصیلی
۹۹.....	سیاستهای اصلی
۱۰۲.....	مدیریت آموزشی
۱۰۲.....	نهادهای مرکزی
۱۰۲.....	سطوح مدیریتی
۱۰۳.....	مدیریت آموزش عالی
۱۰۳.....	نهادهای مدیریتی
۱۰۴.....	بودجه و هزینه های آموزشی
۱۰۴.....	بودجه آموزشی
۱۰۶.....	بودجه آموزش پایه
۱۰۶.....	بودجه آموزش خصوصی
۱۰۷.....	شهریه و هزینه های تحصیلات دانشگاهی
۱۰۸.....	هزینه های عمومی آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزش طی سال ۱۹۹۵
۱۰۸.....	کل هزینه های آموزشی
۱۰۹.....	هزینه های جاری آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی
۱۰۹.....	کمک هزینه های تحصیلی
۱۰۹.....	نهادهای مرکزی



ملاحظات تاریخی

سرزمین فعلی تایلند (سیام سابق) در دورانهای گذشته جزء امپراطوری مون خمر بود و تا حدود قرن دوازدهم میلادی تاریخ مستقلی نداشت. در اواسط قرن چهاردهم قوی تای در این سرزمین تشکیل مملکت مستقلی دادند که پایتختش آیوتها یا بود. در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی برمه ایها حملات فراوانی به این سرزمین کرده و در همان دوران پای پرتغالیها و هلندیها نیز به آن سرزمین باشد شد و بعدها در قرن هجدهم انگلیسها نیز بدانجا راه یافتند. در اواسط نیمه دوم قرن هجدهم میلادی پایتخت امپراطوری تای ویران شد. در قرن نوزدهم میلادی استقلال تایلند بوسیله انگلستان تهدید شد ولی تایلندیها با ایجاد روابط با دول دیگر، امکان نفوذ انگلستان را از بین بردند. در نیمه دوم قرن نوزدهم تایلند دست از ادعای خود بر خاک کامبوج برداشت و در اوایل قرن بیستم قسمتی از تملکات خود را به کامبوج وا گذاشت و در سال ۱۹۰۹ نیز قسمتی از تملکات خود را به انگلستان واگذار کرد. از اواسط نیمه دوم قرن ۱۸، تا آن موقع سلسله چاکری بر تایلند سلطنت و تا سال ۱۹۳۲ حکومت آنها استبدادی بود تا در این سال پراجادپیوک در نتیجه کودتایی به اعطای مشروطیت تن در داد ولی در سال ۱۹۳۸ ژنرال لوانگا پیبول نونگگرام با قدرت نظامیان جلوی رشد دموکراسی را گرفت. در سال ۱۹۴۱ ژاپنیها تایلند را اشغال کردند و تایلند در جنگ جهانی دوم همراه با ژاپن جنگید. پس از پایان جنگ حکومت تایلند در سطح نخست وزیر همواره متشنج و پر کودتا بود. همچنین شورشهای کمونیستها در شمال و مسلمانان در جنوب همیشه دامنگیر دولت بوده است. تایلند در سالهای اخیر همچنین در گریه‌های فراوانی با همسایگانش داشته که آخرین نتیجه آن بسته شدن مرزهایش با لائوس بوده است. در سال ۱۹۸۱ نیز کودتای نافرجامی در این کشور روی داد.



ملاحظات جغرافیایی

کشور تایلند با ۵۱۴,۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت (چهل و ششمین کشور جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب شرقی قاره آسیا، در کنار خلیج سیام و دریای آندامات و در همسایگی کشورهای برمه در شمال غربی و غرب، لائوس در شمال و شمال شرقی، مالزی در جنوب و کامبوج در مشرق واقع شده است. کشوری نیمه کوهستانیست و کوههای آن عمدتاً در کنار رودها واقع شده اند. مهمترین رودهای آن عبارتند از: مکنونگ، مون، نان، چائوپرایا و شعبات آنها، جنگل ها دارای وسعت زیادی بوده و آب و هوای آن در اکثر نقاط گرم و مرطوب و پرباران است.

بلندترین نقطه آن قله دوی اینتانون (۲,۵۹۵ متر)، طولیترین رود چائوپرایا-نان (حدود ۱۰۰۰ کیلومتر)،

و بزرگترین جزیره، پوکت (۸۰۰ کیلومتر مربع) می باشد.

ملاحظات سیاسی

حکومت این کشور پادشاهی بوده و پادشاه بومیبول آدولیادج (رامای نهم)، و نخست وزیر ژنرال پرم

تینسولانوندا می باشند. قوه مقننه از دو مجلس سنا و نمایندگان تشکیل یافته است. سنا با ۲۱۵ سناتور که از

طرف نخست وزیر انتصاب می شوند و مجلس نمایندگان دارای ۳۰۵ عضو انتخابی می باشد. قانون اساسی

موجود در سال ۱۹۷۸ تدوین شده و براساس آخرین تقسیمات کشوری، تایلند از ۷۲ استان تشکیل گردیده

که زیر نظر فرماندار دولت مرکزی اداره میشوند. فعالیت احزاب در تایلند محدود بوده و احزاب دست چپی

از جمله کمونیست ها اجازه فعالیت ندارند. احزاب مهم عبارتند از: سوسیالیست، ملی خلق و دموکراتیک



روز ملی آن برابر با پنجم دسامبر بوده و در سال ۱۹۴۶ به عضویت سازمان ملل درآمد و علاوه بر آن در سازمانهای آداب، آسه آن، سی سی دی، اکافه، فائو، گات، یا آ، بانک جهانی، ایکائو، آیدا، ایفک، ایلو، ایمکو، ایمف، ایتو، یونسکو، یوپو، وهو، ومو و برنامه کلمبو نیز عضویت دارد.

ملاحظات اقتصادی

واحد پول تایلند بات (B) معادل ۱۰۰ ستانگ است. هر ۲۰/۳ بات برابر یک دلار است. میزان تولید ناخالص ملی تایلند در سال ۱۹۷۹ حدود ۲۴/۶۷ میلیارد دلار بوده (درآمد سرانه ۵۲۷ دلار) که ۳۳٪ آن در سال ۱۹۷۴ از صنایع و ۲۸٪ از کشاورزی بدست آمده است. درآمد بودجه ملی در سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۲/۶۴ میلیارد دلار و هزینه های بودجه در همین سال معادل ۳/۲۴ میلیارد دلار بوده است. واردات تایلند در سال ۱۹۷۹ حدود ۶/۹ میلیارد دلار بوده که بیشتر شامل ماشین آلات، سوخت، پارچه، وسایل برقی، آهن و پولاد و اتومبیل است که عمدتاً از کشورهای ژاپن (۳۱٪)، آمریکا (۱۳٪)، آلمان (۷٪) و قطر (۶٪) وارد میشود. میزان صادرات این کشور حدود ۵ میلیارد دلار است که بیشتر شامل لاستیک، کائوچو، برنج، ذرت، چوب، قلع، شکر، نارگیل و ادویه است و عمدتاً به کشورهای ژاپن (۲۶٪)، هلند (۹٪)، سنگاپور (۸٪) و آمریکا (۸٪) صادر میشود. مهمترین صنایع کشور عبارتند از: بهره برداری از معادن و منابع، تولیدات صنعتی، ساختمانی، مونتاژ اتومبیل، تولید ابزارآلات و سیمان. برنج، نارگیل، کائوچو، ادویه و فرآورده های جنگلی نیز مهمترین محصولات کشاورزی آن کشور را تشکیل داده و سرانه زمین مزروعی برای هر نفر بالغ بر ۰/۲۸ هکتار میباشد. تولید سالیانه گوشت گاو ۱۶۸,۰۰۰ تن، گوشت خوک ۲۴۰,۰۰۰ تن و صید ماهی ۱,۳۶۹,۹۰۰ تن میباشد. تولید سالانه نیروی الکتریسیته نیز معادل ۱۰/۳



میلیارد کیلووات ساعت است. نفت و گاز طبیعی، آهن، سرب، زغالسنگ، قلع، تنگستن، لیگنیت، منگنز،

مولیبدن، آنتیموان و سنگهای قیمتی مهمترین معادن آن میباشند.

ذخایر زیرزمینی نفت نیز بالغ بر ۲۷۰ میلیون بشکه برآورد گردیده است (۱۹۸۷).

اشتغال

نیروی کار کشور بالغ بر ۱۶,۲۴۳,۰۰۰ نفر است که ۱۰٪ آن در صنایع و ۶۷٪ در بخش

کشاورزی و جنگلداری مشغول به فعالیت می باشند.

جمعیت

طبق آمار سال ۲۰۰۳، جمعیت تایلند بالغ بر 63,394,00 نفر (هجدهمین کشور جهان) بوده و تراکم

جمعیت ۸۹/۸ نفر در کیلومتر مربع میباشد. ۱۳/۲٪ مردم کشور ساکن شهرها بوده و پرجمعیت ترین شهر آن

بانکوک با ۶/۶ میلیون نفر حدود ۹/۱٪ جمعیت کشور را تشکیل میدهد. از جمله دیگر شهرهای پرجمعیت

کشور میتوان از توتون بوری، چپانگ مای، ناخن راجاسیما و پیتساتولوک نام برد. از لحاظ توزیع سنی ۵۴/۱

جمعیت را افراد کمتر از ۱۴ سال، ۵۰٪ را افراد ۱۵ تا ۵۹ سال و ۴/۹٪ جمعیت را نیز افراد بالاتر از ۶۰ سال

تشکیل داده و متوسط عمر مردان ۵۳/۶ سال و زنان ۵۸/۷ سال است. در تایلند میزان تولد ۳۵ در هزار و

میزان مرگ و میر ۱۰ در هزار و رشد جمعیت ۳/۲۶٪ است. میزان مرگ و میر کودکان نیز ۲۵ نفر در هر

هزار نوزاد می باشد. شهروندان تایلندی عمدتاً زردپوست بوده و از تیره های (تای یانای) (۷۵٪)، چینی



(۱۴٪)، مالای (۳٪) و خمر و غیره میباشند. ۹۴٪ مردم آن پیرو آئین بودا، ۴٪ پیرو اسلام و ۶٪ مسیحی هستند.

ارتباطات

در سال ۱۹۷۸ حدود ۶۴,۱۰۰ کیلومتر راه وجود داشته و ۲۶۶,۱۰۰ اتومبیل سواری و ۲۶۶,۷۰۰ وسیله نقلیه عمومی مورد استفاده بوده است، همچنین ۱۵,۵۰۴ اتومبیل سواری و ۸,۵۹۲ وسیله نقلیه عمومی تولید شده است. طول راه آهن مورد استفاده نیز بالغ بر ۳,۸۲۷ کیلومتر بوده و ارتباطات هوایی داخلی و بین المللی این کشور توسط شرکت هوایی تای انجام می شود. سالانه بیش از ۱,۱۸۰,۰۰۰ توریست از تایلند دیدن میکنند. ارتباطات تایلند بوسیله دوت کنترل میشود. در سال ۱۹۷۶ تعداد ۲۱۷ فرستنده رادیویی و ۴۸ فرستنده تلویزیونی و ۵,۵۰۰,۰۰۰ گیرنده رادیویی و ۷۶۱,۰۰۰ گیرنده تلویزیونی و همچنین تعداد ۳۳۴,۰۰۰ شماره تلفن مورد استفاده بوده و همچنین ۹۰,۰۰۰ دستگاه تلویزیون تولید شده است. بطور متوسط ۵۶ نشریه روزانه با تیراژی حدود ۱,۱۰۷,۰۰۰ و سرانه ۲۴ روزنامه برای هزار نفر (۱۹۷۵) منتشر میشود. مقیاس مورد استفاده سیستم متریک و سیستمهای محلی میباشد.

ملاحظات علمی

طبق آمار سال ۱۹۹۵، جمعیت بی سواد ۱۵ سال و بالاتر کشور تایلند بر ۲۶۱۳۰۰۰ نفر (۲/۶ درصد

کل جمعیت کشور) بالغ می گردد.



نرخ ثبت نام ناخالص بر مبنای سطوح مختلف آموزشی طی سال ۱۹۹۶

- پیش دبستانی : ۶۳ درصد
- اولین سطح : ۸۸ درصد
- دومین سطح : ۵۷ درصد
- سومین سطح : -

تاریخچه آموزشی

دوره سوختای (۱۳۷۸ - ۱۲۳۸ A. D.)

می توان گفت آموزش در تایلند در قرن سیزدهم و در زمانی آسوخاتای پایتخت تایلند بود شروع شد.

در سال ۱۲۸۳ یکی از شاهان سوختای بنام دامکامهانگ اولین الفبای تایلند را با استفاده از نوشته های مون

و خمن که به نوبه خود از نوشته های بومیان جنوبی مشتق شده بود، خلق کرد. وی برای اولین بار الفبای

جدید را در نوشته های سنگی ۱۲۹۲ در سوختای بکار برد. گر چه تغییرات گسترده ای صورت گرفته

است، برخی از قسمت های الفبای اصلی هنوز استفاده می شود. نوشته های سنگی سوختای جنبه های

آموزشی در زمینه های اخلاقی، فکری و فرهنگی را ثبت کرده اند. در تمام پادشاهی سوختای، دو سطح

آموزش وجود داشت :

❖ آموزش فراهم شده توسط موسسه پادشاهی (راجاباندیت) به شاهزاده ها و فرزندان اشراف

❖ آموزش فراهم شده توسط راهبان هند و به افراد عادی



دوره آیه‌تاهایا (۱۷۶۷ - ۱۳۵۰ A. D.)

ساختار اصلی آموزش برای شاهزاده‌ها، پسران اشراف و افراد عادی توسط مجلس و افراد آیه‌تاهایا یا انتخاب شده و در سلطنت اولیه دوره بانگ کوک متداول بود. اگر ارزش ذکر کردن داشته باشد، در زمان سلطنت پادشاه نارای یک کتاب برای مطالعه زبان تایلندی تحت عنوان (چیندامانی Chindavani) نوشته شد و کتاب عمومی آن زمان شد. این کتاب تا زمان سلطنت اج. ام. جولالونگ کورن (۱۹۱۰ - ۱۸۶۸) استفاده می شد. این کتاب به عنوان اولین کتاب به زبان تایلندی شناخته شده استبا این وجود باید توجه کرد که آموزش یک نوع آکادمیک بود و برای آموزش حرفه‌ای که معمولا در خانواده و یا از طریق شاگردی صورت می گرفت، فراهم نشده بود.

دوره بانگ کوک (۱۷۸۲ A. D. به بعد)

- ❖ پس از سقوط حکومت آیه‌تاهایا از سال ۱۷۶۷ و یک دوره کوتاه تونبوری شد، پایتختی بانگ کوک در سال ۱۷۲۸ توسط شاه رامای اول (۱۸۰۹ - ۱۷۸۲) تاسیس و نباشد. دی تاثیری بر توسعه آموزش عمومی با تحول کلیسای بودایی داشت.
- ❖ تکنولوژی مدرن به صورت روند چاپ با آمدن بازرگانان و فراسیون‌های غربی در اواسط دهه ۱۸۰۰ وارد تایلند شد. برای اولین بار کتاب‌های چاپی در زبان تایلندی موجود شوند.
- ❖ در سال ۱۸۵۸ شاه رامای چهارم (۱۸۶۵ - ۱۸۵۱) به دولت دستور داد تا چاپ خانه‌ای برای استفاده خود تاسیس و شروع به چاپ گازت یا راجگیت چانوبکیسای سلطنتی کرد که تا زمان حال هم ادامه دارد.



❖ در زمان حکومت بانکوک تعدادی قرارداد با قدرتهای خارجی بیش تر به شکل قرار داد دولتی و اقتصادی بسته شد. چون زبان انگلیسی زبان دوم تجاری خاور دور بود شاه رامای چهارم تشخیص داد که شاه آموزش با حمایت دولت و مجلس برای مقامات دولتی آینده نامناسب است. به همین دلیل وی دستور داد که تصمیماتی برای مدرنیزه کردن آموزش کشور اتخاذ شود و دانش مناهی از زبان انگلیسی بخشی از نیازهای آموزش جدید را تشکیل می داد، همان طور که این کلید ضروری برای دانش بیش تر به علاوه وسیلهای برای ارتباط با خارجیها بود.

❖ سیاست مدرنیزه کردن آموزش بعدا توسط شاه رامای پنجم (۱۹۱۰ - ۱۸۶۸) پیگیری شد. با تشخیص نیاز برای پرسنل بهتر آموزش در خدمات سلطنتی و دولتی وی مدرسهای را در کاخ با ذکر تا شاهزادهها و فرزندان اشراف را در سال ۱۸۷۱ آموزش دهد، این اولین مدرسه تایلندی به شیوه مدرن بود و ساختمان مدرسهای خاص با معلمان و جدول زمانی مربوط به خود را داشت.

❖ در سال ۱۸۷۱، بلا فاصله بعد از تاسیس اولین مدرسه، بیانیه فرمان مدرسه رفتن برای این هدف اعلام شد. گر چه این جالب است که بیانیه فرمان مدرسه اهمیت شروع آموزش رسمی را در زمان سلطنت شاه رامای پنجم نشان می دهد. این حقیقت باقی می ماند که سیستم آموزش در آن زمان ضرورتا برای افراد مستعد بود.



❖ بلافاصله بعد از آن شاه رامای پنجم یک مدرسه انگلیسی را در محل کاخ برای فراهم آمدن مطالعات در خارج برای شاهزادگان و فرزندان دولت بنا کرد و مدارس زیادی مهم در خارج کاخ برای آموزش افراد عامی بوجود آمدند.

❖ در سال ۱۸۸۷ شاه رامای پنجم ساختمان آموزش را برای پیش بینی آموزش پادشاهی و امور خارجی و امور مذهبی تاسیس کرد. در این زمان ساختمان ۲۴ مدرسه شامل ۴ مدرسه پیش رفته شد در بانکوک و ۸۱ معلم و ۹۹۴ دانش آموز را زیر نظر خود داشت. اهمیت واضح و روشن تاسیس این ساختمان آموزش در حوزه مسئولیت‌ها نمی گنجد اما این حقیقی بود که تایلند در راه طراحی کردن یک فعالیت گسترده و منظم تر از قبل بود و آموزش هم سخنگوی مخصوص خود را برای ایراد دلایل و اهمیت آموزش داشت.

ظهور وزارت آموزش و پرورش

❖ سازمان آموزش یک وزارت تازه شکل گرفته کامل آموزشی در اول آوریل سال ۱۸۹۲ شد و این در نتیجه تصمیمات آزمایشی شاه رامای پنجم و تحول سیاسی با توجه به تاسیس ۱۳ وزارت خانه بود.

❖ با قدرت بیانیه ۱۸۹۲، کنترل مدارس خصوصی در فرم ساختاری و اساسی خود معرفی شد. توسعه‌ای در این زمینه نشان داد که بخش خصوصی وارد مسئولیت‌های آموزش دولت شده است.

❖ ملکه سریبا جاریندرا (Sribajarindra) مدرسه ساواب‌ها را برای دختران در سال ۱۸۹۲ تاسیس کرد. از اوایل قرن بیستم به بعد توسعه آموزش زنان در تایلند قوی و قوی تر شد.



- ❖ در سال ۱۹۱۰ اولین مدرسه دولتی دخترانه ((با مرانگ و یجاستاری)) در بانکوک نباشد.
- ❖ در سال ۱۹۱۳ اولین مرکز تربیت معلم در مدرسه دخترانه ((بنچاماراجالای)) نباشد.
- ❖ در سال ۱۸۹۸ اولین طرح آموزش اجرا شد.
- ❖ در سال ۱۹۰۲ سیستم آموزش ملی در سیام تمام سطوح آموزشی مطرح ۱۸۹۸ را در بر گرفت و آن‌ها را در دو مقوله بازسازی کرد: آموزش عمومی و آموزش حرفه‌ای و تکنیکی. ویژگی دیگری این طرح این بود که محدودیت‌های سنی متعدد برای پذیرش برای تحریک فارغ التحصیلی در یک برنامه زمان بندی شده اجباری بود.
- ❖ در سال ۱۹۱۳ مدرسه هنرهای عالی و صنایع دستی (پوه چانگ) در بانکوک نباشد.
- ❖ در سال ۱۹۱۶ تحصیلات تکمیلی در تایلند به‌عنوان دانشگاه چولانگ کورن ظهور کرد که ۴ دانشکده داشت: پزشکی، حقوق و علوم سیاسی، مهندسی و ادبیات و علوم پایه.
- ❖ در سال ۱۹۲۱ طرح آموزش ابتدائی اجباری اعلام شد.
- ❖ در سال ۱۹۳۲ دوره‌ای از تغییر تاریخی در تایلند است که سیستم سلطنتی اساسی جایگزین سیستم سنتی مطلق سیاسی شد. اولین طرح آموزش ملی از طرق توانایی آموزشی شخصی و بدون توجه به جنس، پیشینه اجتماعی و شرایط فیزیکی قبلی طراحی شد.
- ❖ در ۱۹۶۰ آموزش اجباری به ۷ سال افزایش یافت. به علاوه امکانات خاصی برای اولین بار برای کودکان ناتوان و معلول که در ابتدا معاف از آموزش اجباری بودند فراهم آمد به طوری که آن‌ها می‌توانند برخی آموزش‌های پایه را علی‌رغم ناتوانی‌های خود دریافت کنند.



❖ در سال ۱۹۷۷ سیستم آموزش تایلند از ساختار ۲-۳-۳-۴ به سیستم ۳-۳-۶ در ۶ سال آموزش مقدماتی اجباری ۳ سال آموزش راهنمایی و ۳ سال آموزش دبیرستانی تغییر کرد که هنوز هم متداول است.

❖ از سال ۱۹۷۷ می توان به درستی گفت که همه تلاش های صورت گرفته به سوی یک جهت یعنی خدمات رسانی به عنوان وسیله ای برای کیفیت بهتر بوده است.

می توان گفت که تازه ترین روش های آموزشی در اواسط دوره سخوتای (Sulchothi) قرن ۱۳ شروع شده است یعنی زمانی که پادشاه رامخانگ (Rankanheg) حروف الفبای تایلندی را اختراع کرد. کتیبه های سنگی این دوره حاکی از آموزش های اخلاقی، عقلانی، و فرهنگی آن زمان دارد. با این همه، آموزش های نخستین فقط اختصاص به اشراف زادگان و روحانیت بود. برای یک شاهزاده یا امیر واجب بود که باسواد باشد تا بتواند بر استان ها و ولایت های خودش حکومت کرده و با حکومت در پایتخت در تماس باشد. در حالی که راهب ها نیز برای خواندن کتاب های مذهبی خویش و هم چنین موعظه های که برای مردم می کردند. نیاز به خواندن و نوشتن داشتند. بقیه جامعه نیز یا به کشاورزی مشغول بودند یا تحت خدمت حکومت که نیاز خیلی کمی به یادگیری و سواد داشتند. پیام های مهم نیز به طور شفاهی بین دهکده ها رد و بدل می شد. صومعه های بودایی تقریباً تنها منبع آموزش نیمه عمر می بودند. قسمت خیلی خیلی کمی از جامعه (بیش تر مردان) از آن بهره مند می شدند. در زمان پادشاهی پادشاه مونکات (mongkut) بود که تایلند شاهد تحول و مدرنیزه شدن و نفوذ فرهنگ غربی بود (سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۵). اولین دستگاه چاپ و معلم انگلیسی برای آموزش فرزندان خاندان به خدمت گرفته شدند. خود پادشاه که البته بر انگلیسی و لاتین تسلط داشت. این سیاست نوگرایی در زمان پادشاه چولالونگ کودن



(chulalongkorn) نیز دنبال شد (۱۸۶۸ تا ۱۹۱۰). وی بود که مدرسه‌ای را در قصر خویش تأسیس نموده و در کنار آن یک مدرسه انگلیسی نیز برای آماده کردن شاهزاده‌ها و فرزندان برای مطالعه در خارج تأسیس گردید. مدارس هم بعداً به تدریج در خارج از قصر برای انسان‌های عادی ایجاد گردید و کتاب‌های دولتی در ابتدا برای بانکوک ((پایتخت)) و بعد هم برای سایر ولایت‌ها فرستاده شد. وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۸۸۷ تأسیس گردید و مسئولیت دینی و آموزشی کل کشور را به عهده گرفت. و هنگامی که در سال ۱۹۸۲ به صورت کاملاً مستقل در آمد به استراتژی‌های جدیدی روی آورد که بیش‌ترین تأکید را بر آموزش مردمی داشت. از این رو بود که مدارس ابتدائی دولتی تأسیس گردیدند تا سواد و فرهنگ مردمی و استانداردهای بالاتری در زندگی را ارائه دهند. ابتدای قرن بیستم شاهد پیشرفت‌های چشم‌گیری در تایلند بوده است. در سال ۱۹۱۰، اولین دانشگاه در تایلند با نام چولونک کورن با چهار دانشگاه داروسازی، علوم حقوقی سیاسی، مهندسی و در نهایت هنر افتتاح گردید. گسترش مسئولیت‌ها که باعث حضور بخش خصوصی در آموزش همگانی در سال ۱۹۱۸ انجام گرفت قانون مدرسه خصوصی را به تصویب رساند. آموزش ابتدائی (مقدماتی) در سال ۱۹۲۱ به صورت اجباری اعلام گردید و اولین مدرسه هنرهای تجسمی در سال ۱۹۲۲ تأسیس گردید. بعد از قبول سیستم پادشاهی مشروطه در سال ۱۹۳۲ یک برنامه‌الکی از آموزش همگانی ارائه گردید. که موارد زیر را به‌طور رسمی اعلام می‌کرد که فردی را بدون توجه به جنس، سابقه اجتماعی و شرایط فیزیکی دارای حق یادگیری و آموزش معرفی می‌کرد. این طرح به‌طور مداوم تحت تجدید نظر قرار می‌گرفت تا از دسترسی هر شهروند به چهار فاکتور آموزشی اخلاقی، وجدانی، فیزیکی و کاربردی مطمئن شود.



ساختار آموزشی

ساختار آموزش و پرورش تایلمند شامل آموزش رسمی و غیررسمی بوده و به شکل زیر تقسیم‌بندی

می‌شود:

– آموزش رسمی: که در مؤسسات آموزشی ارائه می‌گردد. این نوع آموزش‌ها شامل مراحل و سطوح

مختلفی است که هر یک دارای برنامه درسی مناسب خود می‌باشند. به این روش به دانش‌آموزان

امکان داده می‌شود که دانشی مناسب و هماهنگ با اهداف برنامه درسی کسب نمایند.

آموزش‌های این رده به سطوح پیش‌دبستانی، دبستانی، راهنمایی و دبیرستان و تحصیلات عالی

تقسیم‌بندی می‌شوند.

(۱) سطح پیش‌دبستانی در فرم مهدکودک‌ها و کودکستان‌ها و مراکز نگهداری کودکان ارائه

می‌شوند. این سطح آموزش اجباری نیست اما هدف آن آماده سازی کودکان برای مدارس

ابتدایی است. محدوده سنی کودکان برای ورود به این دوره بین سه تا پنج سال می‌باشد.

(۲) آموزش‌های دوره ابتدایی طبق قانون آموزش ابتدایی سال ۱۹۸۰ اجباری می‌باشند. کودکان

بین ۶ تا ۸ ساله به این دوره وارد می‌شوند و ۶ سال تحصیلی را در این دوره می‌گذرانند.

(۳) مقدماتی و تکمیلی متوسطه: این سطح به سه سال دوره راهنمایی (برای سنین ۱۲ تا ۱۴

سال) و سه سال دبیرستان (برای سنین ۱۵ تا ۱۷ سال) تقسیم‌بندی شده است. این دوره،

آمادگی خوبی را در دانش‌آموزان برای ورود به سطح آموزش عالی ایجاد می‌کند.



۴) آموزش‌های عالی به رده‌های زیر کارشناسی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا

تقسیم‌بندی می‌شوند.

— آموزش‌های غیر رسمی: این فرم آموزش برای کسانی طراحی شده است که امکان ورود به سیستم رسمی آموزش و پرورش را نداشته‌اند. دانش‌آموزان این سیستم می‌توانند از منابع مختلفی کسب دانش کنند. این رده آموزش نه تنها کمیوذهای سیستم رسمی آموزش را جبران می‌کند بلکه به عنوان یک حق انتخاب دیگر، وابستگی کامل به سیستم رسمی را از بین می‌برد. این سیستم همچنین راه آموزش‌های مادام‌العمر را هموار می‌کند. برای دانش‌آموزان این رده، محدودیت سنی وجود ندارد و تحصیلات آنان می‌تواند در هر زمان از عمرشان انجام شود. سیستم آموزش پیش دانشگاهی دارای یک ساختار ۳-۳-۶ است که شش سال ابتدایی و سه سال مقدماتی متوسطه، تحصیلات اجباری را تشکیل می‌دهند. این دوره با یک دوره سه ساله دبیرستان تکمیل می‌شود. در سطح دبیرستان، مدارس به دو دسته تقسیم می‌شوند: عمومی (آکادمیک) و فنی و حرفه‌ای. دانش‌آموزان مدارس عمومی، یک دوره شامل ۳۰ واحد دروس عمومی اجباری و حداقل ۴۵ واحد دروس انتخابی را علاوه بر فعالیت‌های خارج از برنامه می‌گذرانند. هر واحد درسی به طور تقریبی متشکل از ۵۰ دقیقه کلاس درسی در طول هفته برای یک ترم ۲۰ هفته‌ای تعریف می‌شود. در پایان دوره متوسطه، دانش‌آموزان مدرک پایان دوره دبیرستان (Mathayom Suksa) را دریافت می‌کنند. سیستم آموزشی به طور معمول از ۶ سال در سطح مقدماتی (۳ سال در قسمت ابتدایی، ۳ سال در سطح دوم) و ۶ سال در سطح عالی آن تشکیل می‌شود. اگر چه ۶ سال اولی اجباری است ولی تلاش‌های فراوانی برای گسترش دسترسی به سطح آموزشی متوسطه انجام گرفته است. کمیته‌ای مخصوصی از سال ۱۹۸۷ در حال انجام فعالیت‌هایی است تا بتواند این ۶ سال را به ۹ سال افزایش دهد.



آموزش پیش دانشگاهی

آموزش پایه

سن ورود به دوره : ۷ سالگی

سن اتمام دوره : ۱۶ سالگی

مقطع آموزش ابتدایی

طول دوره آموزشی : ۶ سال

مقطع سنی : از ۷ سالگی تا ۱۳ سالگی

مقطع متوسطه مقدماتی

طول دوره آموزش ۳ سال

مقطع سنی : از ۱۳ سالگی تا ۱۶ سالگی

مدرک اعطائی : گواهی نامه اتمام دوره مقدماتی متوسطه



مقطع متوسطه تکمیلی

طول دوره آموزشی : ۳ سال

مقطع سنی : از ۱۶ سالگی تا ۱۹ سالگی

مدرک اعطائی : گواهی نامه اتمام دوره تکمیلی متوسطه (Mathayom Suksa)

سطوح آموزشی

اهداف کلی

• سطح آموزش ابتدایی: دروس گروه شغل و کار با هدف کار است. مهارت در کار به کودکان یاد

می دهد که چگونه در یک تیم کار کنند. دروس به کار های خانه و کار های کشاورزی تقسیم

می شوند.

• سطح آموزش مقدماتی متوسطه: دروس به گروه کار و عمل تقسیم میشوند. در سطح تکمیلی

متوسطه دانش پایه در کار و حرفه تدریس می شود. تأکید بیشتر بر شغلها و میل و علاقه به کار

است .

• سطح آموزش حرفه ای: به دانش آموزان استراتژیهای مدیریت یک کار تدریس می شود.

افراد کاری موفق در محل ، دعوت می شوند تا برای دانش آموزان صحبت کنند .

• آموزش غیر رسمی : برای آنهایی که در آموزش رسمی دولتی و خصوصی شرکت ندارند، آموزش

شغلهای مختلف را برعهده دارد. فعالیتهای بر طبق ملزومات شغلی است.



- دوره های کوتاه مدت آموزشی شغلی، ۲۲۵ ساعت آموزش، برای ایجاد در آمد هستند. شهریه ها کم است و کلاسها در آخر هفته برگزار می شود.
- آموزش حرفه ای سیار ویژه مهاجرین: هیچ شهریه ای نداشته و در همکاری با جامعه و دولت ارائه می گردد.

سیاستهای آموزشی

سیاست های آتی

طبق قانون اساسی و قانون آموزش ملی، دولت برنامه های آینده خود را برای دستیابی به اهداف طرح آموزش همگانی، به صورت ذیل تعریف کرده است:

(۱) تقویت مقررات تحصیلات پایه ۱۲ ساله توسط دولت

در چارچوب قانون آموزش ۱۲ ساله پایه در تحصیلات عمومی و فنی و حرفه ای، دولت باید برنامه های خدماتی خاصی را برای کودکان در سنین پیش دبستانی فراهم کند. تحصیلات اجباری از ۶ سال به ۹ سال افزایش خواهد یافت. خدمات خاصی برای معلولین و محرومین ارائه خواهد شد تا بتوانند در دوره ۱۲ ساله تحصیلات ابتدایی شرکت کنند. دولت، افراد و خانواده ها را تشویق خواهد کرد که با برنامه های دولت در زمینه آموزش و پرورش هماهنگ شوند. به علاوه، تمام مؤسسات تشویق خواهند شد که آموزش هایی را به هر صورت، رسمی یا غیر رسمی ارائه کنند و آموزش پیوسته را به علاوه انتقال امتیاز میسر سازند.

(۲) جهت گیری برای برآورده ساختن نیازها



هدف این سیاست، توسعه مهارت‌ها به منظور دستیابی به یک کیفیت مناسب زندگی و اشتغال

از طریق آموزش مادام‌العمر است. این سیاست همچنین سطح تحصیلات نیروی کار را بالا می‌برد.

۳) برقراری تضمین کیفیت آموزشی

دولت، برنامه‌های کنترل کیفیت آموزشی را به صورت داخلی و خارجی راه‌اندازی می‌کند.

یک دفتر استانداردهای آموزشی و ارزیابی کیفیت برای ارزیابی کیفیت خارجی و گزارش به

عموم تأسیس خواهد شد.

۴) تغییر ساختارهای نظارتی و مدیریتی آموزش و پرورش

تغییرات در این زمینه به منظور تغییرات ساختاری سیستم نظارت و مدیریت فعلی برای

دستیابی به کفایت و تأثیر بیشتر در امر آموزش صورت می‌گیرند. تمرکززدایی مورد تشویق قرار

خواهد گرفت درحالی‌که نهادهای آموزشی محلی قادر خواهند بود آموزش‌های خاص خود را

برای پاسخ‌گویی به نیازهایشان ارائه دهند.

۵) تغییر سیستم و روندها به همراه افزایش تخصص معلمان

بودجه‌های خاصی جهت ارتقای سطح معلمان و پرسنل آموزشی، به صورت سازمانی مستقل در

نظر گرفته خواهند شد. سیستم لیسانس تدریس برقرار خواهد شد و قوانین مربوط به حقوق و مزایا

تغییر خواهند یافت.

۶) تشویق بخش خصوصی به مشارکت



بخش خصوصی تشویق خواهد شد که در امور نظارتی و مدیریتی به طور مستقل عمل کند در حالی که تحت نظارت کلی دولت قرار دارد. دولت، حمایت مالی مناسب، کاهش یا حذف مالیات و تصویب منافع مؤسسات خصوصی را بر عهده خواهد داشت.

۷) تغییر روندهای یادگیری و آموزش

دولت، فعالیت‌هایی را سازماندهی خواهد کرد که امکان یادگیری عملی از طریق آزمایش کردن را فراهم می‌آورند. تأسیس مراکز آموزش عملی و آموزش‌های مادام‌العمر در اشکال مختلف، مورد تشویق قرار خواهد گرفت. همچنین از همکاری و مشارکت خانواده‌ها و مؤسسات اجتماعی در فرمول‌بندی روندهای یادگیری در جامعه حمایت خواهد شد.

۸) تغییر برنامه‌ها و محتوای دروس آموزشی

این تغییر به روش‌های مختلف برای برآورده کردن نیازمندی‌های دانش‌آموزان با سنین و استعداد‌های مختلف صورت خواهد گرفت. تأکید فقط بر دانش ریاضی و علوم و تکنولوژی نخواهد بود بلکه بر افتخار ملی تایلندی، تاریخ، منشاء جامعه تایلندی و دموکراسی بر مبنای قانون اساسی نیز تأکید خواهد شد.

۹) تغییر در اختصاص منابع

این تغییرات بر مبنای تساوی، عدالت و قابلیت اطمینان و تخصیص منابع از طرف دولت و نهادهای آموزشی محلی در مواردی مثل کمک‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی صورت خواهند گرفت.

۱۰) حمایت از تولیدات آموزشی به طور رسمی و غیررسمی



دفتر کمیسیون آموزش و پرورش ملی و وزارت آموزش و پرورش، ۱۱ استراتژی مختلف را در زمینه

آموزش پایه، برای تصویب به مجلس پیشنهاد کرده‌اند. خط مشی‌های روشن عملکرد و حمایت‌های

سیاسی، فرصت‌های بیشتری برای موفقیت ایجاد خواهند کرد.

آموزش پیش دبستانی

ساختار آموزشی

دوره آموزش پیش دبستانی مدت زمان ۳ سال طی رده‌های سنی ۵-۳ سال به طول می‌انجامد. این

مقطع آموزشی، اجباری نبوده و با پرداخت شهریه تحصیلی به کودکان ارائه می‌گردد.

طی سال ۱۹۹۰-۱۹۹۸ آموزش پیش دبستانی توانست ۲/۳ میلیون کودک ۳ تا ۵ ساله را پوشش

دهد. اگرچه بازهم نتیجه اجرای این کارها مطابق با طرحی که بیان می‌کرد که تمام کودکان حداقل

باید ۱ سال قبل از مدرسه ابتدایی، آموزش ببینند، نبود و ۸/۰ میلیون کودک سه ساله بدون آموزش بودند.

سال تحصیلی	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان	تعداد معلمان زن
۱۹۹۰	۱۴۶۳۶۶۰	۷۲۱۵۳۰	۶۴۶۲۸	-
۱۹۹۲	۲۹۵۲۹	۱۶۷۸۳۵۰	۸۲۶۷۷۹	۸۳۰۷۲

آموزش پایه

سیاستهای آموزشی

از جمله مهمترین سیاستهای حوزه آموزش پایه میتوان از موارد ذیل نام برد:



• تفویض اختیار به خانواده‌ها، مؤسسات و سازمان‌های نظارتی محلی

دادن اختیار به خانواده‌ها و مؤسسات و سازمان‌ها برای سازماندهی مناسب آموزش‌های خودشان تحت نظارت دولت، باعث حصول اطمینان از پوشش مناسب آموزش‌های پایه خواهد شد.

• مشارکت بخش خصوصی

تشویق بخش خصوصی برای مشارکت بیشتر در ارائه آموزش‌های عمومی به منظور کاهش فشار از دوش دولت، تحت نظارت دولت، راه‌های بیشتری در اختیار عموم قرار خواهد داد. حمایت مالی دولت، معافیت‌های مالیاتی و اعطای آزادی و اختیار در مدیریت و نظارت برای بخش خصوصی، به افزایش مشارکت بخش خصوصی در ارائه آموزش‌های عمومی و پایه کمک خواهند کرد.

• منبع غیر رسمی دانش

تغییر ساختار و روندهای آموزشی از معلم محوری به شاگرد محوری، نیازمند منابع غیر رسمی اطلاعات بیشتری است. این منابع می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا اطلاعات بیشتری درباره خودشان و دنیا به دست آورند و خود را با جامعه هماهنگ حس کنند و مشکلات اجتماع را درک نمایند. در این صورت، دانش‌آموزان می‌توانند از دانش خود برای ساختن جامعه خودشان استفاده کنند. فایده دیگر منابع اطلاعاتی غیر رسمی این است که این منابع به مؤسسات آموزشی امکان می‌دهند که برنامه‌های محلی خود را برای برآورده ساختن نیازهای محلی تنظیم کنند و ارتباطی بین دانش‌آموزان و جامعه برقرار نمایند.

(۱) معلمین و پرسنل آموزشی



معلمین و پرسنل آموزشی، فاکتور اصلی در تأمین آموزش‌های پایه هستند. آموزش و پرورش با یک چنین سطح پوشش ملی و وسیعی، مسلماً تعداد دانش‌آموزان را افزایش خواهد داد. بنابراین به تعداد معلمین بیشتری در سطح دبیرستان نیاز است. این نیاز، الزاماً مانعی بر سر راه مدیریت آموزش همگانی ایجاد نخواهد کرد برای اینکه بنا به کاهش دانش‌آموزان ابتدایی، تعداد معلمین ابتدایی کمتری نیز مورد نیاز خواهد بود. این، نتیجه برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثر تنظیم خانواده است. کاهش دانش‌آموزان ابتدایی باعث شده است که نسبت معلم به دانش‌آموز در مدارس ابتدایی کمتر از استاندارد باشد. استاندارد این نسبت ۱ به ۲۵ است اما در حال حاضر این نسبت در تایلند ۱ به ۲۰ می‌باشد. بنابراین، معلمین ابتدایی مازاد بر نیاز، پس از طی دوره‌های آموزشی مناسب، برای تدریس در دوره دبیرستان به کار مشغول خواهند شد.

۲) تحصیلات آزاد و رایگان

با آموزش‌های آزاد موجود، دانش‌آموزان بیشتری به مدرسه راه می‌یابند. دانش‌آموزان بیشتری وارد دبیرستان خواهند شد، به ویژه آنهایی که مشکلات اقتصادی دارند می‌توانند از کارهای نیمه‌وقت و پاره‌وقت بهره‌مند شوند چون در سنین کار به سر می‌برند.

۳) انتقال امتیازات

انتقال امتیازات امکان افزایش حضور در مدارس را ایجاد می‌کند. این سیستم جدید، به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که خودشان تشخیص دهند که با توجه به علایقشان، به چه اطلاعاتی نیاز دارند. ارگ دانش‌آموز نیاز داشته، باشد که مدتی از تحصیل مرخصی



بگیرد، امکان بازگشت مجدد به مدرسه، برای جلوگیری از اتلاف امکانات آموزشی برای او وجود دارد.

۴) اعطای امکان تحصیلات به افرادی که شناسنامه ندارند

وزارت آموزش و پرورش راهکارهایی برای ورود افرادی بدون شناسنامه به مدرسه در نظر گرفته است. به این دانش‌آموزان مدرک پایان تحصیلی نیز اعطا می‌شود. این سیاست، امکان دستیابی به تحصیلات را برای این گروه افزایش می‌دهد.

محدودیت‌ها

با اینکه مجلس، بودجه مربوط به آموزش عمومی پایه را تصویب کرده است، وضعیت اقتصادی فعلی، برای این منظور محدودیت ایجاد می‌کند. بنابراین، مشارکت آژانس‌های خاص در امر تأمین اعتبار مورد تشویق قرار گرفته است. این کار نه تنها مشکلات بودجه دولت را کاهش می‌دهد، بلکه سیستم مدیریت مالی آموزش و پرورش را تغییر می‌دهد. در اثر کاهش تخصیص بودجه دولت در این زمینه، حضور دانش‌آموزان در مدارس کاهش یافته است. به علاوه تعدیل نیرو و تمرکززدایی نیز برای پرکردن جای افراد بازنشسته مورد تشویق قرار می‌گیرند. مشارکت سازمان‌ها و آژانس‌های مختلف در تأمین آموزش پایه و عمومی برای پوشش وسیع‌تر، گاهی به دوباره کاری و ارائه مجدد خدمات در یک ناحیه بخصوص در مناطق شهری منجر می‌شود. این دوباره کاری باعث به هدر رفتن بودجه آموزشی می‌شود. دولت باید تمام این سازمان‌ها را تشویق کند که برای پرهیز از این دوباره کاری، با هم مشورت و هماهنگی داشته باشند. در این صورت، بودجه تخصیص یافته، برای افزایش تأثیر نظارت، کافی و مناسب خواهد بود. یک محدودیت دیگر در اجرای طرح آموزش پایه عمومی، کمبود اطلاعات برای برنامه‌ریزی است. جمع‌آوری و نشر اطلاعات و



آمار به صورت سیستماتیک در تایلند، هنوز مناسب نیست. به خاطر این که این کار به صورت فردی انجام می‌شود، و هماهنگی بین آژانس‌های مربوطه وجود ندارد. به خصوص درباره معلولین و افراد بدون مشخصات ثبتی این مشکل وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که شبکه‌های اطلاعاتی بین آژانس‌های مربوط ایجاد شود تا اطمینان حاصل شود که تأمین آموزش پایه همگانی، به طور مؤثر و مناسبی، نیازهای آموزشی جامعه را مرتفع می‌سازد.

آموزش همگانی

چارچوب کلی

تایلند، یک چارچوب فرمول‌بندی شده برای عملی کردن آموزش برای همه، در قالب شمای آموزش سراسری در سال ۱۹۹۲ مشخص کرده است. این چارچوب با استانداردهای جهانی آموزش برای همه، مشخص شده در کنفرانس اعضای یونسکو در ماه مارس ۱۹۹۰، Chonburi تایلند، مطابقت دارد. این چارچوب به تمامی نهادهای مربوط به امر آموزش، در عملی کردن وظایفشان کمک می‌کند. در سال ۲۰۰۰، یک دهه از عمر این اظهارنامه جهانی می‌گذرد. ارزیابی طرح آموزش برای همه، توسط اعضای یونسکو برای بررسی پیشرفت مدیریت طرح آموزش برای همه صورت می‌گیرد. آژانس‌های سازمان ملل مثل: یونسکو، Unicef، UnDp، UnfpA و بانک جهانی علاوه بر کمک فنی به اعضای یونسکو، به اتفاق هم، راهنمایی برای ارزیابی این طرح منتشر کرده‌اند. طی دهه گذشته، اقدامات تایلند برای عملی کردن طرح آموزش برای همه، به طور ثابت روبرو پیشرفت بوده‌اند، بویژه در افزایش دوره تحصیلات اجباری از ۶ سال به ۹ سال.



در سال ۱۹۹۸، نرخ ورود مردم به دوره‌های راهنمایی و دبیرستان چیزی حدود ۹۰٪ بوده و به طور پیوسته روبه افزایش است. میزان آموزش‌های پیش‌دبستانی نیز به وضوح افزایش یافته است چنانچه در حال حاضر، کودکان دبستانی که این دوره را گذرانده‌اند، ۶۴/۶۸٪ بیشتر از آمار سال ۱۹۹۰ هستند. دوره‌های آموزش پیش‌دبستانی از طریق مراکز نگهداری از کودکان، کودکانستان‌های وابسته به معابد و مساجد و دیگر آژانس‌های غیر دولتی ارائه می‌شوند. نرخ ورود به دبستان ۳۲/۹۱٪ است که این نرخ مستقل از جنس کودکان می‌باشد. اینها، چند مدل موفقیت‌آمیز آموزش برای همه هستند که تلاش‌های انجام شده در جهت تحریر و هماهنگ کردن کلیه نهادهای مرتبط با امر آموزش را در زمینه اجرای طرح آموزش برای همه نشان می‌دهند. علاوه بر این اقدامات: بخش ۴۳ از قانون اساسی سال ۱۹۹۷ بیان می‌دارد که تمامی شهروندان تایلندی باید حق و امکان تحصیلاتی را داشته باشند که به مدت ۱۲ سال، توسط دولت و به طور رایگان به آن‌ها ارائه می‌شود. قانون آموزش طی سال ۱۹۹۹ نیز بیان می‌دارد که دوره آموزش اجباری باید از ۶ سال به ۹ سال افزایش یابد و این طرح باید تا سال ۲۰۰۲ تکمیل گردد. این سیاست‌ها، مدل‌های نظارت و مدیریت آموزشی را نشان می‌دهند که برای اجرای طرح آموزش برای همه و دستیابی به اهداف آن طراحی شده‌اند. حدود ۱۰٪ جوانان خارج از مدرسه، به ویژه اقشار محروم، نیازمندی‌های خاصی برای ماندن در سیستم رسمی مدرسه دارند. آژانس‌های عمومی و خصوصی پروژه‌هایی ترتیب داده‌اند که امکان حضور در سیستم رسمی آموزشی را به این گروه افراد بدهند. در نتیجه این پروژه‌ها، تغییراتی در نحوه توزیع خدمات ایجاد شد. بنابراین، ارزشیابی EFA 2000، به تعیین مسائل و راه‌حل‌هایی کمک می‌کند که در جهت حصول اطمینان از مناسب بودن تغییرات سیستم جاری آموزشی برای داشتن حداکثر تأثیر در جهت اجرای طرح آموزش برای همه، مناسب هستند. این گزارش به کمک آژانس‌های مرتبط با آموزش پایه همگانی،



دفاتر مرکزی و محلی تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش به همراه بقیه آژانس‌های غیر مرتبط با این وزارت تهیه شده است. به علاوه، یونسکو حمایت‌های مالی و فنی خود را در اختیار وزارت قرار داده و unicef در ترجمه این گزارش به انگلیسی، کمک کرده است. وزارت آموزش و پرورش تایلند، به عنوان نقطه تمرکز ارزیابی EFA 2000، امیدوار است که این گزارش بتواند برای محدوده وسیعی از خوانندگان مفید باشد.

سیاستهای آموزشی

دولت تایلند، درک کرده است که بهبود وضعیت تحصیلات و آموزش، برای بهبود کیفیت زندگی مردم و هماهنگ کردن آنان با تغییرات سریع جامعه، بسیار مهم است. بنابراین ساختار تعلیم و تربیت، از آموزش در قصرها و معابد، به سیستم مدرسه‌ای با معلمان مجرب و آموزش دیده و برنامه‌های درسی مدون تغییر یافته است. به هر حال این تغییر برای بهبود بهینه وضعیت مردم، جامعه و کشور کافی نبود. دهه اخیر، شاهد اقدامی در جهت تغییر ساختار آموزش و پرورش برای پاسخگویی بهتر به نیازهای کشور بود. برخی از این اقدامات، با موفقیت قابل توجهی روبرو شدند اما بعضی دیگر، هنوز نیازمند اصلاحات عملی می‌باشند.

از جمله دیگر سیستمهای آموزشی دولت میتوان از عملی کردن طرح آموزش همگانی نام برد.

پس از تصویب اظهارنامه Jomtein، دولت، دفتر کمیسیون آموزش و پرورش ملی را تأسیس کرد تا یک برنامه ملی آموزش همگانی بدست آورد و این برنامه در سال ۱۹۹۴ توسط مجلس به تصویب رسید. وزارتخانه‌ها و آژانس‌های مربوط، یک برنامه عمل ویژه برای کار خودشان بر طبق برنامه عملی ملی تهیه کردند. نظارت و ارزیابی باهدف مطالعه نتایج کاربرد EFA و تعیین موانع و مشکلات آن صورت می‌گرفت. نتایج این ارزیابی‌ها برای عملی کردن مؤثرتر طرح آموزش همگانی مورد تحلیل قرار



گرفتند. دولت تایلند همچنین اهمیت ارائه تحصیلات به محرومین و کسانی که امکان تحصیل نداشته‌اند را

درک کرده است. از جمله گروه‌های هدف اصلی می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱. معلولین

۲. کودکان بی‌سرپرست

۳. کودکان رده‌های سنی ۵ تا ۶ سال

۴. اقشار کم‌درآمد

۵. اقشار محروم ساکن نواحی دورافتاده

۶. کودکان و جوانان خیابانی

۷. کودکان شاغل

۸. زنان

۹. کودکان بدون ملیت

۱۰. افرادی که در نواحی دور افتاده و صعب‌العبور زندگی می‌کنند

۱۱. محرومین فرهنگی

۱۲. والدین دانش‌آموزان

۱۳. سالمندان و بزرگسالان

۱۴. جوانان و بزرگسالان برخوردار از تحصیلاتی پائین‌تر از سطح استاندارد



اهداف کلی

تغییرات زمینه‌های مختلف مثل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، محیطی، علمی و تکنولوژیک به نیاز ارتقاء کیفیت دانش اولیه مردم در جامعه دامن زده‌اند.

این تغییرات همچنین یک موضوع جدید تحت عنوان آموزش همگانی را ایجاد می‌کنند که هدف و تأکید اصلی آن تأمین دانش اولیه و توسعه پیوسته برای مردم می‌باشد، برای این موضوع، تایلند در کنفرانس جهانی آموزش همگانی سال ۱۹۹۰ در Jomtein، اظهار نامه‌ای جهانی درباره آموزش همگانی تنظیم کرد که اهداف آن متشکل بودند از:

- توسعه مراقبت‌های دوران کودکی شامل کمک‌هایی به خانواده‌ها به ویژه برای خانواده‌های فقیر، محروم و دارای فرزند معلول.
- دسترسی جهانی به تحصیلات ابتدایی (با هر سطح دیگری از تحصیلات که پایه محسوب شود) تا سال ۲۰۰۰.
- پیشرفت در یادگیری تا حد درصد مورد توافق در هر سن (مثلاً هشتاد درصد برای کودکان ۱۴ ساله). یعنی حد نصاب خاصی برای یادگیری موفق تعیین شد.
- کاهش میزان بیسوادی بزرگسالان (گروه سنی برای هر کشور تعریف می‌شود) به نحوی که این میزان در سال ۲۰۰۰ به نصف میزان سال ۱۹۹۰ برسد با تأکید مناسب بر سوادآموزی زنان برای از بین بردن نابرابری سواد زن و مرد.
- توسعه آموزش‌های پایه در بقیه زمینه‌های مورد نیاز جوانان و بزرگسالان، با مدرک ارزیابی تغییرات رفتاری و تأثیر بر سلامت، اشتغال و تولید.



- افزایش تمایل افراد و خانواده‌ها به کسب دانش، مهارت و ارزش‌های لازم برای یک زندگی بهتر از طریق تمام کانال‌های آموزشی از جمله رسانه‌های جمعی، بقیه گونه‌های ارتباطات مدرن و سنتی و یک عملکرد اجتماعی که ملاک ارزیابی آنها، تغییرات رفتاری است.

دولت تایلند، فرآیندها و اهدافی را برای عملی کردن طرح آموزش همگانی به شرح ذیل تعیین کرده

است:

اهداف	خط مشی‌ها
۱) توسعه خدمات آموزشی برای سوادآموزی کلیه افراد بین ۱۴ تا ۵۰ ساله اعم از مرد و زن، تا سال ۲۰۰۱.	۱. توسعه آموزش‌های پایه در شکل‌های مختلف در پاسخگویی به راه‌حل‌های مشکلات و محدودیت‌ها برای دستیابی مردم نواحی روستایی، صعب‌العبور و مرزی به تحصیلات. ۲. توسعه خدمات حمایتی برای افزایش نرخ سواد. ۳. تشویق کلیه نهادهای مربوط به تلاش برای ریشه‌کنی بیسوادی.
۲) توسعه سرویس‌های آموزشی قبل از سال ۲۰۰۱ برای دادن امکان ورود به دوره‌های راهنمایی پس از تکمیل دبستان به کلیه دانش‌آموزان.	۱. توسعه سرویس‌های آموزشی در دوره راهنمایی برای ورود حداقل ۹۷٪ فارغ‌التحصیلان دبستان به راهنمایی تا سال ۲۰۰۱. ۲. تهیه یک سیستم آموزشی وسیع‌تر و انعطاف‌پذیرتر برای اینکه هر جامعه‌ای بتواند مطابق با نیازهای محلی خود از آموزش برخوردار گردد. ۳. ایجاد آگاهی از اهمیت دوره راهنمایی در بین مردم. ۴. بهبود کیفیت مؤسسات آموزشی و خودآموزش‌ها در دوره راهنمایی.
۳) افزایش تمامی سرویس‌های آموزشی مربوط به اقشار محروم، معلول، کودکان خانواده‌های فقیر، کودکان ساکن در نواحی روستایی خانواده‌های محروم از نظر فرهنگی، کودکان شاغل و از این دست افراد.	۱. تهیه بانک‌های اطلاعاتی درباره محرومین از سطوح محلی گرفته تا ملی. ۲. توسعه سرویس‌های آموزشی و روش‌های مناسب و متنوع آموزش برای پوشش وسیع‌تر گروه‌های هدف.
۴) توسعه ارائه خدمات آموزشی برای کودکان در سنین پیش‌دبستانی به نحوی که آنان تا حداقل یک سال قبل از ورود به دبستان، برای آن کسب آمادگی کنند.	۱. توسعه خدمات مراقبتی کودکان برای ارائه خدمات بویژه به کودکان نواحی دور دست و صعب‌الوصول در تمامی کشور. ۲. افزایش کیفیت خدمات مراقبتی کودکان.
۵) توسعه مؤثر سرویس‌های آموزشی مربوط به خانواده‌ها با تأکید بر تربیت مناسب کودکان، نیازهای طبیعی دوران کودکی و رشد نرمال روانی.	۱. حمایت از مؤسسات آموزشی و سایر آژانس‌های عمومی و خصوصی برای ارائه آموزش به خانواده‌ها در زمینه‌های تربیت مناسب کودک از



<p>نظر فیزیکی، روانی و ذهنی.</p> <p>۲. تھی و ارائه اطلاعات کافی درباره مطالعات خانواده، مطالعات جنسی و کودکیاری از طریق رسانه‌های گروهی.</p>	
<p>۱. تشویق دانش‌آموزان بویژه دانش‌آموزان محروم برای بهره‌مندی از غذای کافی و مناسب.</p> <p>۲. بهبود کیفیت سرویس‌های بهداشتی و محیط مدارس.</p> <p>۳. تشویق دانش‌آموزان برای دستیابی به ورزش قاعده‌مند و پیوسته.</p>	<p>۶) توسعه اجرای فعالیت‌هایی برای تضمین رشد فیزیکی کودکان که به آن‌ها امکان دهد که به استانداردهای مربوط به گروه سنی خود، تا سال ۲۰۰۰ برسند.</p>
<p>۱. توسعه متدهای تدریس و یادگیری برای اینکه دانش‌آموزان، با انگیزه، خلاق و قادر به خودآموزی تربیت شوند.</p> <p>۲. بهبود روش‌های تدریس و یادگیری زبان تایلندی، علوم، ریاضیات و قادر ساختن دانش‌آموزان برای دستیابی به اهداف برنامه درسی.</p> <p>۳. حمایت از دانش‌آموزان با استعداد در زبان تایلندی، علوم و ریاضیات برای رشد استعدادشان در این زمینه‌ها.</p> <p>۴. ارائه اطلاعات درباره زبان تایلندی و علوم و فن‌آوری به کودکان و جوانان به طور پیوسته.</p>	<p>۷) توسعه توانایی‌های یادگیری دانش‌آموزان در زمینه‌های: خودآموزی، تفکر خلاق و یادگیری آکادمیک پایه. مثلا زبان تایلندی و ریاضیات.</p>
<p>۱. تشویق مؤسسات آموزشی و رسانه‌های گروهی برای شرکت در امر پرورش اخلاقیات در مردم.</p> <p>۲. تشویق مشارکت جامعه و رسانه‌های گروهی در سازماندهی فعالیت‌هایی که به رشد اخلاقیات در مردم کمک کنند.</p> <p>۳. حمایت از فعالیت‌هایی که موجب رشد اخلاقیات در بین مردم می‌شوند.</p>	<p>۸) اقدامی جهت بهبود اخلاقیات و خصایص نیکو در مردم و توسعه پایدار انجام فعالیت‌هایی به منظور پرورش چنین خصائلی در بین جوانان.</p>
<p>۱. تأسیس یک شبکه یادگیری با راه‌های ارتباطی قابل استفاده بخش‌های عمومی و خصوصی.</p> <p>۲. تشویق جوامع محلی برای تأسیس و تعیین روندهای داخلی تدریس و یادگیری و تبادل اطلاعات بین جوامع.</p> <p>۳. تسهیل ارائه اطلاعات به عموم و جامعه برای ممکن ساختن تحصیلات و آموزش مادام‌العمر.</p> <p>۴. تشویق به جمع‌آوری و ارائه اطلاعات درباره رسانه‌ها به دانش‌آموزان برای اینکه آن‌ها قادر باشند، انتخاب مناسبی از اطلاعات مفید داشته باشند.</p>	<p>۹) تأسیس یک شبکه ارتباطی یادگیری با راه‌های ارتباطی برای عموم، بخش خصوصی و جوامع محلی که به عنوان یک منبع و کمک برای بهبود کیفیت یادگیری مورد استفاده قرار گیرد.</p>

استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها

استراتژی‌های ذیل در راستای امکان تحقق آموزش همگانی اتخاذ شده‌اند :



- تشویق کلیه والدین به همکاری ارائه آموزش همگانی
- تمرکززدایی از مدیریت آموزشی و ارجاع امور به مراجع محلی.
- ارائه تحصیلات پایه دینامیک به طور همگانی به نحوی که شرایط فعلی به سرعت تغییر یابند.
- ترکیب دانش‌های سنتی و محلی با دانش مدرن به منظور پدید آوردن تنوع بیشتر در تحصیلات.
- ارائه آموزش‌ها به نحو فعال تا دانش‌آموزان بتوانند دانشی در ارتباط با جامعه‌شان کسب کنند و دانش خود را بین جوامع مختلف، مبادله نمایند.
- تخصیص بودجه مناسب که بخش عمده آن به آموزش‌های پایه مربوط باشد، نه دیگر

سطوح آموزشی

استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های دراز مدت

- ارائه آموزش و پرورش پایه به کلیه شهروندان تایلندی
- تشویق کلیه کودکان پیش‌دبستانی به برخورداری از حداقل یک سال آموزش پیش‌دبستانی، قبل از ورود به دبستان.
- تهیه و ارائه یک پوشش سراسری و کابل تحصیلات اجباری برای اینکه دسترسی به آن برای کلیه دانش‌آموزان ساده باشد. مدارس دولتی و محلی، آموزش‌ها را به طور رایگان ارائه می‌دهند. تمامی صور آموزش اجباری، بر طبق قوانین آموزش و پرورش انجام می‌شوند.



- ارائه تحصیلات متوسطه به صورت EFA. در راستای ارتقاء کیفیت زندگی مردم
- افزایش پوشش خدمات آموزشی برای کلیه اقشار محروم اجتماعی و اقتصادی و معلولین فیزیکی، جسمی حرکتی و ذهنی.
- ارتقاء سطح کیفیت آموزش و ارائه EFA.
- ارائه تحصیلات و خدمات آموزشی و تشویق کودکان به آن با در نظر شرایط سنی آنان و بهبود خصایل پسندیده.
- تغییر ساختار تربیت مدرس و پرورش معلمین عادی با تمرکز بر مباحث ویژه فنی و حرفه‌ای برای ایجاد آگاهی کافی در معلمین.
- تشویق به کسب اطلاعات استاندارد برای معلمین به همراه افزایش دانش فنی آن‌ها، ارتقاء سطح کیفی حرفه تدریس.
- بهبود مطالب درسی و روندهای تدریس و یادگیری در تمامی سطوح آموزشی، برای هماهنگی با اهداف کلی آموزش و پرورش.
- تشویق دانش‌آموزان کلیه سطوح و عموم مردم به استفاده مناسب و صحیح از زبان تایلندی برای ارتباط و بهبود سطح تفکر، دانش و حفظ فرهنگ کشور.
- در نظر گرفتن آموزش زبان‌های خارجی برای توسعه ملی پایدار و ممکن ساختن تحقیقات و ارتباطات در زمینه‌های فنی و تکنولوژیک، تجارت، روابط بین‌الملل و تبادل فرهنگی.



- در نظر گرفتن تحقیقات به منظور بهبود و ارتقاء سطح خلاقیتی و نوآوری و تکنولوژی آموزش در علوم مختلف به منظور بهبود مطالب درسی روندهای تدریس و یادگیری و تشویق دانش آموزان.
- تشویق راهبان، کشیش ها و طلاب دینی به تحصیل آکادمیک به منظور پدیدآوردن الگوها و رهبران خوب و کمک به رشد و اخلاقیات فردی و ارزش های مناسب برای جامعه.
- ایجاد شبکه یادگیری برای ارائه آموزش های مادام العمر به مردم.
- ایجاد شبکه آموزشی برای دادن یک دید وسیع تر به مردم درباره آموزش های پیوسته مادام العمر.
- حمایت از تکنولوژی های جدید آموزشی و تبادل اطلاعات.
- همگانی سازی برنامه های آموزش EFA.
- حمایت از نقش خانواده ها، جامعه و دیگر مؤسسات اجتماعی و رسانه های گروهی به همکاری در روند مطالعات و آموزش، حمایت و بهبود منابع طبیعی، محیط و فرهنگ محلی.
- تشویق بخش خصوصی به ارائه آموزش در کلیه سطوح به طور رایگان و نعطاف پذیر با مدیریت خودی، به همراه حمایت فنی برای تسهیل عملی کردن و ارزیابی استانداردها.
- تقسیم منابع و امکانات آموزشی به نحوی منصفانه و مؤثر.



نظارت بر عملی کردن خط مشی‌ها و استراتژی‌ها

بنابراین حقیقت که آژانس‌های زیادی با EFA در ارتباط هستند و هر کدام آن‌ها روش‌های مختلفی در انجام فعالیت‌های محلی و مرکزی دارند، نظارت و ارزیابی تحقق EFA، باید به نحو زیر باشد:

انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات نظارتی از گزارشات آژانس‌های مختلف، به طور سالیانه انجام می‌شود. در این گزارشات، اطلاعاتی درباره وضعیت EFA، تحقق و عملی شدن فعالیت‌های مربوط به آن همانگونه که در برنامه‌ها و سیاست‌ها توصیه شده است به همراه نتایج اعمال و مشکلات و موانع موجود، وجود دارد. این اطلاعات، باید طبق خط‌مشی‌ها و سبک خاص مورد نظر کمیته نظارت و ارزیابی گزارش شوند. بخشی از اطلاعات مربوط به ارزیابی می‌توانند از گزارشات سالانه نظارتی بدست آیند و بخشی دیگر از نظارت بر برنامه‌های ویژه‌ای که در سیاست‌های دولت ذکر شده‌اند.

موفقیت‌ها و دستاوردهای اخیر

دولت، فرصتی را فراهم کرد تا تمامی نهادهای مربوطه، بتوانند به نحو مؤثری برای توسعه آموزش همگانی به مناطق دوردست همکاری کنند. به علاوه آژانس‌های سازمان ملل مثل یونسکو، Unicef، UNDP و بانک جهانی در ارائه خدمات کمک‌رسانی مالی و فنی به آموزش همگانی کمک کردند.

طبق اظهارنامه EFA، تایلد برنامه‌های تحقق EFA را در دو سطح زیر ترتیب داده است:

۱۹۹۵ - ۱۹۹۶: فرمول‌بندی سیاست ملی، تعیین اهداف، استراتژی‌ها، برنامه‌ها و مکانیسم‌ها، تخصیص بودجه به برنامه‌های EFA، جمع‌آوری و نشر اطلاعات EFA و تهیه یک گزارش پنج ساله درباره EFA.



۱۹۹۷ تاکنون: ارزیابی نتایج عملی کردن طرح‌ها به منظور تعیین میزان پیشرفت و تغییر استراتژی‌ها قانون اساسی سال ۱۹۹۷ تایلند بیان می‌کند که دولت، باید دوره آموزش‌های پایه را تا حداقل ۱۲ سال، گسترش دهد. به علاوه، قانون آموزش و پرورش ملی سال ۱۹۹۹ می‌گوید که دولت باید امکانات لازم برای ۹ سال آموزش اجباری را فراهم کند. برای معلولین و محرومین نیز امکانات تحصیلی مطابق با توانایی‌هایشان فراهم می‌گردد.

تعاریف ذیل، در طرح عملکرد EFA، مورد استفاده قرار می‌گیرند:

آموزش همگانی: یعنی تحصیلات برای دستیابی به یک کیفیت زندگی مناسب به همراه اخلاقیات لازم برای یک زندگی هماهنگ با جامعه، به همراه شادی، دانش و مهارت‌ها، جستجوی مداوم دانش، قابلیت سازگاری با تغییرات آینده اجتماع، قابلیت اداره زندگی، اتکاء به نفس، مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش در بهبود و توسعه جامعه به نحوی مناسب.

گروه‌های محروم: یعنی گروه‌هایی از مردم اجتماع به ویژه کودکان که در شرایط سختی زندگی می‌کنند (CEDC) از قبیل کودکان خیابانی، کودکان معلول، معتادین به مواد مخدر، تکدی‌گران، کودکانی که از تحصیل محروم بوده‌اند و کودکانی که از خدمات ویژه دولت استفاده می‌کنند.

تحصیلات ویژه کودکان محروم (تحصیلات ویژه کودکان و جوانانی که به حقوق خود دست نیافته‌اند، اعم از کودکان بی‌سرپرست، کودکانی که رفتارهای نامناسب دارند و کودکان معلول جسمی و ذهنی) این گروه افراد به تحصیلات ابتدایی و دبیرستان و هرگونه دیگری از تحصیلات که برای زندگی آن‌ها و بازگشتشان به اجتماع لازم است، دست می‌یابند.



ضعفها و قوتها

نتایج اجرای آموزش همگانی طی سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۸ درنیل به آموزش پایه بهتر، تقریباً نشان داده شده است. اگر چه آمار نشان می دهند که درانجام ضعفها و قوتهایی وجود داشته است که از آن جمله میتوان به موارد ذیل اشاره نمود :

- سیاست گسترش موقعیت آموزش باعث شد که تأثیر بخش خصوصی کمتر شده و تأثیر بخش دولتی بیشتر شود. طی سال ۱۹۹۰ نسبت ثبت نام درمدارس خصوصی ابتدایی ۲۵٪ و مدارس متوسطه ۱۱٪ بود و این درحالیست که طی سال ۱۹۹۸ نسبت ثبت نام در ابتدایی ۲۰٪ و درمتوسطه ۶٪ بود .
- چندین آژانس دولتی جهت تهیه آموزش برای همه وجود دارد. این پوشش آموزشی گسترده تری را برای کلیه شهروندان تایلندی بوجود آورد. اگرچه بدلیل ناهماهنگی میان این آژانسها نرخ پوشش کمی پایین مانده است. نواحی تحت پوشش این آژانسها بسیار گسترده است .
- آموزش در تایلند بیشتر رسمی است که این خودسبب میگرددتا مردم درسین نامتعارف مبادرت به تحصیل نمایند.
- درروند فراهم کردن پوشش آموزشی برای کلیه افرادمحروم ضعفهایی وجود دارد، چراکه تعداد این جمعیت هنوزمشخص نیست، همکاریها محدود بوده و جامعه و خانواده در این موضوع مشارکت چشمگیری ندارند.
- ضعف دیگر، ناکافی بودن مشارکت مردم است. آماري نشان میدهد که ۴۰٪ مراکز و مؤسسات آموزشی به خانواده ها اجازه شرکت در گسترش دوره تحصیلی و تنظیم فعالیتهای



آموزشی را می دهند. نا کافی بودن نرخ مشارکت مردم در آموزش، پوشش گسترده تر را تحت تأثیر قرار میدهد. در همان حال، تواناییهای آموزش نیازهای جوامع خاص و دستاوردهای بیمه کیفیت را ارضا نمی کند.

اقدامات آموزشی

در نتیجه اجرای سیاستهای آموزش همگانی، که توسط دولت و ۱۵۵ عضو دیگر به مورد اجرا گذارده

شد، دولت به اجرای طرح آموزش ملی طی سال ۱۹۹۲ به شرح ذیل مبادرت نمود:

- گسترش موقعیت و بالا بردن آموزش پایه
- بهتر کردن کیفیت مدیریت
- خلق شبکه های تعلیم
- سیار کردن تمام شرکت کنندگان

آموزش ابتدایی

ساختار آموزشی

دوره آموزش ابتدایی مدت زمان ۶ سال طی رده های سنی ۱۲-۶ سال به طول می انجامد. این مقطع

آموزشی، اجباری بوده و به صورت رایگان ارائه می گردد. نسبت معلمین به دانش آموزان ۱۸ به ۱ و تعداد

دانش آموزان در هر کلاس ۲۵ نفر است. نرخ افت تحصیلی نیز ۱۲/۳ درصد است. طبق آمار

سال ۱۹۹۸، جمعیت سنی که این مقطع را طی کرده اند بر ۹۰/۲ درصد بالغ می گردد. این سطح

تحصیلی، اجباری است. از سال ۱۹۹۰ پوشش آموزشی ابتدایی به مقدار قابل توجهی بالا بوده است. ثبت نام



سنی کودکان ۶ تا ۱۱ سال ۹۰٪ بوده است. به هر حال ۱۰-۹٪ کودکان آموزش نمی بینند. مؤثر بودن

مدیریت هنوز هم بدلیل نرخ ترک تحصیلهای، تباهی آموزش و تباهی موقعیتها، کم است.

سال تحصیلی	تعداد مدارس	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان
۱۹۹۰	-	۶۹۰۶۷۱۷	۳۳۷۸۱۰۹	۳۱۴۶۸۴
۱۹۹۲	۳۴۱۲۳	۶۷۰۸۰۹۱	۳۲۷۸۱۰۱	۳۴۱۱۲۲

اهداف آموزشی

- پرورش ابعاد شخصیتی کودکان در جنبه های اخلاقی، دانش پایه و توانایی ها
- ارائه سواد عمومی و توانایی در حساب

برنامه های آموزشی

مدت زمان کلاس ارائه دروس در هفته

تعداد ساعات درسی در هفته در دوره ابتدایی ۲۵ ساعت است.

برنامه های آموزشی بنا به پایه تحصیلی

برنامه های درسی ابتدایی در پنج گروه مهارتهای پایه (زبان تایلندی و ریاضیات)، تجربیات زندگی (

فرایند رویارویی و حل مشکلات روزمره اجتماعی)، رشد ابعاد شخصیتی (پرورش عاداتها، ارزشها، نگرشها

و رفتارهای مطلوب)، تجربیات کار-محور (تجارب کار عملی) و تجربیات ویژه (تنها در پایه های پنجم و

ششم متناسب با علایق و نیازهای دانش آموزان و جامعه محلی) ارائه میشوند.



تعداد ساعات دروس آموزشی بنا به پایه های تحصیلی

گروه های درسی	پایه اول و دوم		پایه سوم و چهارم		پایه پنجم و ششم	
	تعداد ساعات	درصد	تعداد ساعات	درصد	تعداد ساعات	درصد
گروه مهارت های پایه	۵۰۰	۵۰	۳۵۰	۳۵	۲۵۰	۲۵
تجربیات زندگی	۱۵۰	۱۵	۲۰۰	۲۰	۲۵۰	۲۵
ابعاد شخصیتی	۲۵۰	۲۵	۲۵۰	۲۵	۲۰۰	۲۰
تجربیات کار-محور	۱۰۰	۱۰	۲۰۰	۲۰	۳۰۰	۳۰
جمع	۱۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰
تجربیات ویژه	-	-	-	-	۲۰۰	-

آموزش متوسطه

سیاست های آموزشی

دوره دبیرستان بر روی فراهم کردن فرصتی برای دانش آموزان تا موضوعات مورد علاقه خود را انتخاب کنند و دادن اطلاعات و مهارت های کافی برای ادامه تحصیل یا ورود به بازار کار تأکید دارد. این دوره همچنین بر بهبود اخلاقیات، شخصیت و مهارت های اجتماعی لازم برای کار و هماهنگی با جامعه متمرکز شده است. این دوره به دو صورت عمومی و فنی و حرفه ای ارائه میشود. این نوع آموزشها در پاراگراف دوم، بخش ۱۶ قانون آموزش پرورش ملی سال ۱۹۹۹ که میگوید: «آموزش های پایه باید حداقل به مدت ۱۲ سال پیش از ورود به تحصیلات عالی ارائه شوند» مورد بحث قرار گرفته اند. بنابراین توسعه و پوشش کامل این دوره برای همه مردم نیازمند بسیج و همکاری تمامی ارگان ها است.

ارزیابی تحصیلی

سیستم نمره دهی

- بالاترین نمره: ۴



• پائین ترین نمره: ۱

مقطع مقدماتی متوسطه

دوره آموزش مقدماتی متوسطه مدت زمان ۳ سال طی رده های سنی ۱۵-۱۲ سال به طول می انجامد.

این مقطع آموزشی، اجباری بوده و به صورت رایگان ارائه می گردد. نسبت معلمین به دانش آموزان ۱۸ به ۱ و

تعداد دانش آموزان در هر کلاس ۲۷ نفر است. نرخ افت تحصیلی نیز ۱۲/۳ درصد است.

سال تحصیلی	تعداد کل ثبت نامی	تعداد دختران ثبت نامی	تعداد کل معلمان
۱۹۹۰	۲۲۳۰۴۰۳	۱۰۷۶۸۹۶	۱۳۳۸۸۲
۱۹۹۲	۲۷۱۷۶۷۲	۱۳۲۳۶۳۰	۱۴۱۶۳۲
۱۹۹۳	۳۱۷۴۰۶۲	-	۱۵۱۰۰۸

اهداف آموزشی

هدف آموزش در دوره مقدماتی متوسطه ارتقاء دانش، توانایی و مهارت آموزی فراگیران و کمک به آنان

در شناسایی نیازها و علایقشان، آگاهی از استعداد هایشان و رشد توانایی هایشان در کار و تمرین های

شغلی است.

ارزیابی تحصیلی

در پایان پایه های دوم و چهارم و ششم ارزشیابی به صورت برگزاری امتحان بعمل می آید. همچنین

معلمان با نگهداری سوابق دانش آموزان، از عملکرد آنان ارزشیابی بعمل می آورند.



برنامه های آموزشی

برنامه درسی در دوره مقدماتی و تکمیلی متوسطه به چهار گروه تقسیم شده است :

- دروس پایه : این دروس به طور کلی به زندگی و مسایل اجتماعی مربوط می شوند و برای همه دانش آموزان الزامی هستند .
- دروس انتخابی توصیه شده : این دروس نیز دروس اصلی و پایه هستند ولی بر حسب شرایط و نیازهای محلی تفاوت می کنند. مسئولان محلی آموزش و پرورش این اختیار را دارند که از میان مجموعه دروس توصیه شده تعداد لازم را انتخاب و در مدارس ارائه نمایند .
- دروس انتخابی آزاد: این دروس انتخابی هستند و دانش آموزان میتوانند آزادانه و بر حسب علائق و استعداد های خود از میان آنها انتخاب نمایند .
- فعالیتهای : همه مدارس باید از میان سه نوع فعالیتهای یک نوع را برای دانش آموزان ارائه نمایند. (فعالتهای سازماندهی شده بر اساس مقررات وزارت آموزش و پرورش؛ فعالتهای علمی، تدریس و مشاوره؛ و فعالتهای مستقل فراگیران)

توسعه آموزشی

طی سال ۱۹۹۰ در آغاز اجرای ، معلوم شد که درصد پوشش آموزش مقدماتی متوسطه فقط ۶ / ۳۹ درصد بود. طی سال ۱۹۹۹ بعد از یک دهه از آغاز ، درصد پوشش کودکان ۱۲ - ۱۴ در آموزش مقدماتی متوسطه به سطح قابل توجه ۶ / ۷۲ درصد افزایش یافت. این افزایش تا سال ۲۰۰۲ به مقدار مورد نظر رسید چراکه دولت تایلند به پذیرش سیاست فعالیت آموزش ملی طی سال مبادرت نمود.



نرخ حضور دانش آموزان در مدارس مقدماتی متوسطه

درصد کلیه دانش آموزان مدارس راهنمایی در مقایسه با کل جمعیت ۱۲ تا ۱۴ ساله از سال ۱۹۹۰ مداوماً در حال افزایش بوده و از ۳۹ / ۱ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۴۳ / ۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ رسیده ، یعنی این درصد از ۶۶ / ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶۵ / ۷۲ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است. حضور دانش آموزان در مدارس خصوصی از سال ۱۹۹۰ رو به کاهش بوده و از ۱۱ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است. شاید دلیل این امر ، تصمیمات دولت در افزایش دوره تحصیلات اجباری از ۶ به ۹ سال و تحصیلات پایه به ۱۲ سال باشد. در مرحله اول، تمهیداتی در جهت توسعه فرصت های تحصیلی برای اقشار محروم در نظر گرفته شدند که برای این گروه مردم امکان حضور در دوره راهنمایی را از طریق تعیین برنامه های حمایتی خاصی مثل تخفیف یا معافیت شهریه و غذا و یونیفرم و کتب درسی فراهم میگرد.

اینها باعث شدند که دانش آموزان بیشتری در مدارس عمومی حضور یابند. نسبت حضور خالص دانش آموزان راهنمایی، نشان دهنده درصد دانش آموزان راهنمایی ۱۲ تا چهارده ساله به کل جمعیت ۱۲ تا ۱۴ ساله های کشور است. افزایش پیوسته حضور در مدارس راهنمایی باعث شد که نرخ ورود به سال اول مقدماتی متوسطه با شتاب زیادی افزایش یابد و از ۵۳ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۹۱ درصد در سال ۱۹۹۸ برسد .



مقطع تکمیلی متوسطه

ساختار آموزشی

دوره آموزش تکمیلی متوسطه مدت زمان ۳ سال طی رده های سنی ۱۷-۱۵ سال به طول می انجامد. این مقطع آموزشی، اجباری بوده و به صورت رایگان ارائه می گردد. نسبت معلمان به دانش آموزان ۱۹ به ۱ و تعداد دانش آموزان در هر کلاس ۲۹ نفر است. مدارس این دوره به دو نوع عمومی و حرفه ای تقسیم شده اند. مدارس متوسطه عمومی برنامه های درسی عمومی یا نظری را ارائه می کنند و مدارس حرفه ای برنامه های حرفه آموزی را ارائه می نمایند.

اهداف آموزشی

هدف آموزش تکمیلی متوسطه قادر ساختن دانش آموزان به پیگیری علایق و استعداد های خود و کسب زمینه های لازم برای ادامه تحصیل یا ورود به بازار کار، و پرورش اخلاق و مهارت های اجتماعی لازم برای کار و زندگی اجتماعی است.

نرخ حضور دانش آموزان در مدارس تکمیلی متوسطه

درصد کل دانش آموزان دبیرستانی اعم از عمومی و فنی و حرفه ای در مقایسه با جمعیت گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ ساله ها به طور ثابت رو به افزایش است. نسبت حضور دانش آموزان دبیرستانی در مدارس عمومی و خصوصی بین سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۸ محدوده ای بین ۲۷/۲۷ تا ۷۳/۱۷ داشته است. در کنار آموزش های راهنمایی و دبیرستان در مدارس، تمهیدات دیگری نیز مثل فراهم کردن تحصیلات برای راهبان و طلاب



در مدارس به صورت آموزش و پرورش عمومی در نظر گرفته شده است. این یک راه دیگر برای افزایش فرصت‌های تحصیلی است.

آموزش عالی

دانشگاه‌ها

آموزش عالی مهم‌ترین توجه وزارت آموزش عالی می‌باشد. این وزارت مسئول مرتب کردن و نظم بخشیدن به فعالیت‌های دانشگاهی ایالتی و ۲۶ دانشگاه خصوصی می‌باشد البته مدارس عالی نیز جزء این مجموعه محسوب می‌شوند. ۴۲ دانشگاه و ۳۶ کالج در تایلند وجود دارد که بیش‌تر آن‌ها در دهه ۱۹۶۰ تأسیس گردیده‌اند. اولین مدرسه عالی (چولانگ کورن) در سال ۱۹۱۷ تأسیس گردیده است. دولت برای اجرای برنامه تمرکز زدایی بسیاری از دانشگاه‌ها و موسسات را در مراکز استان‌ها تأسیس کرده است که البته دارای شرایطی برابر می‌باشند. این‌ها شامل دانشگاه‌های، چیانگ می در شمال، خونکان در غربی و شاهزاده سانخولا در جنوب می‌باشند. این دانشگاه‌ها در زمینه‌های مختلفی از قبیل کشاورزی، باستان‌شناسی، معماری، هنر، مدیریت، آموزشی، اقتصاد، مهندسی و ادبیات و داروسازی مدرک کارشناسی ارائه می‌دهند. زبان آموزشی تایلندی است، البته به جز رشته‌های اصلی اقتصاد که به زبان انگلیسی آن هم در یک دانشگاه ارائه می‌گردد کمک هزینه‌های تحصیلی نیز برای دانش‌آموزان نیازمند و عقب مانده نیز در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر دانشگاه‌های عمومی، دو دانشگاه آزاد (مکاتبه‌ای) نیز برای مردم در حال کار و فارغ التحصیلان آموزش‌های پیش دانشگاهی وجود دارد. یکی از آن‌ها علوم انسانی را و دیگری به نام ((سوختای تا مانیرات)) است که بزرگ‌ترین و مجهزترین دانشگاه مکاتبه‌ای در دانش‌گاه‌های جنوب شرقی آسیا می‌باشد.



همهٔ مؤسسات آموزش عالی زیر نظر وزارت امور دانشگاهی نیستند. به عنوان مثال دانشگاه افسری زیر نظر دایرهٔ آموزشی پلیس می باشد درحالیکه آکادمی نظام چالاچوم کلو تحت قیومیت وزارت دفاع می باشد. این گونه آکادمی ها به دانشجویان خودمیک لیسانس ارائه می دهند و البته از آن ها می خواهند تا در نظام باقی بمانند. ادامهٔ تحصیل بعد از لیسانس نیز موجود می باشد کالج نیروهای ارتش برای افسران مدارج بالای نظامی قابل استفاده می باشد. آموزش در سطوح درجه ای برای راهبان بودایی نیز ایجاد گردیده است. دو دانشگاه بودایی نیز وجود دارند که تحت نظارت و حمایت مالی و قانونی وزارت امور مذهبی وابسته به وزارت آموزش و پرورش می باشند.

نهادهای مرکزی

سیستم آموزش عالی تحت نظارت دو وزارتخانه اصلی قرار دارد. وزارت امور دانشگاه ها، بر کار دانشگاه ها، عمومی و خصوصی از طریق سیاست های برنامه ملی دانشگاه ها و چارچوب خاص آن نظارت می کند. این وزارتخانه همچنین مسئول استاندارد کردن برنامه های درسی، مدیریت پرسنل و توصیه هایی جهت تخصیص بودجه نیز هست. این مؤسسات مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را ارائه می دهند. برنامه های پیشرفته آموزشی و پژوهشی به روش های زیادی ارائه می شوند. مؤسسات پیش دانشگاهی و غیردانشگاهی تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش قرار دارند و اختیارات ارائه مدارک فقط تا حد کارشناسی را دارند. از جمله دانشگاه های ویژه و تخصصی تایلند میتوان از کالج های پرستاری، مدارس Cadet (افسری) و دانشگاه های بودیست نام برد.



سال تحصیلی

طی ماههای ژوئن تا مارس

تعطیلات از اول آوریل تا ۳۱ می

زبان آموزشی

انگلیسی و تایلندی

مقاطع آموزشی

مقطع کارشناسی

این دوره در بیشتر موارد ۴ سال طول می کشد. البته بعضی رشته‌های خاص از این قاعده مستثنی هستند. مثلا دوره‌های معماری و داروسازی پنج سال و پزشکی و دندانپزشکی شش سال به طول می انجامد. برنامه‌های این دوره‌ها در گروه‌های عمومی علوم پایه، هنرهای آزاد، علوم اجتماعی و فلسفه سازماندهی شده‌اند. مطالعات تخصصی در زمینه‌های پیشرفته و تئوریک، با یک دسته دروس انتخابی از هم متمایز می شوند. برای دریافت مدرک کارشناسی، دانشجویان باید دارای حداقل میانگین نمراتی برابر ۲/۰ باشند.

مقطع کارشناسی ارشد

ادامه تحصیلات پس از مدرک کارشناسی مستلزم حداقل ۲ سال تحصیل بعد از کارشناسی است. دانشجویان لیسانسه‌ای که معدل نمراتی برابر ۲/۵ یا بالاتر داشته باشند می توانند وارد دوره کارشناسی ارشد شوند. برنامه‌های این دوره شامل آموزش‌ها پیشرفته و پژوهش هستند. برنامه‌های علوم اجتماعی



و هنرهای آزاد امکان آموزش تئوریک و دادن یک امتحان به جای پایان نامه را فراهم می کنند اما در زمینه علوم کاربردی، پایان نامه باید به صورت یک پروژه پژوهشی باشد. برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشجویان باید معدلی معادل $3/5$ یا بالاتر داشته باشند.

مقطع دکتری

مرحله پیشرفته تحصیلات و پژوهش برای اخذ مدرک دکترا مستلزم حداقل ۳ سال کار پژوهشی و علمی است. یک پروژه پایان نامه دکترا باید دارای بالاترین سطح پیشرفت آکادمیک باشد. دانشجویان همچنین باید گزارشات مطالعاتی و سمینارهایی را در طول مدت تحصیل خود ارائه دهند.

پذیرش تحصیلی

ورود به مراکز آموزش عالی غیردانشگاهی

مدرک پیش دانشگاهی لازم: گواهینامه پایان دوره متوسطه
امتحانات ورودی: هر کالژی طبق نظر خود آزمون ورودی برگزار می کند.

ورود به دانشگاهها

- مدرک پیش دانشگاهی لازم: گواهینامه پایان دوره متوسطه
- حداقل نمره لازم: میانگین بیشتر از $2/0$.

ورود به مراکز عالی حرفه ای

مدارک معادل مدرک پیش دانشگاهی لازم: گواهینامه فنی و حرفه ای



لازم به ذکر است که برخی دانشجویان از طریق برنامه‌های ویژه دانشگاه به دانشگاه وارد می‌شوند.

مثلا برنامه‌های پرورش استعدادهای درخشان، پرورش قهرمانان ورزشی و هنری.

از سال ۲۰۰۰، آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها از ترکیبی از سوابق موفق دانش‌آموزان در مراکز

متوسطه (10i) و نمرات دروس عمومی و اختصاصی دانش‌آموزان (۹۰٪) به علاوه مصاحبه‌هایی برای ورود

به دانشگاه در نظر گرفته شده است. دانشگاه‌های خصوصی نیز از روش‌های خاص خود جهت پذیرش

دانشجو برخوردار می‌باشند.

پذیرش دانشجویان خارجی

تعریف دانشجوی خارجی: دانشجویانی که ملیت تایلندی نداشته باشند.

سهامیه‌های تحصیلی

هیچ سهمیه‌ای وجود ندارد.

نیازمندی‌های ورودی

دانشجویان ملزم به برخورداری از مدرک دبیرستان یا معادل آن که به تأیید کمیته ارزیابی دانشگاه

رسیده باشد بوده و علاوه بر آن نیازمند گذراندن امتحانات درسی، امتحان زبان انگلیسی و مصاحبه علمی

می‌باشند. ویزای غیر مهاجرتی مورد نیاز است. دانشجویان باید به زبان تایلندی مسلط باشند، به هر حال

برخی دانشگاه‌ها برنامه‌های آموزشی خود را به صورت بین‌المللی و به زبان انگلیسی ارائه می‌دهند.



ارزیابی تحصیلی

سیستم نمره دهی

نمره دهی در کلیه دانشگاه‌ها بر مبنای سیستم امتیازی صورت می‌گیرد.

ارزیابی هر درس بر مبنای نمره و نمره واحد به صورت ذیل صورت می‌پذیرد:

A: عالی (۴)

B+: خیلی خوب (۳/۵)

B: خوب (۳)

C+: نسبتاً خوب (۲/۵)

C: متوسط (۲)

D+: ضعیف (۱/۵)

D: خیلی ضعیف (۱)

F: مردود (۰)

بالاترین نمره: ۴

پائین‌ترین نمره: ۱

نهادهای ارزیابی

کلیه برنامه‌های ارائه شده در دانشگاه‌ها به طور رسمی از طریق وزارت امور دانشگاه‌ها تنظیم

می‌شوند. کمیته استانداردهای آموزش عالی، وزارت امور دانشگاه‌ها که عهده دار مسئولیت ارزیابی مدارک



ورود به دانشگاه و تأیید مدرک خارجی برای مطابقت با برنامه آموزشی دانشگاه‌ها در کلیه سطوح تحصیلی است.

آموزش عالی آزاد

سیستم نمره‌دهی

دانشگاه آزاد Sukhothai thammathirat سیستم نمره‌دهی ذیل را مورد استفاده قرار می‌دهد:

H: افتخار

S: قبول

U: مردود

A: ناقص

لازم به ذکر است که دانشگاه Ramkhamhaeng نیز از سیستم نمره دهی خوب، قبول و مردود یا

۱۰۰-۷۵٪، ۷۴-۶۰٪ و ۵۹-۰٪ استفاده می‌کند.

خدمات دانشجویی در سطح ملی

نهادهای اصلی

• دایره خدمات آموزشی که عهده دارمسئولیت ارائه خدمات مشاوره‌ای آکادمیک به

دانشجویان می باشد. این خدمات برای دانشجویان خارجی نیز قابل استفاده می باشد.

• دایره نظارت بهداشتی - اجتماعی

• گفتنی است که چنین خدمات اجتماعی به دانشجویان غیر بومی ارائه نمی گردد.



همکاری‌ها و تبادلات بین‌المللی دانشگاهی

نهادهای مرکزی

بخش همکاری‌های بین‌الملل، وزارت امور دانشگاه‌ها

برنامه‌های مبادلاتی

نام برنامه تبادلاتی: تحرک دانشگاه در آسیا و اقیانوسیه (UMAP)

آموزش عالی غیر دانشگاهی

تحصیلات عالی غیردانشگاهی را طریق مؤسسات، کالج‌ها و مؤسسات آموزشی خاص مثل مؤسسه آسیایی تکنولوژی ارائه می‌شوند. این مؤسسات تحت نظر وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت فعالیت می‌کنند. این مؤسسات از مجوز اعطای مدرک تا حد کارشناسی برخوردار می‌باشند.

آموزش معلمان

معلمین، نقشی حیاتی را در عملی شدن طرح آموزش و پرورش همگانی ایفا می‌کنند. تنوع در روش‌های مدیریتی و قابل دسترس بودن اهداف، نمی‌توانند مشکلی حل ناشدنی پدید آورند. معلمین همیشه به عنوان مشعل داران، در ارائه اطلاعات و دانش به اجتماع انجام وظیفه خواهند کرد. آن‌ها مانند والدین با دانش‌آموزان برخورد خواهند کرد. تخصص‌های زیادی در زمینه تدریس وجود دارد اما نقش همه این معلمین، همانند نقش یک معلم عمومی زبان تایلندی است. در سال تحصیلی ۱۹۹۰، تایلند ۳۰۱,۸۱۱ مؤسسه آموزشی در انواع مختلف داشت که حدود ۱۲ میلیون دانش‌آموز مقاطع مختلف تحصیلی و



۳۸۶,۹۰۸ کلاس درس در آنها موجود بودند. نسبت دانش‌آموز به کلاس برابر ۳۲ به ۱ بود. تعداد کل مدرسین برابر ۲۷۲,۵۷۷ نفر بود که باعث می‌شد نسبت معلم به دانش‌آموز برابر ۱ به ۲۱ باشد. حدود ۵/۸۹ درصد کل معلمین، معلمین عمومی بودند.

مدرک مورد نیاز برای تدریس در سطوح مختلف آموزشی

پیش دبستانی: گذراندن دوره تربیت مربی پیش دبستان در مؤسسات تربیت معلم

سطح اول: گذراندن دوره تربیت معلم ابتدایی در مؤسسات تربیت معلم

سطح دوم: گذراندن دوره تربیت دبیر در مؤسسات تربیت معلم یا در دانشگاه

سطح سوم: گذراندن دوره تربیت دبیر در مؤسسات تربیت معلم یا در دانشگاه

آموزش معلمین مقدماتی و تکمیلی متوسطه

این معلمین در کالج‌های تربیت مدرس آموزش می‌بینند. یک دوره دو ساله منتهی به مدرک کاردانی و

یک دوره چهار ساله منتهی به مدرک لیسانس دبیری می‌شود.

حقوق و مزایا

مقایسه درآمد سرانه سالیانه معلمین مدارس ابتدایی تایلند با سایر کشورها

طبق گزارش وضعیت آموزش و پرورش تایلند ۱۹۹۷، با این درصد بالای هزینه‌های حقوق و دستمزد،

دولت، پول کافی برای برطرف کردن بقیه نیازمندی‌های توسعه آموزش و پرورش مثلاً بهبود کیفیت تدریس

و یادگیری در اختیار ندارد. به علاوه مبالغی که برای عملکرد و سرمایه‌گذاری در اختیار مؤسسات آموزشی



قرار می‌گیرد، دولت بودجه خاصی را به مؤسسات آموزشی دولتی اختصاص می‌دهد. این گروه، به شکل

زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

هزینه‌های پایه: دستمزدها و تجهیزات آموزشی.

هزینه‌های ویژه: کتب درسی، یونیفرم، غذای اضافی (شیر)، نهار و ایاب و ذهاب.

در حال حاضر، دولت، به مدارس ابتدایی دولتی و مدارس راهنمایی طرح فرصت دولتی، در زمینه

هزینه‌های پایه، سوبسید می‌دهد. دولت همچنین بودجه خاصی را به تجهیزات آموزشی برای تمامی سطوح

مؤسسات آموزشی اختصاص داده است. در زمینه هزینه‌های ویژه نیز دولت بودجه‌ای را بسته به جمعیت

هدف و نیازهای آن‌ها اختصاص داده است. اینکه این تسهیلات چقدر باشند، به سطح آموزش‌ها بستگی

دارد. به علاوه، دولت به گونه‌های دیگری نیز از EFA حمایت می‌کند. مثلاً: اعطای وام تحصیلی به

دانش‌آموزان کم بضاعت که از سال آکادمیک ۱۹۹۶ آغاز می‌شود. وام‌هایی از بانک توسعه آسیا (ADB)

برای دولت تایلند. بخشی از این وام‌ها برای کمک به دانش‌آموزانی استفاده می‌شود که مشکلات اقتصادی

دارند تا آن‌ها بتوانند در دوران بحران اقتصادی به تحصیلاتشان ادامه دهند. به هر حال، هنوز در تخصیص

بودجه به امر آموزش و پرورش مشکلاتی وجود دارد، بویژه وزارت آموزش و پرورش که هسته مرکزی

آموزش است. مشکلات اصلی تمرکز عبارتند از تأخیر، دوباره کاری و پیچیدگی توزیع بودجه به نواحی

مختلف. بخش عمده بودجه در بخش مرکزی مصرف می‌شود و باعث توزیع ناعادلانه و غیر مؤثر منابع

می‌شود.



تربیت معلم از سال ۱۸۹۲ تغییرات زیادی رامتحمّل شده است در دهه ۱۹۶۰ بود که تعداد زیادی

از مراکز تربیت معلم تأسیس گردیدند تا نیاز فوری به معلم را برطرف کنند. این گسترش از فاکتورهای ذیل

سرچشمه می‌گیرد :

- گسترش آموزش اجباری (رایگان)

- افزایش جمعیت

- دسترسی بخش بیش‌تری از جامعه به آموزش متوسطه

این توجه باعث افزایش ناگهانی تعداد معلمان گردید، هر چند که این تلاش‌ها براساس کمیت بود نه

کیفیت. در حال حاضر نگرانی درباره بهبود بخشیدن کیفیت آموزشی برنامه‌های تربیت معلم می‌باشد.

آموزش فنی و حرفه ای

سیاست‌های آموزشی

دولت تایلند اقداماتی به عمل آورده است که آموزش حرفه ای به عنوان استراتژی ملی در پیشرفت‌های

اجتماعی و اقتصادی ملی اضافه شود.

تأکید بر غیرمرکزیت بودن است. فعالیتها به طور سیستماتیک برای سنین مختلف طراحی می‌شود .

آموزش حرفه ای در آموزش رسمی و غیر رسمی فراهم شده است. آژانسهای مختلفی مانند وزارت کار و

امور اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش در آن دخیل هستند. مقاصد اصلی به شرح ذیل هستند : خلق

مهارتها، توانایی مردم جهت ایجاد در آمد بیشتر، جلوگیری از مهاجرت به شهرها ، ایجاد شغل‌های جدید .



گروه‌های هدف اصلی خانواده های محروم ، زنان خانه دار و کارگران کشاورزی هستند. در ذیل پروژه آژانسهای دولتی در آموزش حرفه ای آمده است :

پیشرفت جوانان در خلق تکنسینها . پروژه در سال ۱۹۸۹ و در محلهای کم جمعیت آغاز شد . جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله آموزش را دریافت کردند. دوره های پیشنهادی مکانیک ، جوشکاری ، الکترونیک ، حمل و نقل و بنایی بود. مدت دوره ها ۱۲۰ روز بود . در حدود ۴۵۰ نفر در سال از این پروژه استفاده کردند. دوره های آموزشی مطابق با گروه های هدف و آژانسهای مربوطه ترتیب داده می شدند. مدت دوره ها بین ۱۵ ساعت تا یک سال است. یک آژانس دولتی تأمین بودجه و سازماندهی را بر عهده دارد. دولت ممکن است با بازار یابی به هزینه های آنها کمک کند. طی سالهای ۱۹۹۴ ، ۱۹۹۶ ، ۱۹۹۷ ، ۱۹۹۸ ، ۹ / ۵۵ درصد از فارغ التحصیلان استخدام شدند. دو نوع افراد استخدام نشده وجود دارد: افرادی که در جستجوی کار هستند و افرادی که هرگز این کار را انجام نمی دهند. شاخه دوم عمدتاً شامل افرادی می گردد که ادامه تحصیل می دهند. بنابراین در صد واقعی به صورت نظیر به نظیر برای آنهایی که استخدام نشده اند ، ۱۲ ، ۵ / ۱۱ ، ۹ / ۱۱ ، و ۲۰ درصد بوده است.

توسعه آموزشی

بعد از مشاهده نیاز کشور به سیستم آموزشی فنی و حرفه‌ای، این آموزش‌ها مورد توجه قرار گرفتند. رشته‌های متعددی توسط وزارت آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه گردید. هشت سطح آموزشی در رابطه با مطالعات مهارتی دانش آموزان وجود دارد که به دانش آموزان فارغ التحصیل از دوره متوسطه ارائه می‌گردند. برنامه‌های تربیت معلم و متخصص که به دارندگان گواهینامه‌های عالی در آموزش تکنیکی و



سوابق آموزشی می‌باشند (البته درست علاقه بودن) اختصاص می‌یابد و آن را تبدیل به معلمان تکنیکی (تخصصی) در کالج (دانشگاه) و مراکز تربیت‌های حرفه‌ای می‌کنند.

توسعه آموزشی در قالب برنامه هفتم توسعه

تایلند در طول ۲ دهه اخیر شاهد تغییرات سریعی بوده است که این میزان به نظر می‌رسد در طول برنامه هفتم توسعه اقتصادی و اجتماعی (سالهای ۹۶ - ۱۹۹۲) همین طور پیشرفت خواهد کرد. تایلند از یک کشور دارای کشاورزی به یک کشور نیمه صنعتی - کشاورزی و یا حتی می‌تواند گفت صنعتی تغییر کرده است. جامعه تایلند نیز از آن حالت روستایی به تمدن شهری روی آورده‌اند. مردم تایلند که با این تغییر مواجه می‌شوند باید خود را هماهنگ کنند، پس آن‌ها به نوعی از آموزش دارند که آن‌ها را در نیازهای جدید زندگی یاری کند. این سیستم آموزشی حال حاضر باید از ۶ سال افزایش یافته و دیگر اقدام آموزشی شامل رسانه‌ها و تلویزیون نیز باید نقش خود را در این زمینه ایفا کنند شبکه‌های آموزشی حال حاضر باید تارسیدن به پوشش کامل و همگانی گسترش پیدا کنند. تمرکز زدایی در قسمت‌های اداری و مشارکت‌های بیش‌تر عمومی و مردمی باید بیش‌تر باشد.

این‌ها برنامه‌های مد نفوذ در آینده آموزشی کشور می‌باشند.

آموزش غیر رسمی

دپارتمان تحصیلات غیر رسمی وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان آژانس خدماتی مرکزی در زمینه ارائه آموزش‌های غیر رسمی فعالیت می‌کند. افرادی که در سیستم رسمی مدرسه حضور ندارند، پس از اتمام دوره‌های آموزشی معادل دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، خواهند آموخت که بخوانند و بنویسند. به این روش



آنها میتوانند کیفیت زندگی خود را ارتقاء بخشند یا به تحصیلات بالاتری دست پیدا کنند. سه راهکار اصلی برای این گونه آموزشها وجود دارند که عبارتند از: آموزش حضوری، آموزش از راه دور و آموزش به صورت خود آموزی.

آموزش عالی غیر حضوری

Sukhothai thammathirat که یک دانشگاه آزاد است، از روشهای آموزش از راه دور استفاده می کند. این دانشگاه، تحصیلات مستمر را از طریق برنامه های خودآموزی و کلاس های تلویزیونی فراهم می کند و در سراسر کشور گروه های مطالعاتی را سازماندهی می کند. برنامه های این دانشگاه شامل علوم مدیریتی، حقوق، بهداشت، اقتصاد، علوم سیاسی، هنرهای آزاد، ارتباطات، علوم کشاورزی و علوم تکنولوژی می شوند. دانشگاه Ramkhamhaeng، مدرک لیسانس را در زمینه های حقوق، تجارت، علوم انسانی، علوم پایه، علوم سیاسی، اقتصاد و مهندسی، بدون آزمون ورودی ارائه می دهد.

آموزش از راه دور

سیاستهای آموزشی

از جمله مهمترین سیاستهای حوزه آموزش آموزش از راه دور میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مطالعه رسانه ای، نشریات و برنامه های رادیویی و تلویزیونی.
- ملاقات گروهی به مدت حداقل سه ساعت در هفته.
- شرکت در فعالیت های گروهی برای ارتقاء کیفیت زندگی.
- ارزیابی نتیجه آموزشها در طول ترم و در پایان آن.



• جستجوی اطلاعات از طریق رسانه ها و نشریات

ساختار کلی

آموزش از راه دور در تایلند قدمت دارد. به خصوص رادیو که توسط وزارت آموزش و پرورش و دیپارتمان روابط عمومی، در این جهت، استفاده می شود. گسترش دیگر راههای آموزش باعث شده است که مناطق دور افتاده هم به آموزش دسترسی داشته باشند. شبکه های آموزشی زیادی در روستاها و این مناطق به راه افتاده است. این شبکه ها بوسیله بخشهای دولتی و خصوصی اداره و حمایت می شوند. در ادامه راجع به این بحث خواهیم کرد:

بهره گیری از ابزاراطلاعات آموزش از راه دور

استفاده از انتشار اطلاعات و آموزش از راه دور، از طریق رادیو، تلویزیون، نشریات و ماهواره، مدتی است که توسط بخشهای خصوصی و دولتی پذیرفته شده است. آموزش از راه دور برای مردمی که در مناطق دور از دسترس هستند بسیار مهم است.

دولت از طریق وزارت آموزش و پرورش ۲۰ سال است که رادیو را جهت آموزش به کار می برد. ابتدا برنامه های رادیویی مانند برنامه های آموزشی رسمی تهیه می شد.

در طی ۱۹۸۴-۱۹۷۸ تایلند رادیو آموزش تایلند را بنا نهاد.

با حمایت بانک جهانی در ۱۹۸۵ آن شروع به کار کرد. این ایستگاه با هدف آموزش رسمی و غیر

رسمی بوجود آمد. بعلاوه برنامه های علمی در آن وجود دارد که به عموم مردم پندها و اندرزهایی را جهت



زندگی بهتر میدهد. دولت همچنین به تمام ایستگاه های رادیویی و تلویزیونی اجازه پخش برنامه های علمی را داد .

رادیو : حداقل ۲۵٪ کل زمان روزانه به آموزش و اخبار تعلق دارد و حداقل ۱۵ دقیقه در هفته برنامه مذهبی .

تلویزیون : برنامه های علمی و اخبار حداقل ۱۵٪ هستند. حداقل ۳۰ دقیقه در روز متعلق به برنامه های کودکان است.

تحقیقی که در مورد ایستگاه های رادیویی در شش ایالت انجام شدنشان داد که شنوندگان از نظر خوبی برنامه ها را به ترتیب ذیل دسته بندی کردند :

برنامه های دانشگاه آزاد

برنامه های آموزش رادیویی جهت مدارس ، کشاورزی ، بهداشت و دانش زندگانی .

رسانه های نوشتاری : این رسانه ها شامل موضوعات فنی / اطلاعاتی ، روز نامه ها و هفته نامه ها و

مجلات خارجی زبان تایلد می گردند. از تحقیقات معلوم گردید که ۱۸۰ عنوان نشریه توسط بخش خصوصی و ۱۶۵ عنوان نشریه توسط ایالات انتشار مییابد .

این نشریات موضوعاتی مانند ذیل را در ستونهای خود ارائه می کنند : خانواده ، بهداشت ، علوم ،

تکنولوژی و غیره . بعضی از این نشریات ، نشریاتی تخصصی هستند .

ماهواره : گسترش آموزش از راه دور دولتی باعث بوجود آمدن مرکز آموزش ماهواره ای در ۱۹۹۴ شد

. گروههای هدف شانس یکسانی در آموزش داشتند. سپس آموزش از راه دور کشور به سه شاخه تقسیم شد:



الف) آموزش از راه دور غیر رسمی در تطابق با آموزش غیر رسمی از ابتدایی تا متوسطه، با تأکید بر

استفاده جوانان و افرادی که موقعیت آموزشی را از دست داده اند

ب) آموزش از راه دور رسمی برای ابتدایی تا متوسطه با تأکید بر کیفیت و استاندارد بودن برنامه های

آموزش از راه دور

ج) آموزش از راه دور غیر رسمی برای علایق دانش آموزان با هدف بوجود مهارت و دانش برای

زندگی روزانه

به علاوه بنا نهادن ایستگاه ماهواره ای، یک ایستگاه تلویزیونی هم در ۱۹۹۶ بنا شد تا برنامه های

آموزشی چند مدرسه را در کل کشور پخش کند. در حال حاضر ۱۵۰۴ مدرسه در پروژه شرکت

میکنند. گسترش شبکه های آموزشی در طرح گسترش ملی هفتم گنجانده شده است. سیاست این کار با

هدف گسترش شبکه ها جهت ارتقای سطح دانش و تواناییهای مردم است. همکاری بین بخش خصوصی

و دولتی در این مورد باید مورد تشویق قرار گیرد. مدرکی دال بر این وجود دارد که در سال

۱۹۹۰، ۲۵ مرکز وجود داشت در حالی که در ۱۹۹۶، ۷۸۹ مرکز وجود داشت. مراکز با هدف آموزش غیر

رسمی و انتشار خوب آن بوجود آمدند. مراکز اغلب در معابد، مساجد و زمینهای وقف شده بوجود

آمدند. در حال حاضر این مراکز نقش مهمی را در حمایت و مدیریت جامعه آموزشی بازی می کنند. اینها

برای این بنا شدند که به جامعه اجازه بیشتر تصمیم گیری جهت آموزش را بدهند. مراکز همچنین

آموزشهایی در طول زندگی برای دانش آموزان را فراهم می کنند. این مراکز ممکن است نامهای مختلفی

داشته باشند و در محلهای متفاوتی بنا شده باشند .



آموزش بزرگسالان

مسئله آموزشی بزرگ سالان و افراد محروم از برنامه های آموزشی در سال ۱۹۴۰ در تایلند مطرح گردید. این تلاش ها در هر دو بخش یعنی سواد آموزی و هم مهارت های حرفه ای ارائه گردید و بیشترین مخاطبان آن کسانی بودند که از آموزش و یادگیری دور بوده اند.

تعداد زیادی از مردم فرصت تحصیل کردن در زمان مناسب را پیدا نمی کنند. این مورد باعث شده است که EFA به هدف خود نرسد. تایلند، این گروه مردم را از یاد نبرده است. تایلند برای اینکه این مردم بتوانند از آموزش های غیررسمی استفاده کنند، سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای انجام داده است. بخش آموزش های غیررسمی (DNFE). وزارت آموزش و پرورش، هسته مرکزی مدیریت کیفیت این نوع آموزش ها را تشکیل می دهد که از طریق آن هر شهروند تایلندی از آموزش های با کیفیت مادام العمر متناسب با توانایی ها و نیازمندیهایش برخوردار می گردد. این سرویس های آموزشی برای کلیه گروه های هدف ارائه می شوند که عبارتند از:

بزرگسالان، نظامیان، نظامیان حین خدمت و غیره.

سرویس های ارائه شده چند منظوره هستند یعنی شامل آموزش های کاربردی پایه، ادامه آموزش های عمومی، مهارت آموزی و آموزش های غیررسمی با تمرکز بر آموزش از طریق همه انواع رسانه های جمعی، ماهواره، رسانه های الکترونیکی، کتابخانه های عمومی، مراکز آموزشی شهری و روستایی و غیره می شوند. بودجه بخش آموزش و پرورش غیررسمی، هر ساله افزایش یافته است و از ۱۳۸۴/۴ میلیون baht در سال ۱۹۹۲، به ۲۸۹۶/۷۶ میلیون baht در سال ۱۹۹۹ رسیده است. این مقدار برابر ۰/۰۵ درصد



GNP است که عملاً بخش کمی از آنرا تشکیل می‌دهد. به هرحال نتیجه کار بخش آموزش و پرورش غیررسمی شدیداً راضی‌کننده بوده و حتی از اهدافی که توسط این بخش در نظر گرفته شده بودند نیز فراتر رفته است. DNFE به طور مستمر توسعه نظارت و شبکه‌سازی خروجی‌های مختلف NFE و گروه‌های هدف را انجام داده است. در سال ۱۹۹۴، اعضای این گروه‌های هدف ۲٫۱ میلیون نفر بودند و در سال ۱۹۹۵، این تعداد به ۳ میلیون نفر افزایش یافتند.

سیاستهای آموزشی

تشویق افراد بزرگسال به سوادآموزی، اولویت اصلی آموزش پایه قلمداد می‌شود. بنابراین دولت، سیاستی برای پوشش گسترده آموزش‌های پایه در روش‌های مختلف برای تأمین نیاز گروه‌های هدف مختلف در نظر گرفته است تا نرخ سواد به سطح قابل قبول خود برسد.

نرخ سواد کارکردی

سواد کارکردی شامل تشویق به سوادآموزی شامل آموزش‌های مهارتی و دانش‌درباره در آمد است. این نظریه بر این اساس شکل گرفته است که سواد، از زندگی و درآمد و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن که امکان زندگی شاد در اجتماع را به مردم می‌دهد، مجزا نیست. این روند با استفاده ابزاری از سواد صورت می‌گیرد. یکی از اهداف اصلی برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی ملی هشتم بیان می‌کند که توسعه توانایی‌های مردم در تفکر منطقی و سواد کارکردی به معنی داشتن توانایی خواندن و نوشتن و محاسبه است که به کار حل مسائل می‌آید، افرادی که قادر باشند به این سطح توانایی دست یابند، باید حداقل ۶ تا ۱۵ سال را در مدرسه بگذرانند. بنابراین سواد کارکردی به افرادی مربوط می‌شود که حداقل ۶ سال



را به طور رسمی یا غیر رسمی در سیستم مدرسه گذرانده اند. طبق آمار سال ۱۹۹۲ مربوط به کودکان و جوانان و اطلاعات جمع آوری شده از جمعیت بالای شش سال درباره بالاترین سطح آموزش هایی که در یافت کرده اند، فقط ۹/۵۱ درصد جمعیت ۱۲ تا ۵۰ ساله های کشور دارای سواد کار کردی بودند. به هر حال این آمار تا سال ۱۹۹۷ به ۳/۵۷ درصد رشد پیدا نمود. به علاوه دپارتمان تحصیلات غیر رسمی، دوره های آموزشی ویژه ای را برای موارد خاصی چون آموزش حین خدمت ارتش و کارکنان صنایع و کارخانجات سازماندهی کرده است. تأکید بر کسانی است که دوره آموزش اجباری خود را به پایان نرسانده اند و کسانی که قادر به خواندن و نوشتن نیستند. هدف این کار، قادر ساختن آنان به خواندن و نوشتن و حل مسائل است.

نرخ سوادآموزی طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸

آمار سال ۱۹۹۰ دفتر آمار ملی نشان میدهد که تعداد افراد بالای شش سال با سواد برابر ۴۵۵۳۹۱۱۱ تا ۷۲/۹۲ درصد بوده و آمار مردان با سواد، اندکی بیشتر از زنان بوده است. نرخ سواد در بین مردان برابر ۴۷/۹۴ درصد و در بین زنان ۲/۹۱ درصد بوده است. نرخ سواد در جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله ها برابر ۱۲/۹۸ درصد برآورد شده که این آمار برای مردان برابر ۴۳/۹۸ درصد و برای زنان برابر ۸۱/۹۷ درصد بوده است.

آمار سال ۱۹۹۴ دفتر آمار ملی درباره مواد نشان داد که از جمعیت بالای ۶ سال کشور، ۴۶۹۳۲۳۰۰ نفر یا ۵/۹۱ درصد با سواد بوده اند که این آمار برای مردان برابر ۶۷/۹۳ درصد مرد و برای زنان ۳۸/۸۹ درصد بوده است. ۲۸/۹۳ درصد افراد بالای پانزده سال کشور نیز با سواد بوده اند که از این آمار ۰۷/۹۶ درصد مرد و ۵۷/۹۰ درصد زن بوده اند. نرخ سواد در جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله های کشور نیز ۵۷/۹۸



بوده که ۶۷ / ۹۸ درصد آن مربوط به مردان و ۴۷ / ۹۸ در صد مربوط به زنان بوده است. اطلاعات دیپارتمان توسعه جامعه وزارت داخلی نشان داد که در سال ۱۹۹۸، ۷ / ۹۷ درصد جمعیت ۱۴ تا ۵۰ ساله های کشور (به استثنای کسانی که ساکن بانکوک بودند) قادر به خواندن و نوشتن زبان تایلندی بودند ، این رقم از هدف تعیین شده برای استان ارد کیفیت زندگی (۹۹ درصد) پایین تر بود، مناطقی که نرخ سواد در آنها بیشتر از این هدف بود عبارت بودند از: مناطق مرکزی و شمال شرقی، در مناطق شمالی و جنوبی ، نرخ سواد هنوز پایین تر از هدف است .

آموزش ویژه محرومین

با وجود این که به نظر میرسد که آموزش های پایه بویژه در بخش تحصیلات اجباری از نظر کمی پیشرفت هایی داشته است ، هنوز مردمی هستند که از نظر دستیابی به امکان تحصیل کمبود دارند ، یا اصلاً این امکان برای آنها وجود ندارد. در سال ۱۹۹۸، ۳۲ / ۹۱ درصد کل جمعیت دارای شرایط سنی مدرسه یعنی ۶ تا ۱۱ سال از امکان تحصیل بر خوردار شده اند. ۶۸ / ۸ درصد بقیه حدوداً ششصد هزار نفر هستند که امکان دریافت آموزش و پرورش اجباری را نداشته اند. این کودکان از نظرهای مختلفی محروم هستند مثلاً: معلولین، آنهایی که در نواحی دور افتاده زندگی می کنند ، کودکان خیابانی ، کودکانی که ملیت ندارند و آنهایی که فرهنگی متفاوت دارند.

نهادهای مرکزی

آژانسهای مختلفی برای کمک به محرومین اقتصادی و اجتماعی تلاش میکنند. بعضی از این آژانسها

عبارتند از:



- بخش آموزش عمومی، دفتر کمیسیون ملی آموزش و پرورش ابتدایی
- بخش آموزشهای غیررسمی، دفتر کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی
- بخش رفاه عمومی، دفتر پلیس ملی و خیلی نهادهای غیر دولتی دیگر ...

طبق نظر دپارتمان آموزش و پرورش عمومی (بخش آموزش و پرورش استثنایی)، کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی، دفتر ملی پلیس (گشت مرزی) دپارتمان رفاه عمومی (بخش رفاه کودکان و جوانان)، تعداد کودکانی که برای حضور در مدرسه از سطح پیش دبستانی تا راهنمایی مورد حمایت قرار گرفته اند، از ۳۳۱۹۹ نفر در سال ۱۹۹۰ به ۵۹۹۰۸ نفر در سال ۱۹۹۸ رسیده اند، که این روند که به طور مداوم رو به رشد بوده است، ۸۰ درصد رشد را در این سالها نشان می دهد. تعداد کودکان این گروه که در رده پیش دبستانی تحصیل می کنند از ۲۱۷۹ نفر در سال ۱۹۹۰ به ۹۰۰۲ نفر در سال ۱۹۹۶ رسیده و به عبارتی ۳۱۳ درصد افزایش داشته است. این رقم در رده ابتدائی از ۳۷۸۳۹ نفر در سال ۱۹۹۰ به ۳۹۶۷۶ نفر رسیده و پنج درصد افزایش داشته است. در رده راهنمایی نیز از ۳۱۸۱ نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱۱۲۳۰ نفر در سال ۱۹۹۶ رسیده یا ۲۵۳ درصد افزایش داشته است. اطلاعات فوق الذکر نشان میدهند که هر سال در کیفیت خدمات ارائه شده به محرومین توسط آژانس های مسئول، ارتقاء وجود داشته است. کودکانی مثل کودکان خیابانی که زیرپل ها یا در ایستگاه های اتوبوس به سرمیروند، هنوز از فرصت ورود به سیستم مدرسه محرومند. سازمانهای غیردولتی که در گوشه و کنار کشور قرار دارند، در تلاشند که موقعیتی را فراهم کنند که این کودکان به امکان تحصیل دست پیدا کنند. تحصیلاتی که این سازمانها فراهم میکنند در سه شاخه ارائه میشوند تحصیلات انتخابی که در آن دانش آموزان میتوانند دروسی را با توجه به علایق و



استعدادهایشان انتخاب کنند. اصلاحات رفتاری آنان بعدها به روشی طبیعی صورت خواهد گرفت، مثلاً از طریق مدارس روستایی، مدارس کارخانه ها و ...

آموزش های فعال که در این روش، معلمین، به دنبال کودکانی که در مراکز عمومی مانند پارکها، زیرپل ها، و ترمینالهای اتوبوسرانی سرگرداند میگردند. این معلمین خیابانی، کودکان خیابانی را مییابند، با آنها دوست میشوند و به آنان پیشنهاد میدهند که: در خانه های مهیا شده توسط زندگی کنند، شغلی بیابند، به مدرسه بروند یا به خانه برگردند. چنین پروژه هایی شامل مراکز پرورش کودکان و جوانان، و معلمین سیار هستند. آموزشهای غیر رسمی که در آنها و بخش در فراهم کردن آموزش برای کودکان، بویژه آنهایی که کار میکنند یا جوانان ۱۴ تا ۲۵ ساله ای که در مناطق دور افتاده زندگی میکنند، همکاری مینمایند. به هر حال، هنوز به خاطر نبود پایگاه های اطلاعاتی مناسب و یک نقطه متمرکز اطلاعات درباره گروه های هدف دوباره کاری وجود دارد. علیرغم همکاری بخشهای عمومی و خصوصی، بعضی کودکان هنوز هم از چنین خدماتی محروم می مانند. بنابراین هنوز تقویت سیستم آموزشی غیر رسمی مورد نیاز فوری است بویژه در سطح تحصیلات پایه.

هدف این امر فراهم کردن فرصت های تحصیلی بیشتر و ارتقاء سطح آموزش عمومی مردم است.

آموزش زنان

تاریخچه

بی دی کاستا اکنون کاندیدای دکترای انسان شناسی در دانشگاه هاوایی، مانو است. علایق وی شامل

جنس، حرکت های اجتماعی، زنان بومی و تغییرات اجتماعی در تایلند و آسیای جنوب شرقی هستند.



در حالیکه تاریخ آموزش در تایلند موضوع خوبی برای تحقیق مولفان بسیاری است به خصوص در رابطه با ملی گرایی و مدرنیزه کردن، اما این تنها یک تاریخ مختصر است. چون این تاریخ اساساً متحول در (رشد) آموزش مردان تایلند به ثبت رسانده است. انگار که نشان دهنده تجربیات زنان تایلند بی هم است. این درحقیقت این گونه نیست. در یک امتحان کاوش مانند ادبیات تاریخی من دریافتم که تاکید بیش تر بر روی آموزش افراد سلطنتی و اشراف بود به خصوص در ارتباط با اهمیت بروکراسی تایلند و مرکزیت دولتی تحت سلطنت شاه چولالونگورن. بنابر این در بسیاری موارد زنان در تاریخ تایلند نمایان بزرگی بوده اند. برای مشخص کردن یک تاریخ احتمالی از آموزن زنان برای تکمیل آموزش مردان لازم بود که بر منابع اصولی شامل آموزش، مطالعات تاریخ، انسان شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و جمعیت استوار است. کتابی تحت عنوان تاریخی از آموزش تایلند که توسط وزارت آموزش و پرورش تایلند بیش تر شده است بیش تر به مسائل جنس در تاریخ آموزش تایلند حساس است. این ممکن است نتایج حقیقی باشد که اکثریت اعضای کمیته که کتاب را تالیف کردند زنان تایلندی بودند : ۹ نفر از مجموع ۱۳ نفر.

آن چه در زیر می آید تلاش اولیه برای نشان دادن تحول آموزش فرمال برای زنان در جامعه تایلند است تا واسطه ممکن که آموزش به خصوص آموزش سوم با توسعه فعالیت های سیاسی زنان در دوره معاصر دارد را کشف کنند. من به دنبال نشان دادن این موضوع هستم که دستاوردهای مهم آموزش سوم توسط زنان طبقات متعدد جامعه که تاثیری بر سیاسی کردن گسترده زنان داشته اند و حداقل نقش اندکی در ساختار سازمان ها و انجمن های متعدد جامعه مدنی که پتانسیل دارند و ایفا کرده اند و در بسیاری موارد در موضوعات جهانی با اهمیت فراوان تحول در آینده شرکت کرده اند را روشن سازیم. با این وجود دو نقطه نظر مخالف مهم در مورد آموزش در تایلند وجود دارد و این در ارتباط با قابلیت کتاب خانه ای است.



آموزش توسط برخی از مؤلفان به عنوان تکنولوژی انطباطی ملی گرایي مورد نظر است که افراد را وارد بیانیه‌های داخلی هویت ملی تایلندی می کند.

در حالی که برای آموزش سایرین وسیله‌ای بهبود بخش و مقاومتی در برابر ساختارهای بزرگ تر مقامات اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته می شود. در حالی که هم بحث‌ها به اندازه مساوی معتبر هستند و هم شاید در بحران قایل اهمیت می باشند. باید ادعا کنم که موقعیت دوم ارتباط بیش تری با موضوع زنان تایلندی در زمینه تلاش‌های سیاسی اخیر دارد. بنابر این سن این مقاله را با بازنگری مختصری در موقعیت تاریخی توسعه سیستم آموزشی تایلند و شعبه‌های منتج در مورد زنان شروع کردم. چون بیش تر موضوع مورد توجه (به عنوان مثال بانگوک) کلی گرایي و مقایسه‌های آموزش در استان‌ها نیز بسیار مشعل است. با این وجود چون من علاقمند به آموزش زنان به عنوان موضوعی کلی و مرتبط با مشارکت سیاسی آن‌ها هستم. تلاش می کنم تا اطلاعات لازم در این مورد و مثال‌هایی را از نواحی روستایی در صورت ممکن فراهم آورد. این بخش باز توسط یک بحث کوتاه در مورد جنبه‌های مخالف و لیبرالی آموزش رسمی در زمینه تایلند دنبال می شود. موقعیت کنونی فعالیت سیاسی زنان و سازماندهی آن‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. و به صورت خلاصه، در ارتباط با بحث‌های بعدی می باشد.

از نظر تاریخی، آموزش رسمی مزیت مردان تایلندی بوده است. در طول دوره قبل از مدرنیته کردن

کشور دو نوع آموزش وجود داشت :

❖ آموزش موسسه‌ای سلطنتی برای شاهزادگان و فرزندان اشراف

❖ آموزش مذهبی و خانوادگی در معابد و خانواده‌ها.



هم مردان برجسته دولتی و هم کشاورزان فرصت مطالعه در معبد محلی را به‌عنوان نیازی ضروری جهت ورود به معبد خانه داشتند. در معابد مردان زبان مذهبی و مقدس پالی (pali) و سانسکریت را یاد می‌گرفتند تا متن‌های بودایی را بخوانند و متن‌های مذهبی را یاد بگیرند. آن‌ها هم چنین تجربه لازم در زمینه‌هایی مانند نجوم، پزشکی، شاعری و قانون گمرکی را می‌گرفتند. با این وجود همان گونه که زنان از آموزش معابدی با توجه به جنس محروم بودند. آن‌ها از آموزش در معبد محروم بودند و در نتیجه از دسترسی به دانش گسترده با ارزش مذهبی و اجتماعی منع می‌شدند. زنان دانش‌های ویژه مربوط به دنیای زندگی خود داشتند به‌عنوان مثال در ارتباط به خانه و تربیت کودکان، بازار، شرکت در دنیای بزرگ اجتماعی مردان. توجه به تمایزهای کلاسی در زمان بحث در مورد ((زنان)) در تایلند بسیار مهم است. چرا که آن‌ها بدون هیچ روشی گروهی هم جنس هستند. در این مقاله ((کلاس)) اولاً به تمایز بین افراد اشرافی (سلطنتی و درباری) و افراد عادی (کشاورزان) باز می‌گردد. چرا که تایلند به‌عنوان جامعه‌ای با روابط اجتماعی سلسله‌مراتبی (برتر و فرمانبردار) شناخته شده است. این تمایزات حقیقتاً نیازمند بحث و تحلیل هستند. تقسیمات بیش تری بایستی برای گنجاندن طبقه و کلاس بازرگانان نیز صورت گیرد (به خصوص چینی‌ها) و هم چنین بردگان (گر چه برده داری در زمان شاه چولانوک کرن ۱۹۱۰-۱۸۶۸) لغو شد. با این وجود چون اطلاعات در مورد این دو گروه آخر کم است، تنها اشاره‌های مختصری به آن‌ها خواهد شد. به‌دلیل طبیعت سلطنتی خود بیش تر تاریخ تایلند بر افراد اشراف و بزرگزاده متمرکز است. به‌عنوان مثال پرسنل دارمرونگ را جانوب‌هاب (۱۹۴۳-۱۸۶۲) درباره آموزش شاهزادگان و پرسنل‌های دریایی در دوره آیوتهایا کتابی نوشت. طبق نظر وی پسران و دختران در زیر نظر یک معلم زن در کاخ سلطنتی درس می‌خواندند.



زمانی که کودکان به سن هفت سالگی می رسیدند آن‌ها طبق جنس مونث و مذکر تقسیم می شدند و پسران با معلم مرد و دختران با معلم زن درس می خواندند. در سن سیزده سالگی پرسنل‌ها شروع به آموختن بودایی و سایر مطالب مانند سیاست می کردند. پرسنل‌ها در سن یازده سالگی به مطالعه اخلاقیات و امور داخلی می کردند و برای رسیدن به ((خانم‌های برجسته)) آموزش می دیدند. واضح است، زنان برجسته آموزش رسمی می دیدند که چگونه به امور خانواده رسیدگی کنند. از سوی دیگر زنان روستایی که اکثریت زنان تایلند بودند، اساساً هیچ فرصتی برای آموختن و خواندن نداشتند مگر این که یکی از افراد مرد خانواده به آن‌ها آموزش می داد. این که مرد خاصی این کار را بر عهده می گرفت یا نه در پرده ابهام است. سرجان بورینگ نقش زنان تایلندی را در قرن نوزدهم این گونه توصیف می کند :

آموزش زنان سیامز (Siamese) خیلی کم پیش رفته بود. بیش تر آن‌ها موسیقی دان خوبی هستند. اما شغل اصلی آن‌ها امور خانه داری است : آن‌ها اغلب به عنوان مسئولان قایق‌ها بر روی مینام دیده می شوند. معمولاً غذا و لباس را در بین بچه‌ها تقسیم می کنند. و با دسته گل و میوه در معابد حضور می یابند. در روستا آن‌ها مشغول فعالیت‌های کشاورزی هستند. به ندرت به سوزن زنی می پردازند. با پایان قرن نوزده، تایلند وارد دوره‌ای شد که ملت عواقب بحرانی زیادی در آموزش متحمل شد. دوست تایلند اعلام کرد که مدارس وات (معبد) و مدارس فراسیونری (که از سال ۸۴۸ وجود داشتند) دگر برای فراهم آوردن نیازهای دولت در حال رشد بروکراسی مدرن کافی نیست. برای حفظ قدرت‌های مستعمری بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده و لهستان تایلند، تایلند باید مدرنیزه و قدرت خود را ثابت می کرد. مطلبی که توسط وزارت آموزش و پرورش چاپ شد احساسات این دوره ملی سازی را نشان می دهد. در این زمان سه نوع مدرسه به همراه مدارس معبدی وات (Wat)، مدارس فراسیونری، مدارس چینی و مدارس سلطنتی وجود



داشت. در سال ۱۸۸۹ وزارت آموزش و پرورش توسط شاه چولا لونگ کورن تاسیس شد و این درحقیقت سازماندهی سازمان آموزش عمومی بود. این عمل کنترل آموزش را از نمایندگان خارجی گرفت و بروکراسی تمام‌تایلند را با تاسیس ۱۲ وزارت در دولت جدید، بازسازی نمود. شاه چولا لونگ کورن پرنس واچیران را مامور انجام ((برنامه سازماندهی آموزش استانی)) خود در سال ۱۸۹۸ کرد. این طرح به مدارس وات (Wat) سنتی نقش دیگری داد: آموزش برنامه‌های درسی نویس.

یک سیستم آموزشی مرکزی و واحد با کتاب‌های استاندارد، برنامه درسی و زبان تدوین شد. بدون شک این تلاش برای هم‌جنس کردن عموم قدم مهمی در شبیه کردن گروه‌های فرهنگی فیزیکی و ایدئولوژیکی بود. این مدارس تلفیقی تنها پسران را می‌پذیرفتند، چون که پرنس واچیرایان تصمیم گرفت که آموزش دختران را تا زمان دیگری به عقب بیاورد. مدارس پسرانه تا سال ۱۹۲۱ هم متداول بود. چینی‌ها و افراد خانواده‌های غیر اشراف فرصتی یافتند تا با تاسیس این مدارس پیشرفت کنند چون که این مدارس برای گروه‌های متعدد مردان در اواخر قرن موجود بود. مردان عادی هم چنین برای کار دفتری استخدام می‌شوند و برای آموزش بهتر به خارج فرستاده‌ای می‌شدند. در سال ۱۹۱۵ دولت طرح آموزشی دیگری را با هدف فراهم آوردن موفقیت‌های آموزشی برای دختران شروع کرد. اما نقطه نظرات فرهنگی نافذ این حرکت را به دلایلی کند می‌کرد. اول، اکثریت عموم هنوز اعتقاد داشتند که زنان باید از خانه و خانواده مراقبت کنند و کتاب خوانی برای دختران مناسب نیست. دوم اکثریت مدارس در مناطق استانی قرار داشتند و مردم فکر می‌کردند که حضور زنان در فضاهای مذهبی مردانه نادرست است. سوم، کمبود معلم به خصوص در نواحی استانی این مشعل را برای دختران روستایی ایجاد می‌کرد که نتوانند آموزش‌های رسمی ببینند. چارلز کیز می‌گوید که تا برخی زنان در جامعه شهری قبل از مدرنیزه شدن با سواد بودند اما زنان روستایی اغلب بدون



استثنا تا بعد از آموزش مقدماتی اجباری بی سواد بودند. این در سال ۱۹۲۱ اتفاق افتاد که آموزش اجباری جهانی برای ۴ سال مورد مقدماتی یک نیاز قانونی برای دختر و پسر تمام طبقات اعلام شد. بین ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵ تعداد دانش‌آموزان مونث در تایلند از ۷٪ به ۳۸٪ افزایش یافت. از دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ توسعه قابل توجهی در سیستم آموزش صورت گرفت گرچه اطلاعات ویژه‌ای وجود ندارد. طبق کیز (keyese) طی سال ۱۹۳۰ سیستم آموزش ملی وارد مناطق روستایی تایلند و طبق سایر مدارک در بانکوک شد. اما اطلاعات آموزش کمی از دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ آشنا می‌سازد. جالب است که تفاوت‌های بین دستاوردهای آموزشی مردان و زنان در این دوره مورد توجه قرار گیرد چرا که زنان دستاوردهای مهمی بر اساس اطلاعات ما از دهه ۱۹۶۰ به بعد به دست آوردند. از دهه ۱۹۶۰ کنترل دولت در مناطق دور دستیابی از طریق شاهراه‌های جدید، رسانه‌ای و بصری (تلویزیون و رادیو) زیاد شد و بروکراسی از مراکز بعضی بانکوک گسترش یافت. در نواحی روستایی هزاران مدرسه ساخته شد و تا دهه ۱۹۷۰ بیش‌تر کودکان، پسر و دختر. ۴ سال آموزش اجباری را می‌دیدند. موج جدیدی از سرمایه‌گذاری کلان مطابق با دوره ویتنام وارد مناطق روستایی شد. آموزش دوره سوم برای به دست آوردن اهمیت در دهه دوم قرن نوزدهم در تایلند شروع شد و منجر به آثار گسترده‌ای بر جامعه تایلندی و جمعیت مرد و زن شد. اولین موسسه آموزش دوره سوم یعنی دانشگاه چولالنگ کورن در سال ۱۹۱۷ تاسیس شد. هدف اول آن آموزش افرادی بود که در سیستم مدرسه‌ای متمرکز جدید برای کار در نمایندگی‌های دولت تایلند تحصیل کرده بودند. ۵ سال بعد در سال ۱۹۳۲ سه نفر از آن‌ها با مدرک لیسانس (B. A) در پزشکی فارغ‌التحصیل شدند. در همین سال بود که سلطنت تایلند در زمان پادشاهی شاه پراجاد هیپاک (priachhipok) توسط یک کودتا در دموکراسی پارلمانی متوقف شد. در سال ۱۹۳۲ زنان تایلندی حق رأی پیدا کردند منتها ۱۱



سال بعد از این که آموزش اجباری یک زمان قانون شده بود. با ارزیابی این عمل از نظر استراتژیکی ضروری بود که دولت تایلند زنان را نه تنها برای اثبات این که تایلندی‌ها مدرن و پیشرفته بودند بلکه برای سازماندهی فکر زنان برای رسیدن به هم شهری شدن تایلندی آموزش دهد. چون زنان نقش مهمی در اجتماعی کردن کودکان داشتند. دولت نیازمند اطمینان از این بود که مادران این نسل‌های بعدی را شکل می‌دهند و هم شهریان تایلندی خوبی تولید می‌کنند، اگر زنان در طرح جدید گنجانده نمی‌شدند به خصوص در روند ملی - سلطنتی - مذهبی، ممکن بود که آن‌ها تهدیدی برای قدرت دولت و تصویر ملی در زمینه بین‌الملل به شمار می‌آمدند. بدون آموزش زنان نشان‌دهنده عقب ماندگی سنتی بودند. در حالی که جانشینان شاه چولالونگ کورن می‌خواستند جنبه‌های دیگری از فرهنگ سنتی تایلندی را برقرار سازند. آن‌ها در سیام (Siam) خواستند تا به اندازه سایر نیروهای اروپایی مدرن و پیشرفته تلقی شود. در یک سطح بر اساس اهداف طولانی مدت آن‌ها برای اثبات رشد و توسعه آن‌ها، رهبران تایلند انتخاب کمی در فراهم آوردن آموزش رسمی برای زنان به علاوه سایر دختران روستایی داشتند. مشخص نیست که آیا هیچ فعالیتی بین کشاورزان یا فشار طبقات بالاتر برای شروع آموزش زنان هر طبقه اجتماع بوده است یا نه. چون ساختار تاریخی تایلند از نظر سنتی و ملی مورد توجه بوده است معمولاً فعالیت‌های اکثریت به خصوص زنان تحت الشعاع قرار می‌گرفته است. بنابراین دانستن این که آیا هیچ فعالیت اجتماعی در مقابله با دولت وجود داشت تا آموزش فراهم گردد، بسیار مشکل است. هم چنین اندازه‌گیری و محاسبه این که سازماندهی گروهی بین زنان صورت گرفته یا نه ساده نیست. ساپا اونالوم دانگ (Sapaunalom Daeng) بود که از آن به بعد سازمان صلیب سرخ جهانی شد. دارونی و پاندی ادعای وجود یک ضرورت مختصر اشتیاق جدید بین طبقه تحصیل کرده قبل از انحلال سلطنت در سال ۱۹۳۲ را دارند. در مجله‌های زنان



وروزنامه‌ها مباحثی دربارهٔ علاقه و تمایل به دستیابی به حقوق مساوی با مردان وجود داشت. اما سازمان‌های مربوط به زنان تا بعد از انقلاب ۱۹۳۲ وجود نداشتند. با این وجود کرچه دارویی دپانندی ادعا کردند که گروه‌هایی از زنان تحصیل کرده و برجسته بعد از دورهٔ دموکراتیک سال ۱۹۳۲ تشکیل شدند اما آن‌ها مثال‌های زیادی ارائه نمی‌دهند. تحصیلات تکمیلی از دهه ۱۹۶۰ به بعد پیشرفت کرد. با تاکید گسترده بر توسعه منطقه‌ای در تایلند اولین دانشگاه منطقه‌ای در چیانگ مای در سال ۱۹۶۰ بازگشایی شد. طرح دانشکدهٔ خصوصی که اجازهٔ تاسیس دانشکده‌های خصوصی و دانشگاه‌های خصوصی را می‌داد در سال ۱۹۶۹ تصویب شد در سال ۱۹۷۱ دانشگاه را مخانهانگ اولین دانشگاه آزاد تایلند تاسیس شد. این به دین معناست که تایلندی‌های بیشتری بدون توجه به موقعیت اجتماعی می‌توانستند به سطوح آموزش دانشگاهی برسند و قدرت خرید کتار و زندگی در تایلند را ببینند، یک چارت آماری که توسط وات (Watatt) فراهم شده نشان می‌دهد که از ۱۹۳ تا ۱۹۴۷ یک افزایش ۲۵ درصدی در سواد زنان و تا ۱۹۶۰ یک افزایش ۲۰/۹ درصد و تا سال ۱۹۷۰ یک افزایش ۱۳/۸ و در مجموع یک افزایش ۷۴/۸٪ درصدی در سواد زنان صورت گرفته است. تعجب آور نیست که از دهه ۱۹۷۰ تا کنون توسعه‌های گسترده‌ای در آموزش زنان و حقوق عمومی زنان وجود داشته است. بین سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۲ تعداد دانشگاه‌های تایلند از ۵ به ۱۷ و تعداد دانش‌جویان ثبت نام کرده از ۱۵۰۰۰ به ۱۰۰'۰۰۰ افزایش یافته است.

تا سال ۱۹۷۲ آموزش سطح سوم هنوز برآماده سازی افراد به خصوص مردان برای خدمات مدنی تمرکز داشت. برای اولین بار در تاریخ تعداد زیادی از دانش‌جویان دانشگاهی از شهرهای کوچک و با موقعیت اجتماعی پایین می‌آمدند. این شاید تا حدودی به دلیل فاصله زمانی مدارس مقدماتی در نواحی روستایی باشد. در همین زمان بود که فعالیت‌ها و سازمان‌های سیاسی گروه چپ توسط دولت متوقف و



بسته شدند. دانشجویان شروع به مقابله با برنامه درسی دولت کردند و فرضیات زیادی را در باره جامعه مورد سوال و بررسی قرار دادند. تظاهرات دانشجویی سال ۱۹۷۳ منجر به انقلاب ۴ اکتبر در تایلند شد. امیدواری جدید ایجاد شده به وسیله دانشجویان و موفقیت آنها منجر به تغییرات گسترده‌ای در سیستم دانشگاهی و ساختار بروکراسی و قضایی شد. این مطلب ایجاد یک قانون جدید که در سال ۱۹۷۴ تصویب شد را شامل می‌شد که تساوی زن و مرد را تضمین می‌کرد. با این وجود درست وقتی که بخش سیاسی ناهماهنگی‌های گسترده‌ای را در تایلند ایجاد کرد. روح دموکراسی در هزاران دانشجوی معترض در سراسر کشور توسط کودتای نظامی گروه حراست در ۶ اکتبر در هم پاشیده شد. سال ۱۹۷۶ - روزی را که در اذهان مردم تایلند تداعی می‌کند (ششم اکتبر). بسیاری از اصطلاحات بعداً برگشت داده شدند اما دانشگاه‌ها به عنوان مکانی که دانشجویان می‌توانستند جمع شوند و به مباحث سیاسی بپردازند، باقی ماندند گر چه تا حدودی محتاط تر. سرشماری سال ۱۹۹۰ نشان داد که فاصله جنسی تاریخی بین زنان و مردان در دستاوردهای آموزشی در تمام سطوح متوقف و محو شده است. از سال ۱۹۸۰، تعداد زنان در سطح سوم آموزش از مردان بیش تر شده است.

اما این یکی از عواقب افزایش آموزش اجباری برای هر دو جنس از ۴ سال به ۶ سال در سال ۱۹۷۸ و از ۶ به ۹ سال در سال ۱۹۹۴ بود. هر چه دانشجویان بیش تر در مدارس ابتدائی و راهنمایی بمانند، احتمال ادامه تحصیل در آموزش عالی افزایش می‌یابد. اهمیت دادن به آن چه که امروز به عنوان ((طبقه متوسط)) در تایلند شناخته می‌شود. نودل (Knodel) اعتقاد دارد که این برگشت در دستاورد آموزشی زنان نشان دهنده تفاوت‌های اجتماعی شدن نقش‌های جنسی در جامعه است که پسران و مردان آزادی بیش تری نسبت به زنان دارند و زنان به عنوان هسته مسوولیت و ثبات تلقی می‌شوند. به نظر می‌رسد زنان انطباط بهتری



داشته و بیش تر به مطالعات خود تمرکز دارند و به همین دلیل موفق تر هستند. این به تعدادی نقطه نظر متمایز در زمینه جنسی اشاره دارد که شاید می شد در دوره قبل از مدرنیته کردن آن‌ها را ریشه یابی کرد همان گونه که برخی از منابع تاریخی نشان می دهند. مطالعات چندی در زمینه هزینه‌های خانوادگی مذکر / مونث نشان می دهند که زنان نسبت به مردان پول بیش تری در خانه خرج می کنند و نودل اعتقاد دارد که نظر سنجی ملی سال ۱۹۸۶ این حقیقت را تأیید می کند. در پایان آموزش دختران ممکن است منجر به خرج کمتری و کاهش هزینه والدین در مقایسه با پسران شود. نودل به خصوص این نکته را بیان می کند که اگر دختران مجرد بمانند. آن‌ها پول بیش تری خرج می کنند. چون که سرشماری‌ها روند بهتری را به سوی ازدواج زنان نشان می دهند این در حقیقت موضوعی درسی می نماید.

به علاوه عموماً جمعیت تایلند بر این عقیده‌اند که تحصیلات تکمیلی تضمینی است برای ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر و افزایش حرکت اجتماعی.

اطلاعات سرشماری اخیر مونث شدن آموزش دوره سوم را در تایلند (هم از دانش آموزان و هم در معلمان) و تسلط زنان در موسسات این دوره آموزشی به غیر مدارس حرفه‌ای را تأیید می کند. آیا موقعیت استخدام آموزش در نتیجه مونث شدن رشته کاهش می یابد در حالی که این حالت در ایالات متحده هم وجود دارد؟ آیا دروس دانشگاهی در تایلند به دو بخش سخت برای مردان و ملایم و آسان برای زنان تقسیم می شوند؟ بر خلاف تصورات مردم این موضوع در تایلند صدق نمی کند. با این وجود در حالی که این‌ها سوالات مهم هستند این در مسیری ثبت که من بحث‌های آینده را پیش می کشم. به نظر من این سوال مطرح است که آیا آموزش کنونی زنان بر روی جامعه تایلند در آینده تأثیرات بالقوه خواهد داشت. به خصوص آیا این دانش و آگاهی جدید منجر به سیاسی شدن بیش تر زنان و توسعه جوامع داوطلب و



سازمان‌های غیر دولتی می‌شود. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، آموزش یکی از روش‌های موثر ملی و دولتی است. از طریق برنامه‌های درسی متمرکز و تربیت معلمان از مرکز و پایتخت، متصدیان وزارت می‌توانند افراد را وارد جامعه هم شهری جدید ملی-دولتی کنند و یک (جامعه متصور) را تشکیل دهند. این که آیا این در تایلند اتفاق افتاد یا نه موضوع بحث ماست. در بین سایرین چارلز کینر و چایان و ادهانافوتی بحث‌های متقاعدکننده‌ای در این زمینه دارند. کیز بیان می‌کند که نقش اساسی مدارس ملی ((فراهم آوردن و آماده کردن روستائیان برای پذیرش موقعیتی فرمان بردار و زیر دست در جهان بروکراسی تایلند بود. در حالیکه چایان هم ادعا می‌کند که در مدارس روستائی کودکان روستایی را آماده می‌کنند تا نمایندگان تولید و اعضای جامعه ملی خود باشند. بنابر این در سرعت آزاد و لیبرال خود برای درک آموزش اجباری به عنوان حق انسانی و راه ضروری به سوی حرکت‌های بعدی، برخی از دانشمندان غربی و فعالان تایلندی احتمال این که آموزش برای حفظ و نگه داشتن برخی از طبقه‌های اجتماعی تایلند در موقعیت خود بود را مورد توجه کافی قرار نداده‌اند. برای برقراری ارتباط با مقامات دولتی و آماده کردن آن‌ها برای ورود یکنواخت به اقتصاد کلان در حال رشد. اگر این چنین است مدارس تایلند به قول گفته‌های فوکالت می‌توانند (تکنولوژی فردی) باشند. در حقیقت چایان می‌گوید که مدارس ملی ((هم شهریان آرام، فرمان بردار و وفادار تولید می‌کنند که قانون مندی فرامین اجتماعی را می‌پذیرند)).

این اهداف، اهداف گسترده قدرت ملی است که هم محرک و هم فشرده و متقاعدکننده و در عین حال تولید ساز هستند. در بسیاری موارد، معلمان مدارس، معمولاً عضو جامعه ملی اولین مقامات دولت مرکزی برای ورود به مناطق روستایی بودند. آن‌ها با خود منابع جدید دانش و قدرتی را می‌آوردند که نه تنها به دانش محلی در تقابل بود بلکه دولت و دانش مدرن را برتر جلوه می‌داد. بنابر این معلم تب نقش مهم در



جهت‌گیری روستائیان به سوی دولت بازی کرده و می‌کند. با این وجود این عقیده بیان میکند که معلمان و دانش‌جویان وسایل غیر فعال، و کشتی‌های خالی بوده و هستند که فرمان محلی ریخته و از آن دوباره تولید کرده است. این درک هر گونه نقش را که معلمان داشته‌اند را از بین می‌برد و تفاوت‌های عقیده‌ای معلمان و دانش‌جویان را در مجامع گسترده تر باعث می‌شود. در حالی که جوامع ملی و ساختارهای قدرت در شکل آموزش نقش فردی را محدود می‌کنند، آن‌ها منبعی از تخیل و تصور هم می‌باشند. در حقیقت بسیاری از اوقات تنها برخی از افراد کلیدی برای شروع بحث و انتقاد از جوامع مسلط و یا ساختارهای قدرت لازم باشند و شک و تقابل‌های خود را به جامعه‌ای گسترده تر به صورت متقاعد کننده‌ای انتقال دهند. به نظر من تحصیل و آموزش ممکن است وسایلی از تقابل فراهم آورد که به افراد راه‌های دیگر را نشان داده و افق‌های فکری و عمل آن‌ها را توسعه می‌بخشد. این مساله سوال اساسی دیگری در مورد معلمان مطرح می‌کند به زنان در تمام سطوح آموزش تایلند حضور پیدا کرده‌اند. این سوال مطرح است که آیا این به دلیل این است که زنان آموزش ملی گرایی است به عنوان مثال آیا زنان انتظاراتی - ملی - دولتی را در را ملی متفاوت و گسترده تر از زنان بر آورده می‌سازند؟ و اگر این چنین است چگونه؟ آیا فرد در زنان به زمینه آموزش نشان دهنده تلاش زنان برای ورود به موقعیت مسلط و مزیت قبلی مردان است؟ اگر زنان دارد شغل آموزش برای تولید سیاست‌های ملی تصورات و هویت‌ها می‌شوند آیا آن‌ها در حقیقت به فرمان برداری خود و انطباق در نوعی ((خود آگاهی)) کمک نمی‌کنند؟ از سوی دیگر چه می‌شود اگر معلمان، مذکر و مونث، قسمتی از نیروی خود دولت را علیه آن از طریق جریان‌های فرمان برداری تغییر دهند؟ چه نوعی از مقاومت روزانه ممکن است در سطح کوچک اتفاق بیفتد که به راحتی قابل مشاهده

نیاشد؟



بررسی چنین تاکتیک‌هایی که معلمان در داخل و خارج کلاس استفاده می‌کنند تا ببینند که آیا این تاکتیک‌ها در ایدئولوژی‌های و گرایش‌های دولت مداخله می‌کند و اگر بلی چگونه، بسیار جالب به نظر می‌رسد.

مجددا این موضوع سوالات بیش تری نسبت به آن چه که در اول بیان شد مطرح می‌کنند. با این وجود برای بررسی و پیشنهاد امکان‌های بالقوه مثبت آموزشی به آن اشاره خواهم کرد. به بیان دیگر آیا آموزش می‌تواند زنان را وارد فعالیت‌های توانمند سازد تا دیگر اعضای همیشه در حال شکایت از دولت و ملت نباشند؟

علاوه بر این که آموزش یک وسیله ملی‌گرایی است، می‌توان از آن معکوسا و هم‌زمان به‌عنوان یکی از قدرتمندترین وسایل بهبود شخصی و اجتماعی نام برد. محققان در روش‌های متعدد رابطه‌ی واضحی بین آموزش، سواد، و موقعیت اجتماعی زنان مشخص کرده‌اند. هر چه سطح آموزش و سواد کسی بالاتر رود، سطح و موقعیت اجتماعی وی هم بالطبع بالا خواهد رفت. در همین زمینه کیز (Keyese) نظریه‌ی پوردیو (Bourdieu) پایتخت فرهنگی یا سمبلیک را در بحث آموزشی خود و ارتباطات آن با روستاهای تایلند مطرح می‌کند. وی می‌گوید ((سواد همیشه با تقسیم اجتماعی دانش در ارتباط است که به نوبه‌ی خود به ساختار حفظ و کنترل روابط اجتماعی کمک می‌کند همان‌گونه که تقسیم اجتماعی در مالکیت وسیله تولید این کار را انجام می‌دهد.))

به دلیل علاقه شدید تر به تفاوت طبقه‌ای، کیز توجه کمتری به طبیعت جنسی شده‌ی پایتخت سمبلیک دارد. با این وجود وی تأکید نمی‌کند که زنان یک پایتخت سمبلیک کامل‌کننده‌ای مربوط به زمینه‌های داخلی، بازاریابی و هم‌چنین در نقش نظارتی خود به‌عنوان سانگل‌ها (Sangha) دارند. البته این امکان



این که چنین تقسیمی ممکن است زنان را در نقش پائین تری در قرن بیستم و چندین نسل بعد از مردان دهاتی قرار دهد را تحت الشعاع قرار می دهد. کیز با اشاره به روستاهای آسیای جنوب شرقی می گوید که ((یکی از تغییرات اصلی در ساختار اجتماعی که با معرفی آموزشی اجباری ایجاد شده است، این است که زنان به همراه مردان به مدرسه و تحصیل دسترسی یافته‌اند؟ که به زنان اجازه داده است تا ((جهانی متفاوت از آن چه مادر بزرگ نشان می داشتند را تصور کنند)).

با آموزش بیش تر سطح بالاتری از سواد و تماس با نظرات و جهان نوین، افق‌های زنان گسترده تر شده و تمایلات آن‌ها ارضاء شده است. هم چنین معلمان مدارس دخترانه و دولت اشاره دارند. سوتراو ماتینی می گویند که زنان نقش‌های کلیدی در آموزش و اجتماعی کردن کودکان بازی می کنند (به خصوص در مدرسه و خانواده)، آن‌ها ((نمایندگان تغییر اجتماعی)) اساسی و کمک کنندگان به توسعه در تایلند هستند. آن‌ها معتقد هستند زمانی که زنان تساوی نقش‌های مهم خود و مردان را در جامعه بفهمند این عقاید را به کودکان انتقال خواهند داد و در نتیجه ((لنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی قبلی)) را تغییر میدهند. تنها در سال‌های آخرین قرن بیستم بوده است که زنان غیر از طبقه اشراف دانش و ارزش سمبلیک ضروری را برای ورود به شغل‌های خاصی از جامعه مدنی مانند سیاست به دست آورده‌اند. آن چه تعجب آور است این است که تغییرات اساسی و مهم زیادی با سرعت زیاد و در زمان اندکی - ۱۵ و یا ۲۰ سال آخر - صورت گرفته است و زنان هم اکنون نقش‌های روشن و اساسی زیادی در سازمان‌های خیریه و سیاسی در حال تغییر و تغییر ساز ایفا می کنند. بر اساس این توضیح مختصر در تاریخ آموزش تایلند کاملاً واضح است که فعالیت زنان تایلند به خصوص در بین زنان غیر اشرافی تا بعد از رسیدن آموزش به عنوان حق برای زنان خود را در نواحی دور افتاده روستایی نشان نداد. افزایش فعالیت زنان به نظر می رسد که تا حد زیادی وابسته به



دستاوردهای زنان در سطوح سوم آموزش باشد هم قبل و هم بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه. این موضوع تعجب آور نیست. با این وجود مطالب مربوط به آموزش هم آن چه بنده به دنبال ارائه و پیشنهاد آن هستم این است که تا آن جا که از آموزش می‌توان فهمید انطباط ملی و بهبود روند تا حدودی جمعیت را سیالی کرده است. بحران‌ها و چالش‌های بین سنت و مدرنیته شدن پیچیده و نقش زمینه‌های چند گانه و در حال تغییر وزارت در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند. ((پیشرفت)) و مدرنیته شدن بگونه‌ای که در ملت‌های متعدد جهان بروز کرده‌اند، می‌توانند نتایج مضر و مثبت داشته باشند و در این رابطه تفاوت‌های طبقه، نژاد و منطقه‌ای بین زنان نیازمند توجه بیش تر است. هرچه زنان تایلندی بیش تر به مدارک بالاتر دسترسی پیدا کنند و هر چه دانش و آگاهی از مشکلات محلی و ملی و مسائل بین‌المللی که تفاوت زنان در طبقات و جوامع بیش تر شود، آن‌ها بهتر و بیش تر میتوانند به فعالیت بنیادی در تایلند و منطقه آسیای جنوب شرقی گسترده تر کمک کنند.

آموزش اخلاق

پیشرفت اخلاق و پرهیزگاری دانش‌آموزان

در کنار بهتر کردن تواناییهای تعلیم و دانش، تایلند اهمیت تقویت اخلاق و پرهیزگاری در بین جوانان و مردم را درک کرده است تا ارزشهای ضروری جهت بهتر کردن کیفیت زندگی را نگه دارد. اهداف در مقاله ۸ طرح اصلی فعالیت در آموزش برای همه آورده شده است.



دوره های آموزش اخلاق و پرهیزگاری

وزارت آموزش و پرورش، رشد اخلاق را به دوره های تحصیلی مدارس ابتدایی و ثانویه افزوده است. در دوره تحصیلی ابتدایی این محتوی در گروه تجارب رشد شخصیت، گنجانده شده است و هدفش پیشرفت ارزشها، ایده ها، رفتار و شخصیت فرد است. دو دوره تحصیلی ثانویه هدف از گنجاندن این محتوی بدست آوردن اشخاصی با شخصیت های متفاوت است مانند: قانونمند، ورزشکار، دوستدار کار و با اخلاق. آموزش غیررسمی نیز در کلیه سطوح این محتوی را در مطالعات اجتماعی و زبان تایلندی گنجانده است. دپارتمان دوره تحصیلی و دستورالعمل پیشرفت آزمون راجع به ویژگی های اخلاق و ارزشهای دانش آموزان به صورت یک سال در میان برگزار می کند. آزمون به صورت تستی است.

نهادهای مرکزی

- آژانسهای دولتی مربوطه دپارتمان امور مذهبی، دفتر رشد اخلاق و دپارتمان آموزش فیزیکی هستند.
- دپارتمان امور مذهبی کارهای زیادی را جهت رشد اخلاقیات انجام می دهد.
- مراکز پیش دبستانی معابد و مساجد کلاسهایی را جهت ارتقای اخلاقی و فیزیکی کودکان ترتیب می دهند.
- مرکز مطالعات بودایی دوره هایی راجع به بودیسم را برای جوانان و مردم ترتیب می دهد.
- مرکز مطالعات و اخلاق اسلامی دوره هایی راجع به اسلام را برای مسلمانان ترتیب می دهد.
- طی سال ۱۹۹۹، ۳۴۸۰ مرکز دولتی پیش دبستانی وجود داشت که بوسیله معابد و مساجد اداره می شد.



- در کنار مراکز مذهبی، همکاریهای دیگری هم بین معابد و مدارس وجود دارد. اغلب مدارس از راهبها دعوت به عمل می آورند تا اخلاق را تدریس کنند.
- دفتر رشد اخلاقیات یک آژانس تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش است که مسؤول ارتقاء اخلاق در بین کارمندان، معلمان، دانش آموزان و مردم است.
- دپارتمان آموزش فیزیکی فعالیتهایی را آغاز می کند تا اخلاق را در بین جوانان ترویج دهد. اهداف فعالیتهای تشویق جوانان به امین بودن، با اخلاق بودن و وقف جامعه بودن است.

معضلات آموزشی

برنامه های اول تا ششم ملی توسعه، بر روی تولید نیروی کار لازم برای توسعه کشور تأکید داشتند. برنامه های هفتم و هشتم (۲۰۰۲ - ۱۹۹۷ و ۱۹۹۶ - ۱۹۹۲) بر انسان به عنوان محور اصلی توسعه تمرکز یافته اند. طرح توسعه آموزش و پرورش نیز در کنار برنامه توسعه ملی ایجاد شد. در ارزیابی موانع و مشکلات مربوط به مدیریت آموزش و پرورش در بخش اول برنامه توسعه ملی هفتم، به شرح ذیل مشخص گردید:

(۱) عدم برابری تحصیلی

پوشش تحصیلات اجباری، به دلیل عدم وجود دسترسی به برخی مناطق یا شرایط ویژه برخی والدین که باعث می شود فرزندان شان امکانات آموزشی مناسبی در اختیار نداشته باشند کامل نیست. بعضی والدین به تناوب محل زندگی خود را عوض می کنند و بعضی دیگر می خواهند که فرزندان شان در خانه باشند تا بار کاری آن ها را کم کنند. علیرغم تلاش دولت برای گسترش و بهبود فرصت های تحصیلی، این هدف به



طور کامل محقق نشده است. از آنجایی که این برنامه هنوز در سطح ملی عملی نشده بود، بودجه لازم برای تحقق آن در نظر گرفته شده بود. آژانس‌های مسئول مجبور بودند از بودجه‌های دیگرشان باری این منظور استفاده کنند که این کار باعث کاهش انعطاف‌پذیری این برنامه می‌شد. خط‌مشی تقسیم مسئولیت‌ها در دولت نیز به طور کامل تعیین نشده بود. تحصیلات برای معلولین به طور وسیع و کامل وجود نداشت چون اطلاعات کاملی درباره انواع معلولیت‌ها موجود نبود. به علاوه، معلمین، به طور کامل برای برآورده ساختن نیازهای مختلف دانش‌آموزان مختلف تعلیم ندیده بودند. امکانات آموزشی نیز برای ارائه آموزش و پرورش استثنایی کافی نیستند.

۲) عدم وجود کیفیت تحصیلات

موفقیت دانش‌آموزان در برخی کلاس‌ها به حد استاندارد نیست مثل ریاضیات و تجربه زندگی در سطح ابتدایی یا علوم در سطح دبیرستان.

مشکلات مربوط به مدیریت تحصیلات عالی مربوط به کمبود اساتید مجرب در بعضی زمینه‌های خاص مثل مهندسی و کامپیوتر تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها محدود است. فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها مایلند که به بخش خصوصی یا دولتی بپیوندند. به علاوه، تربیت تکنسین‌ها به دلیل کمبود امکانات به هیچ وجه مؤثر نیست.

۳) عدم وجود ساختار مشخص تحصیلاتی برای پیشرفت اخلاقیات

تحصیلات در زمینه اخلاقیات، ساختار مشخصی ندارد بلکه وابسته به مدرس است. بعضی معلمین به حد کافی آگاه نیستند و نمی‌توانند میزان آمادگی و تمایل دانش‌آموزانشان را ارزیابی کنند. در برقراری اخلاقیات در خانواده، کلاس و جامعه، کمبود تداوم و پیوستگی وجود دارد. بین سطوح مختلف آموزش هم



شکاف‌های عمیقی وجود دارد. آموزش اخلاقیات در سطح ابتدایی با آموزش اخلاقیات در دبیرستان یا در خانه تفاوت دارد. هیچ‌الگویی نیز برای تقلید در اختیار دانش‌آموزان وجود ندارد.

۴) کمبود امکانات آموزشی

با اینکه آژانس‌های مختلفی مسئول آموزش‌های غیررسمی هستند، پوشش این‌گونه آموزش‌ها هنوز نیازها را برآورده نمی‌کند. جوانان و افراد بالغ زیادی در سراسر کشور و بویژه در نواحی روستایی وجود دارند که آماده دریافت این خدمات هستند.

به هر حال هنوز به دلیل کافی نبودن اطلاعات، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اینچنینی، هنوز پاسخگوی نیازها نیستند. کمبود اطلاعات همچنین مانع می‌شود تا آژانس‌های مرتبط، برنامه‌های مناسب هر ناحیه را تعیین کنند. مشکلاتی نیز در مورد کیفیت دوره‌های ارائه شده توسط آژانس‌های مختلف، هماهنگی و برنامه‌ریزی مشترک بین آژانس‌ها وجود دارد.

۵) عدم کفایت مدت زمان دوره‌های آموزشی جهت نیل به توسعه اقتصادی

تحصیلات در سطوح ابتدایی و دبیرستان برای تربیت فارغ‌التحصیلانی که قادر به اداره زندگی خود در اجتماع باشند، کافی نیست. به هر حال در زمینه وجود معلمان مناسب و کتب آموزشی خاص که به حد کافی ساده باشند و به کار موقعیت‌های عملی بیایند، کمبود وجود دارد. در برخی مدارس فنی و حرفه‌ای، معلمان مجرب کافی که قادر به ارائه دروس مناسب برای بازار کار باشند، وجود ندارند که این یک مشکل جدی برای سیستم ایجاد می‌کند. بهبود اکتساب دانش‌آموزان به میزان کمی صورت می‌گیرد. در این سیستم آموزشی، تأکید بر تئوری، خیلی بیشتر از مباحث عملی است.



فعالیت‌هایی که برای حل مشکلات و توسعه اجتماع در نظر گرفته شده‌اند، مورد استقبال دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرند. بیشتر این فعالیت‌ها به صورت پرودیک و به صورت اردوهای در روزهای خاص برنامه‌ریزی شده‌اند. برنامه درسی هر سطح، بر مطالبی که در آن دروه در نظر گرفته شده‌اند تأکید می‌کند اما نمی‌تواند تأثیر چندانی در رفتارها و ذهنیت دانش‌آموزان بگذارد.

۶) عدم اطلاع رسانی آموزشی در زمینه بهداشت

تعداد بسیاری از دانش‌آموزان ابتدایی، نسبت به استاندارد، کمبود وزن دارند که این نشان‌دهنده مشکلاتی در زمینه آموزش بهداشت است. سطح اقتصادی خانواده‌ها و فرهنگ آن‌ها به قوانین بهداشتی پاسخگو نیست. دروس بخش بهداشت بیشتر بر ورزش و قهرمان پروری تأکید دارند تا اینکه به افزایش آگاهی افراد در زمینه بهداشت فردی بپردازند. بنابراین دانش‌آموزان ارزش فعالیت‌های ورزشی را در بهبود شرایط بهداشتی خود درک نمی‌کنند.

دولت تایلند، در حال حاضر از مشکلات فوق‌الذکر آگاه است و می‌داند که نیازی اضطراری در زمینه گسترش فرصت‌های تحصیلی، آموزش‌های مادام‌العمر و فنی و حرفه‌ای وجود دارد تا کیفیت زندگی افراد، افزایش یابد. در برنامه آموزشی ملی سال ۱۹۹۰، خط مشی‌ها و راهنمایی‌هایی باری عملی کردن طرح آموزش همگانی در نظر گرفته شده بودند که بعداً مورد بحث قرار خواهند گرفت.



توسعه آموزشی

توسعه کمی و کیفی

دولت تایلند، اولویت زیادی را به توسعه آموزشهای همگانی از نظر کمی و کیفی داده است. این گزارش دربارهٔ تهیهٔ امکان تحصیل برای افزایش کیفیت زندگی افراد بحث میکند. این بحث از کودکی آغاز و به بزرگسالی ختم می شود. این بحث در زمینه های زیر انجام خواهد شد :

• سلامت جسمانی دانش آموزان

خط مشی آموزش و پرورش پایهٔ همگانی، تعیین کرد که تا سال ۲۰۰۱، مراحل توسعهٔ دانش آموزان باید تکمیل شوند.

هدف ویژهٔ این خط مشی، تشویق دانش آموزان بویژه گروه های محروم به برخورداری از غذای سالم و کافی بود. قوانین مختلفی وضع شدند از قبیل این که بخش های عمومی و خصوصی واتحادیه ها تشویق شوند که غذای معمول و غذای اضافی را برای تمامی دانش آموزان محروم فراهم کنند. همچنین دانش آموزان تشویق می شوند که در برنامه های بهداشتی و ورزشی شرکت کنند.

طبق آمار سوء تغذیه کودکان ۰ تا ۵ ساله دپارتمان بهداشت وزارت بهداشت عمومی سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، مشخص شد که تعداد کل کودکانی که از سوء تغذیهٔ سطح ارنج می برند حدود ۱۳ درصد هستند. در سال ۱۹۹۳، این درصد برابر ۴/۱۴ درصد در سال ۱۹۹۵ برابر ۷۲/۱۱ درصد بوده است. سرشماری وزن و قد دانش آموزان که در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ توسط دپارتمان بهداشت انجام شد نشان داد که بیشتر دانش آموزان وزن مناسبی دارند. به هر حال بعضی دانش آموزان در نواحی شمال شرقی و جنوبی، هنوز



وزنی پایین تر از حد استاندارد دارند. در سال ۱۹۹۱، این رقم برای نواحی مرکزی و جنوبی برابر ۱۹ درصد بوده است. در سال ۱۹۹۴، پس از اجرای برنامه تغذیه مدرسه، درصد دانش آموزان کم وزن تا حد ۱۵ درصد افت پیدا کرد. این دانش آموزان در نواحی شمال شرقی و جنوب کشور زندگی می کنند. از سال ۱۹۹۲، تایلند بودجه ای برای برنامه تغذیه مدارس در نظر گرفته است. این برنامه شامل نهار برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی است. کل بودجه ای که به این برنامه اختصاص یافته بود معادل ۶۰۰۰ میلیون بود.

هر سال، دولت ۵۰۰ میلیون به عنوان بودجه اضافی برای این طرح در نظر می گیرد.

گروه هدف این برنامه، ۰/۷ میلیون دانش آموز پیش دبستانی و ۱/۷ میلیون دانش آموز دبستانی بودند که تحت نظارت دفتر کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی، دفتر نظارت بانکوک، پلیس مرزی، دفتر آموزش و پرورش محلی و دپارتمان مسائل مذهبی، در مدارس به تحصیل مشغول بودند. نتیجه اجرای این طرح در سال ۱۹۹۴ نشان داد که دولت قادر بود که برای ۳۷۷۳۵۸ نفر دانش آموز پیش دبستانی (با بودجه ۸/۳۲۲ میلیون) و ۴۵۲۸۳۰ نفر دانش آموز دبستانی (با بودجه ۱۰۰۰ میلیون)، ارائه خدمات کند. به عبارت دیگر، ۲۵/۴ درصد از کل دانش آموزانی مدرسه ای، از این کمک دولت برخوردار شدند. در سال ۱۹۹۸، این خدمات به ۶۸۷۹۴۲ دانش آموز پیش دبستانی و ۱۸۳۳۳۲۸ نفر دانش آموز دبستانی یا ۳۰ درصد از دانش آموزان محروم ارائه شد. سرشماری دپارتمان بهداشت وزارت بهداشت عمومی نشان می دهد که آمار سوء تغذیه ای که در سال ۱۹۹۲ برابر ۵/۱۴ درصد بود (۱۴ درصد پسران ۱۵ درصد دختران) در سال ۱۹۹۸ به ۴/۱۱ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، دولت تایلند از سال ۱۹۹۲ بودجه ای برای تهیه غذای مکمل (شیر) برای کودکان پیش دبستانی در نظر گرفته است. در مرحله ابتدایی، این سرویس فقط به مدارس تحت نظارت دفتر کمیسیون آموزش ابتدا می ارائه می شد. بعدها این سرویس توسعه یافت و مدارس تحت



نظارت آژانس های دیگر از قبیل دفتر نظارت آموزش محلی ، دپارتمان امور مذهبی را تحت پوشش قرار داد. بودجه ای که در سال ۱۹۹۳-۱۹۹۲ به این امر اختصاص یافته بود ، ۴۰۰ واحد برای هردانش آموز در هر سال بود و این رقم از سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به ۸۰۰ واحد برای هر دانش آموز، افزایش یافت. در مدارسی که تحت نظارت بودند ، این بودجه معادل ۱۰۰۰ برای هر نفر بود. برای غذای مکمل دانش آموزان دبستانی از سال ۱۹۹۵ بودجه ای در نظر گرفته شد. گروه هدف اول، دانش آموزان سال اول دبستانی بودند که تحت پوشش دفتر کمیسیون آموزش ابتدایی بودند. بعدها طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸، پوشش این طرح شامل دانش آموزان سالهای دوم ، سوم و چهارم ابتدایی نیز شد. نتیجه عملی شدن طرح غذای مکمل برای دانش آموزان دبستانی و پیش دبستانی نشان می دهد که اکثریت دانش آموزان تحت پوشش پروژه ، تحت نظارت دفتر کمیسیون آموزش و پرورش ابتدایی قرار داشته اند. طبق آمار سال ۱۹۹۲ ، تعداد ۶۹۶۶۲۵ دانش آموز از این پروژه بهره مند شده اند که این رقم در سال ۱۹۹۹ به ۴۸۴۵۳۳۰ دانش آموز افزایش یافته است. این پروژه همچنین بر رشد فیزیکی دانش آموزان نیز تأثیر داشته است. مطالعات دپارتمان بهداشت وزارت بهداشت عمومی نشان می دهند که وزن و قد دانش آموزان تحت پوشش این پروژه ، افزایش یافته اند . جزئیات این مطلب در جدول زیر موجود هستند. علاوه بر این ارائه خدمات بهداشتی به دانش آموزان از سال ۱۹۹۰ توسط دپارتمان بهداشت وزارت بهداشت عمومی ، خدمات درمانی رایگانی را به دانش آموزان ارائه می دهد. معاینات پزشکی دوره ای و واکسیناسیون نیز جزء این خدمات قرار دارند. بودجه اختصاص یافته به این خدمات از ۱۲۵ میلیون در سال ۱۹۹۲ به ۱۸۲۲۴۲ میلیون در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است که این افزایش معادل ۷۹/۴۵ درصد می باشد. این نشان می دهد که به طور سالیانه ، بودجه این خدمات ۳۱/۱۴ میلیون افزایش یافته و بودجه اختصاص یافته به هر نفر نیز به طور سالیانه ۳۰ افزایش یافته است. نظارت



بر وضعیت تغذیه دانش‌آموزان ۵ تا ۱۴ ساله از طریق اندازه‌گیری وزن و قد آنها نیز از جمله دیگر طرح‌های توسعه سلامتی دانش‌آموزان تایلندی به شمار می‌آید. پوشش این طرح در سال ۱۹۹۳، ۳/۵۷ درصد بوده و تا سال ۱۹۹۵ به ۶/۶۱ درصد رشد یافته است. مشکل کمبود وزن کودکان از طریق غذای مکمل و ویتامین حل گردید. نظارت بر وضعیت تغذیه کودکان ۰ تا ۵ ساله از طریق مقایسه وزن با سن آنها. در سال ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲، پوشش این طرح شامل ۵/۹۱ درصد جمعیت هدف بوده است.

درصد پوشش طرح نظارت بر میزان کم‌خونی فقر آهن دانش‌آموزان در سال ۱۹۹۲، ۸۷ درصد بوده و در سال ۱۹۹۳ به ۵/۹۲ درصد رسیده است. خدمات دیگری از قبیل چشم‌پزشکی و معاینه چشم، معاینه گوش و شنوایی سنجی و دندانپزشکی نیز به دانش‌آموزان ارائه می‌شوند. به علاوه پرسنل بهداشتی و معلمین نیز آموزش دیده‌اند که نوجوانان را در زمینه‌های بهداشتی راهنمایی کنند. این آموزش‌ها به گونه‌ای بوده‌اند که پرسنل بهداشتی و معلمین را قادر سازند که مشکل بهداشت نوجوانان را درک کنند. همچنین در زمینه پیشگیری از ایدز و اعتیاد نیز، توصیه‌هایی صورت می‌گیرد. کمیته پیشگیری از ایدز و اعتیاد به مواد مخدر وزارت آموزش و پرورش کاملاً از حساس بودن مسأله مواد مخدر آگاه است و سیاست‌های فوری خاصی را برای تمامی آژانسها و مؤسسات آموزشی در نظر گرفته است تا بتواند این مشکل را حل کند. در سال ۱۹۹۲، یک برنامه ۵ ساله در راستای برنامه ملی پیشگیری از اعتیاد طرح ریزی شد. اجرای این برنامه در مرحله اول فقط در چند زمینه خاص انجام شد. بعداً، تمرکز این برنامه به پروژه‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای انتقال یافت.

- توسعه توانایی یادگیری

- رشد سلامت دانش‌آموزان



به منظور رشد سلامت دانش آموزان، تایلند برنامه هایی مانند برنامه ناهار مدرسه را اجرا کرده است تا سلامت دانش آموزان را ارتقا دهد. بودجه این برنامه در مدارس ابتدایی طی سال ۱۹۹۲ تصویب شد. شیرنیز به عنوان یک مکمل غذایی فراهم می شود. معاینه و بیمه دانش آموزان خلقی شد. تمرینات فیزیکی تشویق شد.

• رشد توانایی یادگیری

از سال ۱۹۹۰ تایلند همواره بر روند تدریس و تعلیم تأکید شده است. آموزش پایه تغییرات زیادی کرده است. دستاورد ها در موضوعاتی که مربوط به حل مسائل و تفکر می گردد خیلی کم است. به عنوان مثال در علوم و ریاضیات روند یادگیری بیشتر به معلم و حفظ کردن بستگی دارد تا به آزمایش، عمل و تجربه خود دانش آموزان.

به هر حال تایلند با تأکید بر روند یادگیری سعی بر تغییر دادن این مسائل را دارد.

بهبود روند تدریس - تعلیم در موضوعات علوم، ریاضی، زبان خارجی و تایلندی همواره در اولویت قرار داشته است. شرکت در المپیاد ها هم مورد تشویق قرار می گیرد.

• رشد اخلاقیات و پرهیزگاری

آموزش در تایلند نه تنها بر رشد های فیزیکی و عقلی تأکید دارد بلکه بر رشد اخلاق نیز تأکید دارد. فعالیتهای دیگری هم جهت بهتر کردن اخلاقیات در سطح آموزش پایه صورت پذیرفته است که از آن جمله می توان از اجرای طرح دارما - پالی نام برد. از جمله دیگر فعالیتهای نیز میتوان به تاسیس مدارس بودیست یکشنبه، شیر خوار گاهها و مراکز پیش دبستانی در معابد و مساجد اشاره نمود.



اصول و اهداف آموزشی

از جمله مهمترین اصول حاکم بر آموزش و پرورش تایلند میتوان از موارد ذیل نام برد :

- رشد عقلی ، فکری ، ذهنی افراد که هدف اصلی از آن ایجاد توازن لازم بین رشد جسمی ، روحی و اقتصادی آنان است .
- کلیه افراد باید اهمیت بکارگیری صحیح و حفاظت از منابع طبیعی را ، بدون تخریب محیط زیست بشناسند .
- زبان و فرهنگ تایلندی باید به منظور بهینه سازی استفاده از دانش مدرن و متناسب با بافت ها و نیازهای محلی ارتقا یابد .
- توازن صحیح بین وابستگی و خودکفایی مبنایی اساسی برای همکاری در سطوح فردی ، اجتماعی و ملی برای رسیدن به توسعه پایدار است .

اولویتها و علایق آموزشی

از جمله اولویتها و علایق آموزشی و پرورشی تایلند میتوان از موارد ذیل نام برد :

- گسترش آموزش پایه برای همه افراد و توسعه تداوم آن تا سطح آموزش متوسطه
- اصلاح برابری در آموزش و تناسب آن با نیازهای افراد ، جوامع و ملتها
- افزایش نقش آموزش و پرورش تایلند در تقویت خودکفایی و مشارکت در پایداری اقتصادی

ملی



- اصلاح مدرسه : استاندارد کردن کیفیت آموزش در کلیه مدارس و مؤسسات آموزشی .
- اصلاح معلم : اصلاح نظام حرفه آموزی و استخدام معلمان و مدیران آموزشی
- اصلاح برنامه های درسی :اصلاح برنامه درسی و فرایند یاددهی- یادگیری در جهت بهبود کیفیت آموزش .
- اصلاح نظام اداری: تمرکز زدایی و واگذاری قدرت تصمیمگیری بیشتر به مؤسسات آموزشی به منظور هماهنگی بیشتر و پاسخگویی بهتر مؤسسات در شرایط و نیازهای جامعه محلی .

قوانین آموزشی

محور بحثهای اساسی آموزش و پرورش تایلند در قانون اساسی جدید کشور پیش بینی شده است. از

جمله قوانین آموزشی کشور می توان از موارد ذیل نام برد :

- قانون مدارس خصوصی
- قانون آموزش ابتدایی
- لایحه آموزش ملی تایلند در حال حاضر در مجلس این کشور در دست بررسی است که در صورت تصویب به قانون آموزش ملی تبدیل خواهد شد.



قوانین اصلاحی

قانون اساسی جدید سال ۱۹۹۷، تغییرات شدیدی در امر آموزش و پرورش ایجاد کرده است. بخش ۴۳ از این قانون اساسی بیان می‌دارد که هر فرد باید از حق برخورداری از ۱۲ سال آموزش و تحصیلات پایه با کیفیت و رایگان برخوردار باشد. به علاوه قانون آموزش ملی سال ۱۹۹۹، تغییرات ساختار آموزش و پرورش را به طور کلی بیان کرده است.

در این قانون دولت موظف شده است که عمل خود را در کلیه زمینه‌ها تقویت کند تا بتواند با اهداف قانون اساسی و قانون آموزش ملی هماهنگ باشد.

قوانین آموزش عالی

- قانون مصوب سال ۱۹۷۷، اصلاحی سال ۱۹۹۴ در خصوص سازمان وزارت امور دانشگاه‌ها
- قانون مصوب سال ۱۹۷۴، اصلاحی سال ۱۹۹۲ در خصوص آموزش عالی خصوصی

برنامه ریزی و ارزیابی تحصیلی

سیاست‌های اصلی

تحصیلات برای انسان فرصتی ایجاد می‌کند تا کیفیت زندگی خود را ارتقاء دهند و با یکدیگر در صلح و هماهنگی زندگی کنند و خود را با شرایط مختلف اجتماع وفق دهند. بنابراین تحصیلات دارای هدف برقراری هماهنگی و توازن در چهار زمینه روحی، ذهنی، فیزیکی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد. فراهم کردن تحصیلات پایه از ابتدایی تا دبیرستان فقط بر روی کسب دانش و افزایش توانایی تمرکز ندارد. به هر حال برنامه‌های درسی تهیه شده برای تمامی سطوح تحصیلات، به دانش‌آموزان فرصت می‌دهند تا خود را



برای زندگی هماهنگ در اجتماع و توانایی کسب شغلی هماهنگ با تواناییهایشان آماده کنند. این امر دو مورد دروس اجباری و انتخابی کلیه دانش‌آموزان صادق است. برنامه درسی آموزش ابتدایی که در سال ۱۹۷۸ تدوین و در سال ۱۹۹۰ بازبینی شد، بیشتر بر روندها تکیه دارد تا مطالب. ساختار این برنامه تأکید دارد که به دانش‌آموزان دانش، مهارت، ارزش، مهارت در تفکر و حل مسائل، آگاهی از ارزش یادگیری و توانایی انطباق آموخته‌ها بر زندگی روزمره را بدهد. ساختار این برنامه شامل پنج گروه تجربیات آموزشی به شرح زیر است: مهارت‌های پایه (زبان تایلندی و ریاضیات)، تجربه زندگی، رشد شخصیت (عادت‌ها، وجدان، هنر، ورزش و موسیقی)، فعالیت‌های عادت ساز (جوانان صلیب سرخ) و تجربیات از طریق کار (کار منزل، کشاورزی و کارهای انتخابی) و تجربیات ویژه که عبارتند از تجربیاتی مطابق علایق دانش‌آموز. برای تمام این فعالیت‌ها نیز روزهای ارزشیابی خاصی وجود دارند. برای اینکه این آموزش‌ها با نیازهای جامعه هماهنگ باشند، همکاری جامعه در تعیین برنامه و واسطه‌های تدریس و یادگیری ضروری است.

برنامه درسی آموزش راهنمایی سال ۱۹۷۸ که در سال ۱۹۹۰ بازبینی شد، بر روندهای تفکر و عمل تأکید دارد. دروس و فعالیت‌های اجباری کاهش و فعالیت‌ها و دروس انتخابی افزایش یافته‌اند تا به دانش‌آموزان حق انتخاب بیشتری در زمینه‌های عمومی و حرفه‌ای بدهند.

جلسات مطالعاتی خاصی برای فعالیت‌های مستقل وجود دارند که دانش‌آموزان را به سمت درک علایق و استعدادهای واقعی خود سوق می‌دهند. ساختار این برنامه شامل مباحث اصلی زبان تایلندی، علوم، ریاضیات، علوم اجتماعی، بهداشت جسمی و هنر است. مباحث انتخابی نیز عبارتند از: علوم اجتماعی، بهداشت جسمی و کار. مباحث اختیاری نیز شامل: زبان‌ها، ریاضیات و علوم و دروس علوم اجتماعی،



مجموعه رشد شخصیت و سایر موارد می‌شوند. از جمله این مباحث اختیاری می‌توان از کار و اشتغال در زمینه‌های: تولید، خدمات، و کارورزی در حین تحصیل نام برد. به علاوه دانش‌آموزان، سه گروه فعالیت دیگر را نیز انجام می‌دهند که شامل: فعالیت‌های تعیین شده توسط وزارت، مشاوره و برنامه‌های شخصی دانش‌آموزان هستند. برنامه درسی آموزش دبیرستان سال ۱۹۸۱ که در سال ۱۹۹۰ بازبینی شد، ساختاری انعطاف‌پذیرتر داشت. تمرکز این برنامه بر کاربرد آموخته‌ها در زمینه‌های مختلف، مطابق با سیاست‌ها و اهداف و نیازهای محلی بود. این برنامه شامل روندهای تدریس و یادگیری بود که بر افزایش کیفیت زندگی، دانش و مهارت‌های ویژه بر اساس پتانسیل دانش‌آموز، امکان دادن به دانش‌آموز برای اینکه فرد مفیدی برای اجتماع باشد، تأکید داشتند. ساختار این دوره شامل دورس اجباری (دروس اصلی: زبان تایلندی، مطالعات اجتماعی و بهداشت جسمی؛ دروس انتخابی: بهداشت جسمی، علوم، دانش پایه درباره اشتغال؛ دروس اختیاری: زبان‌ها، علوم اجتماعی، رشد شخصیت و علوم و ریاضیات) می‌باشد.

به علاوه دانش‌آموزان باید سه گروه فعالیت دیگر را انجام دهند که شامل: فعالیت‌های تعیین شده از سوی وزارت، مشاوره و فعالیت‌های مستقل می‌شوند. یک دوره غیر رسمی آموزش فنی و حرفه‌ای نیز برای کسانی که سال اول ابتدایی را گذرانده‌اند اما امکان ماندن در سیستم مدرسه را نداشته‌اند، در نظر گرفته شده است. هدف این دوره دادن یک احساس مسئولیت در قبال خود، جامعه و کشور به دانش‌آموز با تأکید بر ارزش‌های تایلندی است. دانش‌آموزان، باید بتوانند کسب دانش کنند و این دانش را در ارتقای کیفیت زندگی خود به کار ببندند. آنان باید به دوستی کلیت اشتغال، خود و جامعه را درک کنند. دانش‌آموزان باید قادر باشند تا نظریاتی از خود درباره زندگی داشته باشند تا رفتارهای خود را با شغلشان هماهنگ سازند و زندگی شرافتمندی را اداره نمایند.



مدیریت آموزشی

نهادهای مرکزی

دولت، نقش مهمی در حمایت و تشویق کلیه آژانس‌های عمومی و خصوصی برعهده دارد. یکی از عوامل اصلی دستیابی به اهداف آموزش و پرورش، حمایت مالی دولت است. دولت، سرمایه‌گذار اصلی در امر آموزش و پرورش است و باید عواملی چون نسبت هزینه به تأثیر، کفایت، مؤثر بودن تخصیص بودجه، مدیریت و تمرکززدایی بودجه آموزشی را به منظور فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر و عادلانه برای کلیه افراد کشور، اولویت‌بندی کند.

مهم‌ترین مؤسسات دولتی و غیردولتی که دربخش آموزشی فعالند شامل وزارت آموزش و پرورش، کمیسیون آموزش همگانی، وزارت امور دانش گاه‌ها می‌باشند که کار آن‌ها نظم بخشیدن، اداره و برنامه ریزی آموزشی فعالیت می‌کنند نیز وجود دارند، کمیسیون آموزشی بیش‌ترین تعداد دانش آموزان رادربخش ابتدائی دراختیار داردوبقیه تحت کنترل کمیسیون آموزشی مخصوصی و وزارت آموزش عمومی می‌کرد دارند.

سطوح مدیریتی

نظام مدیریت آموزشی به سه سطح ساختاری به شرح ذیل قابل تقسیم است :

- سطح ملی یا مرکزی
- سطح استانی
- سطح محلی



تعیین سیاستهای آموزشی و برنامه ریزی در سطح مرکزی یا ملی صورت میگیرد و نهادهای اجرایی آن عبارتند از وزارت آموزش و پرورش و تعدادی دفاتر تابعه آن که نسبت به انجام این امور اقدام می نمایند. تهیه برنامه های توسعه آموزش در سطح استانها و اجرای آن در سطح استان بر عهده واحدهای استانی است. اجرای این امور توسط ادارات آموزش و پرورش استان و دفاتر تابعه آنها صورت میگیرد. واحدهای اجرایی محلی نیز مسئولیت تهیه و اجرای برنامه های آموزشی در سطح محل را بر عهده دارند .

نهادهای مدیریتی در سطح ملی

آژانس های اصلی مرتبط با امر آموزش و پرورش شامل دفتر کمیسیون آموزش و پرورش ملی که مسئول فرمول بندی سیاستها و برنامه های آموزش و پرورش ملی است و وزارت آموزش و پرورش که مسئول مهیا نمودن آموزش و پرورش پایه است می باشند. بخش های تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش عبارتند از:

دفتر کمیسیون ملی آموزش و پرورش ابتدایی

بخش آموزش و پرورش عمومی

دفتر کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی و بخش آموزش و پرورش غیر رسمی (مسئول ارائه آموزش به افرادی با سن بیش از ۱۵ سال که به نحوی امکان حضور در سیستم رسمی آموزش و پرورش را نداشته اند).

مدیریت آموزش عالی

نهادهای مدیریتی

وزارت امور دانشگاه ها که عهده دار مسئولیت هماهنگی، نظارت و ارائه خدمات به کلیه مؤسسات آموزش عالی عمومی و خصوصی می باشد. انجمن رؤسای دانشگاه های تایلند و انجمن مؤسسات آموزش عالی خصوصی تایلند نیز از جمله دیگر نهادهای دست اندکار مدیریت دانشگاهی می باشند.



بودجه و هزینه های آموزشی

بودجه آموزشی

طبق آمار سال ۱۹۸۰، بودجه آموزش و پرورش فقط $\frac{3}{4}$ درصد کل بودجه دولت GNP بود.

در قیاس با کشورهای پیشرفته (امریکا $\frac{6}{7}$ ٪ و انگلستان $\frac{5}{6}$ ٪) یا حتی کشورهای در حال توسعه

(مالزی ۶ درصد)، این رقم بسیار ناچیز است. در سال مذکور، بودجه آموزش و پرورش برابر $\frac{19}{3}$ ٪ کل

بودجه ملی بود. در سال ۱۹۹۰، این رقم به $\frac{17}{9}$ ٪ تنزل یافت. این کاهش بودجه، دلیل دیگری بر کندی

پیشرفت آموزش و پرورش است. به هر حال دولت‌ها، اهمیت آموزش و پرورش را درک کرده‌اند و بودجه

بیشتری را برای آن در نظر گرفته‌اند.

طی دهه گذشته، تخصیص بودجه دولت در قیاس با درآمد ناخالص ملی (GNP) نسبتاً بالا بوده است.

(به طور میانگین $\frac{3}{5}$ درصد GNP و ۲۵ درصد بودجه ملی). طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹، بودجه آموزشی

به طور سالیانه ۱۵ درصد افزایش داشته است. بالاترین بودجه مربوط به سال ۱۹۹۷ است که ۲۰۲۸۶۴

(baht) یا ۴,۳ درصد GNP به امر آموزش و پرورش اختصاص یافته بود.

پس از رکود اقتصادی در تایلند، دولت مجبور شد که بودجه آموزشی را در سال ۱۹۹۸ به میزان

$\frac{0}{57}$ درصد کاهش دهد تا بتواند سرمایه‌گذاری شده در امر آموزش و پرورش را کنترل کند. این

اولین بار در تاریخ است که بودجه آموزشی یک سال خاص، از سال‌های گذشته کمتر بوده است. بودجه

آموزشی دولت، سالیانه به موارد ذیل اختصاص می‌یابد:



- حمایت از تدریس و یادگیری، بهبود کیفیت آموزش، خدمات آموزشی رسمی - غیررسمی،

آموزش‌های پیش‌دبستانی، حمایت از آموزش‌های اجباری بیشتر که البته در قالب آموزش همگانی

ارائه می‌شوند

- حمایت از تحصیلات معلولین و محرومین، تهیه کتب درسی، یونیفرم، برنامه نهار، غذای

اضافی (شیر) برای کودکان دبستانی و پیش‌دبستانی

- حمایت از توسعه آموزش‌های غیررسمی

- حمایت‌های مالی و فنی از مدارس خصوصی جهت نیل به استانداردها و حمایت از مؤسسات

آموزش عالی بویژه در امر تحقیقات.

در سال ۱۹۹۹، دولت برای اولین بار، از طریق تأسیس دو دانشگاه خاص برای راهبین، از تحصیلات

راهبان حمایت کرد. دولت، بزرگترین سهم بودجه را برای آموزش ابتدایی در نظر می‌گیرد چون "یک سطح

آموزش اجباری است و هدف آن ایجاد یک پایه محکم در دانش‌آموزان برای بدست آوردن خصوصیات

پسندیده در زمینه‌های: روحی، اخلاقی، دانش و توانائی‌های پایه، سواد و مهارت‌های ریاضی است.

سیاست، شامل ارائه خدمات آموزشی با کیفیت و قابل دسترس به همه دانش‌آموزان است. به طور میانگین،

۴۴ درصد کل بودجه آموزشی در سال‌های ۱۹۹۹ - ۱۹۹۰ به تحصیلات ابتدایی اختصاص یافته و این نرخ

روبه افزایش است. در سال ۱۹۹۹ این رقم معادل ۸۱۶۶۲/۴ میلیون baht بوده و در سال ۱۹۹۰،

۳۰۵۸۹/۶ میلیون baht بوده است. در حالی که نسبت بودجه به دانش‌آموز، به طور سالیانه افزایشی معادل

۱۸/۳۳ درصد داشته است. نقش دولت را در امر آموزش می‌توان به دو بخش تقسیم‌بندی کرد: عملکرد و

سرمایه. در بخش عملکرد، بودجه شامل: حقوق و دستمزدها، پاداش‌ها، هزینه‌های متفرقه، موارد عمومی،



هزینه‌های حمایتی و سایر هزینه‌هاست. بودجه اختصاص یافته به بخش سرمایه عبارت است از: تجهیزات و زمین و ساختمان. مشخص شد که ۷۵ درصد هزینه‌های آموزشی در تایلند مربوط حقوق‌ها و دستمزدهای عادی است. به هر حال با اینکه درصد بالایی از کل بودجه آموزشی به حقوق معلمین اختصاص یافته است، هنوز معلمین تایلندی، نسبت به معلمین سایر کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، حقوق کمی دریافت می‌کنند.

بودجه آموزش پایه

آموزش‌های پایه به صورت رایگان ارائه می‌شوند بنابراین دولت ناچار است بخش بزرگی از بودجه خود را به این امر اختصاص دهد.

برآورد بودجه اولیه برای سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۰ برابر چیزی حدود ۱۰۰۰۰۰۰ میلیون (baht) در سال است. با توجه به اهمیت تحصیلات پایه، بالاخره مجلس بودجه پیشنهادی دفتر کمیسیون آموزش و پرورش ملی و وزارت آموزش و پرورش را تصویب کرد.

بودجه آموزش خصوصی

دفتر کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی مسئول تمامی سطوح این نوع آموزش است. از سطح پیش دبستانی تا دبیرستان‌های عمومی و فنی و حرفه‌ای. این دفتر به عنوان نهاد مرکزی مصرف‌کننده بودجه کمکی دولت در آموزش خصوصی عمل می‌کند. تمامی مؤسسات خصوصی از حمایت مالی برخوردار می‌گردند. تصویب و تعیین نرخ شهریه‌ها بر عهده خود آنهاست اما مجاز نیستند که از حد تعیین شده توسط دولت تجاوز کنند. مؤسساتی که به طور داوطلبانه از کمک‌های مالی دولت



استفاده نمی کنند، در مدیریت و نظارت آزادتر هستند. به هر حال آن‌ها هم باید تابع قوانین و مقررات مصوب وزارت آموزش و پرورش باشند. در سال ۱۹۹۸، درصد دانش‌آموزانی که در مدارس خصوصی تحصیل می کردند عبارت بود از:

- پیش دبستانی ۱۷/۲۴ درصد
- مدارس ابتدایی ۲۹/۱۳ درصد
- مقدماتی و تکمیلی متوسطه ۶ درصد کل دانش‌آموزان

بالاترین درصد مربوط به پیش دبستانی است چون خدمات ارائه شده توسط دولت در این زمینه، کافی نیست. دولت برنامه‌هایی در نظر گرفته است تا بخش خصوصی و جامعه را به مشارکت بیشتر در ارائه این دروه آموزشی تشویق کند. به آموزش‌های پیش دبستانی، مشارکت و مشاوره مالی و فنی تعلق می گیرد. به هر حال مقایسه تایلند با بقیه کشورها نشان می دهد که هنوز سرمایه گذاری در بخش آموزش خصوصی، در تایلند، بسیار پائین تر از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه‌ای مثل آمریکا، ژاپن، کره جنوبی و تایوان است. آمار دفتر کمیسیون آموزش و پرورش خصوصی، نشان می دهد که شهریه کل در همه سطوح آموزشی معادل ۱۲۹۰۰ میلیون baht در سال ۱۹۹۵ یا ۰/۳ درصد GNP بوده که این رقم بیش از ده برابر کمتر از بخش دولتی است که این رقم در آن ۳/۵ درصد GNP بوده است.

شهریه و هزینه های تحصیلات دانشگاهی

شهریه‌ها از دانشگاهی به دانشگاه دیگر متفاوت هستند. شهریه‌ها برای دوره‌های پیش دانشگاهی تا کارشناسی در مؤسسات عمومی بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ (baht) برای هر واحد هستند. هزینه‌های دیگر مثل فعالیت‌های خارج از برنامه و سرویس‌های بهداشتی بین ۴۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ (baht) هستند.



هزینه‌های دیگر از قبیل ثبت نام، کارت شناسایی دانشجویی و هزینه فارغ التحصیلی از ۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰

(baht) متغیرند. در سطح دانشگاهی، شهریه‌های سالانه بین ۸۰۰۰۰-۴۰۰۰۰ baht برای کارشناسی ارشد

و حدود ۲۰۰۰۰۰ baht برای دکتری هستند.

شهریه مقاطع کارشناسی و پائین تر در مؤسسات خصوصی بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ (baht) برای

هر واحد هستند و در مقاطع بالاتر این رقم تا ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ (baht) افزایش می‌یابد.

هزینه‌های دیگر نیز تا ۱۰۰۰۰ (baht) در سال می‌رسند. پانسیون‌ها و خوابگاه‌هایی نیز وجود دارند که

امکان زندگی اجتماعی دانشجویی را فراهم می‌آورند. هزینه این گونه مراکز در اتاق‌های یک یا دو تخت خوابه،

تقریباً حدود ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ (baht) در سال است.

هزینه‌های عمومی آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزش طی سال ۱۹۹۵

- پیش دبستانی : ۱/۴ درصد
- اولین سطح : ۴۹/۶ درصد
- دومین سطح : ۲۳/۶ درصد
- سومین سطح : ۱۹/۴ درصد

کل هزینه‌های آموزشی

سال	به عنوان درصدی از کل	به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی	به عنوان درصدی از هزینه‌های جاری دولتی
۱۹۹۰	۸۳/۶	۳	۲۱
۱۹۹۳	۸۱/۲	۳/۴	۲۲/۷
۱۹۹۴	۸۰/۱	۳/۱	۳۱/۱

هزینه‌های جاری آموزشی



سال	به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی	به عنوان درصدی از کل هزینه های دولتی
۱۹۹۰	۳/۶	۲۰
۱۹۹۲	۴	۱۹/۶
۱۹۹۳	۴/۲	۲۰/۶
۱۹۹۴	۳/۸	۱۸/۹
۱۹۹۵	۴/۱	۲۰/۱

هزینه های جاری آموزشی بر مبنای سطوح مختلف آموزشی

سال	پیش دبستانی	سطح اول	سطح دوم	سطح سوم	سایر سطوح	توزیع نشده
۱۹۹۰	۰/۲	۵۶	۲۱/۶	۱۴/۶	۲/۳	۵/۳
۱۹۹۴	۱/۸	۵۱	۲۱/۵	۱۶/۵	۲/۵	۶/۶
۱۹۹۵	۱/۴	۴۹/۶	۲۳/۶	۱۹/۴	۴/۳	۱/۷

کمک هزینه های تحصیلی

وام تحصیلی که به دانشجویان رتبه اول بومی و غیر بومی تعلق می گیرد.

نهادهای مرکزی

بخش خدمات آموزشی، وزارت امور دانشگاهها که عهده دار مسولیت اعطای وامهای تحصیلی است.